

آموزشی ابتداری

۲

رشد

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و پنجم | آبان ۱۴۰۰ | شماره‌ی بی‌دربی ۱۹۹ | ۲۸ صفحه
www.roshdmag.ir | ۰۵۳۰۵۲۰۰۰

دلگرم مدرسه‌ی می‌خواد

• آموزگاری به سلیقه‌ی بچه‌ها
• فسقلی‌های خواندنی



حضرت رسول اکرم(ص): أَلْهَوُوا وَالْعَبُوا، فَإِنِّي أُكْرَهُ أَنْ يَرَى فِي دِينِكُمْ غِلْظَةً:
تفریح و بازی کنید، زیرا من دوست ندارم که در دین شما خشکی باشد.
(نهج الفصاحه، ۱۰۵، حدیث ۵۳۱)

آموزشی ابتدایی

رشاد

۲

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و پنجم | آبان ۱۴۰۰ | شماره‌ی پی‌درپی ۱۹۹ | ۴۸ صفحه | ۵۳۰۰۰ ریال
www.roshdmag.ir

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



فهرست

- ۲ **کتاب بخوان، شاد بمان** | کبری محمودی
- ۳ **تقویم** | زهرا نظام‌الدینی
- ۴ **خوش رنگ و خوش دوخت** | طاهره ملک‌زاده
- ۶ **غرق در دنیای بازی** | حامد ابتهاج
- ۸ **تعیض یواشگی ممنوع!** | ابراهیم اصلانی
- ۱۰ **اعتماد داری؟** | زهرا نصیری
- ۱۲ **شادی حاضر** | عاطفه فرهادی
- ۱۴ **اگر وپروس جدیدی بیاید...** | مرتضی مجدفر
- ۱۶ **شریت و تربیت** | الهه دیمی
- ۱۷ **جای خالی عموزنجیر باف** | نیلوفر فرجیان
- ۱۸ **به تو افتخار می‌کنم** | مه‌ری یوسفی
- ۱۹ **دخترم زهرا** | انسیه کاویانی
- ۲۰ **پرورش یا آرامش** | نگین مقصودی
- ۲۲ **آموزش تیرکمانی** | مهدی میرزایی
- ۲۴ **یادگیری به شرط لیخند** | کبری محمودی
- ۲۶ **ارتباط برقراره** | نیلا سلیقه‌دار
- ۲۸ **خلاق شو!** | فاطمه دولتی
- ۲۹ **آموزگار اهل فیلم** | حامد ابتهاج
- ۳۰ **اندر باب نشست** | مریم کیایی
- ۳۲ **آموزگاری به سلیقه‌ی بچه‌ها** | الهام فراستی
- ۳۴ **یک روز حیرانی** | ندا رسولی
- ۳۶ **ارزشش را دارد** | غلامرضا فلسفی
- ۳۸ **فستی‌های خواندنی** | مرتضی فاضل
- ۴۰ **پنج دقیقه‌ی طلایی** | تهیمینه بی‌نیاز
- ۴۲ **دلم مدرسه می‌خواد** | مریم شهرآبادی
- ۴۴ **زنگ بازی** | تمنا رستگار
- ۴۶ **این رشد و رشدهای دگر** | زکیه ملابابایی
- ۴۸ **رمز اشتیاق** | اعظم لاریجانی



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ



فرم اشتراک مجله



مدیر مسئول: محمدابراهیم محمدی

دبیر: کبری محمودی

شورای برنامه‌ریزی: مژگان آزیده، مهشید باستانی پورمقدم،

محمدعلی قربانی، مرتضی مجدفر و اصغر ندیری

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسائزاد

طراح گرافیک: وحیدحقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

عکاس روی جلد: ژیا ابراهیمی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۳۹۱۷۸

۰۲۱ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱ - ۸۸۸۶۷۳۰۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید:

● با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد.

● قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.

● در حد ۱۲۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی - آموزشی باشد.

● در قالب «ورد» و از طریق پیام‌نگار و راه‌های ارتباطی مجله فرستاده شود.

● روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.

● محل قرارگرفتن جدول، شکل و عکس در متن مشخص شود.

● چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.

● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود.

● اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد.

لازم به ذکر است:

● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است.

● مقاله‌ی دریافتی بازگردانده نمی‌شود.

● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

● عکس‌های مدرسه‌ای تان را منتشر نمی‌کنیم.

● عکس‌های مدرسه‌هایی که در مجله می‌بینید، قبل از

دوران شیوع کرونا گرفته شده‌اند.



کبری محمودی

شاید حدود ۱۵ سال پیش بود! در کلاس پایه‌ی چهارم بودیم. از مزیت کتاب و کتاب‌خوانی صحبت شد. خوش‌بختانه بحث انگیزشی بود و بچه‌ها به وجد آمده بودند. می‌گفتند: «خانم، خانواده‌های ما گاهی نمی‌دانند چه کتابی را باید بخوانیم. همه‌ی کتاب‌ها که خواندنی و جذاب نیستند. وقتی رفته‌بودیم نمایشگاه کتاب، در غرفه‌ها، با بچه‌های هم‌سن خودمان که حرف می‌زدیم، بعضی‌ها کتاب‌هایی را که خوانده بودند و خوششان آمده بود، معرفی می‌کردند. ما هم آن‌ها را خریدیم. بهتر از کتاب‌هایی بودند که در تولدها هدیه می‌گرفتیم یا پدر و مادرها برایمان خریده بودند! کتاب باید جذاب باشد!»

آبان ماه سال گذشته، در جمع مجازی دانش‌آموزان پایه‌ی ششم شرکت داشتم. باز هم حرف از کتاب بود. تا اسم کتابی را می‌آوردم، بچه‌ها با جست‌وجویی سریع، اسم کامل کتاب را همراه با نام نویسنده‌اش می‌آوردند. انگار آن را خوانده باشند! بچه‌ها باور داشتند کتاب‌خواندن فایده دارد و داده‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی و حتی سایت‌های اینترنتی چندان مورد اعتماد نیستند! می‌دانستند راحت نباید به سخنان و قول‌هایی که در فضای مجازی از زبان اشخاص نقل می‌شود، اعتماد کرد. آن‌ها بهتر از من نام کتاب‌های دوره‌ی سنی خودشان را می‌دانستند و حتی نام ناشر و نویسنده را. از قیمت بالای بعضی کتاب‌ها گله داشتند و از نسخه‌های برخط و نرم‌افزارهایی نام می‌بردند که کتاب‌ها را به صورت الکترونیکی عرضه می‌کنند و البته با قیمتی به‌صرفه‌تر.

بچه‌ها کتاب را می‌شناسند، مزیت کتاب‌خواندن را می‌دانند و دوست دارند کتاب بخوانند، فقط نحوه‌ی خواندن و شناختشان از کتاب فرق کرده است. آن‌ها بومیان دیجیتال هستند و به شیوه‌ی امروزی و به شیوه‌ی بومیان دیجیتال کتاب می‌خوانند، نه مانند من و مهاجران دیجیتال که باید بوی ورق را از کتابی استشمام می‌کردیم تا کتاب‌خواندیمان می‌گرفت! آن‌ها کتاب می‌خوانند، اگر ما کتاب‌های متناسب با فضای روحی و



عکاس: رضا بهرامی

کتاب بخوان و شاد بمان



تقویم

زهره نظام‌الدینی

۲۲ آبان؛ میلاد رسول اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع)

حدود پانصد سال پس از تولد عیسی مسیح، در روز ۱۷ ربیع‌الاول، چشمان جهان به وجود نوزادی روشن شد که بی‌شک نقطه‌ی عطفی در تمام تاریخ بشریت است؛ حضرت رسول اکرم (ص) در این روز متولد شد.

۱۷ ربیع‌الاول همچنین شاهد تولد امام ششم شیعیان است. تلاش بی‌وقفه‌ی امام جعفر صادق (ع) در راه بیان حقایق و معارف دینی و نجات دین از انحرافات شدید، تا به این حد است که «مکتب شیعه» با نام مبارک ایشان همراه است و شیعه را به‌عنوان «مکتب جعفری» می‌شناسند. نوشتارمان را به کلامشان زینت می‌بخشیم:

قال علیه‌السلام: صلاح حالِّ التَّعَايِشِ وَ التَّعَاشِرِ مِلَّةٌ مِکِیَالٍ، ثَلَاثَةٌ فَطَنَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ تَعَاقَلٌ: مصلحت زندگی و معاشرت اجتماعی به پیمانه‌ای می‌ماند که دوسوم آن هوش و زیرکی و یک‌سومش نادیده‌گرفتن و تجاهل است (تحف‌العقول، ص ۲۵۹).

۱۳ آبان؛ روز دانش‌آموز

روز ۱۳ آبان در تقویم ایران شاهد سه اتفاق بزرگ است: نخستین اتفاق تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه در سال ۱۳۴۳ است. این تبعید که در پی سخنرانی و موضع‌گیری امام به موضوع «کاپیتولاسیون» صورت گرفت، سرآغاز هجرتی بود که ۱۴ سال بعد انقلاب اسلامی را به ارمغان آورد.

اتفاق دوم که دلیل نام‌گذاری این روز به «روز دانش‌آموز» است، در سال ۱۳۵۷ رقم خورد. صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷، دانش‌آموزان در حالی که مدرسه‌ها را تعطیل کرده بودند، به سمت دانشگاه تهران رفتند تا حمایت خود را از امام خمینی و دستاوردهایش اعلام کنند. این اجتماع که با برخورد نیروهای مسلح شاه مواجه شد، ۵۶ شهید و صدها مجروح برجای گذاشت.

و در آخر، مهم‌ترین اتفاقی که در روز ۱۳ آبان، تاریخ معاصر ایران به خود دیده



نشان را در اختیارشان قرار دهیم. کتاب می‌خوانند اگر با وسواس کتاب‌ها را به آن‌ها معرفی کنیم. کتاب می‌خوانند اگر کتاب واقعا خواندنی باشد.

من و شمای آموزگار، علاوه بر آنکه ویژگی‌های سنی و رفتاری کودکان را می‌شناسیم، بیش از پدر و مادر و کتاب‌دار و ناشر، می‌دانیم کودکان از چه کتاب‌هایی بیشتر می‌آموزند. ما هم کودک را می‌شناسیم و هم آموزش را. بیاید در کلاس حتماً برای بچه‌ها کتاب خوب بخوانیم. بیاید کتاب‌های خوبی را که برای دانش‌آموزانمان می‌خوانیم، به همکاران معرفی کنیم. بیاید هر کتابی را نخوانیم و اعتماد بچه‌ها به کتاب را از بین نبریم. بیاید با کتاب خواندن فضای کلاس‌هایمان را شاد کنیم و شاد نگه داریم. کتاب‌های خوبی را که می‌شناسید، در یادداشتهای کوتاه، به دفتر مجله معرفی کنید. یادداشتهایمان را با نام خودتان منتشر می‌کنیم. در صفحه‌ی ادبیات این شماره، کتاب‌های خوبی معرفی شده‌اند؛ البته به‌صورت تحلیلی. در صفحه‌ی محتوای تکمیلی هم، تجربه‌ای از آموزگاری کردستانی را می‌خوانید که درباره‌ی چگونگی علاقه‌مند کردن دانش‌آموزانش به خواندن مجلات رشد می‌گوید.

است، تسخیر لانه‌ی جاسوسی است که به‌عنوان روز «مبارزه با استکبار جهانی» نام‌گذاری شده است. امام‌خمینی در پیامی این حرکت دانشجویان و تسخیر سفارت آمریکا را «انقلاب دوم» و بزرگ‌تر از انقلاب اول نامیدند.

۲۳ آبان؛ ولادت امام حسن عسکری (ع)

امام حسن عسکری، یازدهمین پیشوای شیعیان، در هشتم ربیع‌الثانی متولد شدند. این امام بزرگوار که فقط ۲۸ سال زندگی کردند، مدت زمان زیادی از دوران عمرشان را در زندان‌های خلیفه‌ی عباسی گذراندند. ایشان را از آن جهت که در منطقه‌ای نظامی واقع در سامرا زندگی می‌کردند، «عسکری» لقب دادند. از کلام پربرکت ایشان است: «لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ». عبادت‌کردن به زیادی روزه و نماز نیست، بلکه واقعیت عبادت زیاد در کار خدا اندیشیدن است (تحف‌العقول، ص ۴۴۸).

۲۴ آبان؛ کتاب و کتاب‌خوانی

این روز بهانه‌ای است تا هر کداممان به اهمیت و تأثیر فوق‌العاده‌ای بیندیشیم که کتاب در فرهنگ و پیشرفت جامعه ایفا می‌کند. چه بسا ممکن است کتابی مسیر زندگی میلیون‌ها انسان را در راه به‌خصوصی بیندازد.

اندکی نیز با خود خلوت کنیم، کلاهمان را قاضی کنیم و جایگاه کتاب را در زندگی روزمره‌مان به قضاوت بنشینیم. محتوای تکمیلی این شماره به کتاب اختصاص دارد. صفحه‌های ۳۸ و ۳۹ را بخوانید.

۲۵ آبان؛ وفات حضرت معصومه (س)

در عظمت مقام این بانوی بزرگوار کافی است به حدیثی از امام صادق (ع) در شأن ایشان اشاره کنیم: «سَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَّتْ لَهُ الْجَنَّةُ (بخارا‌الانسوار، ج ۶، ص ۲۱۶): به زودی در آنجا (قم) زنی از اولاد من دفن می‌شود که نام او فاطمه است، پس هر کسی او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود.»

خوش رنگ و خوش دوخت

طاهره ملک‌زاده
مدیر دبستان



از شماره‌ی نخست، ماجراهای آموزشی خانم ایزدی را شروع کردیم. این اتفاقات از زبان مدیری به اسم خانم برازنده بیان می‌شوند. او هر بار یک ویژگی را بیان می‌کند که می‌تواند افزون بر روش معلمی، در حوزه‌ی منش معلمی نیز به معلم یاری برساند. هر یک از این ماجراها مستقل‌اند و به خواندن بخش قبلی آن نیاز ندارید.

خانم ایزدی و رفتار او مرا به گذشته‌ی معلمی‌ام برگردانده بود. هر چند خیلی از همکاران معلم کمی تا قسمتی مثل خانم ایزدی بودند، ولی خیلی دوست داشتم همه‌ی آن‌ها را این‌گونه می‌دیدم. همین هم باعث شد خیلی زود با او صمیمی شوم. البته من در صمیمی‌شدن حد و اندازه را نگه می‌دارم و کاری نمی‌کنم که این صمیمیت به روابط کاری‌ام لطمه بزند.

مدتی از شروع سال تحصیلی نگذشته بود که پای صحبت خانم ایزدی نشستیم. او گفت: از بیست‌وپنجم شهریور به بعد شمارش معکوس برایم آغاز شده بود. نمی‌دانستم چگونه تا اول مهر صبر کنم. خلاصه به هر طریقی بود گذر زمان را پذیرفتم، اما همواره این موضوع ذهن ناآرام و درونم را درگیر می‌کرد که چه ترفندی به کار ببرم تا دانش‌آموزانم را بیش‌ازپیش به کلاس جذب کنم. از همان چند کار ساده‌ای که در روز اول مهر دیدید، شروع کردم. بعد از آن به این فکر افتادم که جذابیت جدیدی برای بچه‌ها ایجاد کنم. اگرچه همیشه از نظر پوشش مرتب و آراسته بودم، اما این بار برای شادی و نشاط دانش‌آموزانم قصد خرید کردم. چند روز بعد از شروع سال تحصیلی، سری به چند



چه مانسوی خوش‌رنگی! حتماً بچه‌ها خوششان خواهد آمد...» او که صحبت‌هایش را برای عذرخواهی از تأخیر خروج بچه‌ها شروع کرده بود، از این جملات من جا خورد و گفت: «تأخیر خروج بچه‌ها از کلاس چی؟» گفتیم: «شما که از جاذبه‌ی لازم برای تأثیرگذاری در بچه‌ها برخوردارید و به کوچک‌ترین چیزها از جمله توجه به نوع پوشش، اخلاق و تقسیم نگاه آموزگار و سایر چیزهای دیگر در جذب دانش‌آموزان و یادگیری آنها اهمیت می‌دهید، قطعاً می‌توانید با یادآوری اینکه دیر تعطیل شدن کلاس می‌تواند به نظم عمومی مدرسه لطمه بزند، این مورد ساده را هم برای بچه‌ها توجیه کنید. از دید من این کار توسط شما شدنی است.»

خانم ایزدی که به خوبی می‌دانست چگونه با کلام شیرینش دیگران را جذب کند، گفت: «خیالم راحت شد. وقتی خانم برازنده‌ای مثل شما مدیرم باشد، قطعاً من هم سعی خواهم کرد معلم برازنده‌ای باشم...»



و ثبت زیبایی‌ها و خاطره‌های مدرسه، باعث شده است در این چند روز که از اول مهر گذشته، مثل همان روز اول، صبح ساعت هفت در مدرسه حاضر شوم. هر روز در شلوغی جلوی در مدرسه متوجه اولیایی می‌شوم که مرا به همدیگر نشان می‌دهند و یواشکی چیزهایی می‌گویند. سر صف هم با دست‌تکان دادن‌های خیلی از شاگردانم مواجه می‌شوم. به نظر من این احساسات همگی حس متقابل من و شاگردانم را نشان می‌دهد و بیان می‌کند که دانش‌آموزان و اولیایشان نیز فهمیده‌اند که چقدر در چشم من مهم و ارزشمندند. در این چند روزه که زنگ‌های تفریح یکی پس از دیگری به صدا در آمده‌اند، بچه‌های کلاس من همچنان با تأخیر برای زنگ تفریح بیرون رفته‌اند و از این بابت از شما عذرخواهی می‌کنم. صحبت‌های خانم ایزدی که به اینجا رسید، حرفش را قطع کردم و بی‌مقدمه گفتم: «خانم ایزدی‌جان!

مرکز خرید زد. در حین این‌ور و آن‌ور کردن مانتوها بودم که ناگهان چند صدا مرا به خود خواند: «سلام خانم ایزدی‌جان! توفیق شد شما را ببینیم...»

نگاهم را که چرخاندم برخی از اولیای جدید را دیدم که با گرمی هر چه تمام با من احوال‌پرسی می‌کردند. گویی نه چند روز، بلکه سال‌ها بود مرا می‌شناختند. چند دقیقه‌های گذشته بود که دانش‌آموزانم نیز دوروبرم جمع شدند. با ذوق و شوق همدیگر را در آغوش گرفتیم و پس از گپ‌گفتی کوتاه، از هم خداحافظی کردیم. رفتار دانش‌آموزان و اولیایشان برایم شیرین و دل‌نشین بود. از خود پرسیدم مگر من در این چند روزه چه کار کرده‌ام که این‌ها این‌قدر با من مهربان‌اند؟

خلاصه، دو مانسوی خوش‌رنگ و خوش‌دوخت خریدم که مطمئن بودم بچه‌ها خوششان خواهد آمد. سپس راه منزل را در پیش گرفتیم. محبت و ذوق من نسبت به بچه‌ها

آرزوی سندی‌نامه‌ی «رسی ملی»

ترویج و تعمیق فرهنگ حیا، عفاف و حجاب متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی از موضوعاتی است که در سند تحول بنیادین بر آن تأکید شده است. راهکار ۵-۳ به این منظور آمده است: طراحی و ارائه‌ی الگوی لباس و پوشش مناسب، متنوع، زیبا و آراسته‌ی مبتنی بر فرهنگ اسلامی- ایرانی برای مربیان و دانش‌آموزان پسر و دختر در راستای تقویت هویت اسلامی- ایرانی.

آینده‌ی
ابتدایی

این ماه
دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۱۴۰۰ | ۲



غرق

در دنیای بازی



گفت و گو با مجید بایرامی، معلم بازی وارسازی



فهرست فیلم‌های
فارسی پایه‌ی ششم

حامد ابتهاج

عکاس: غلامرضا بهرامی

به باور کارشناسان، بازی در پیشرفت روند یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان نقش کم‌نظیری ایفا می‌کند. زمانی بود که بازی به‌صورت فیزیکی و جمعی، با شرکت چند کودک، در محیط خانه یا مدرسه انجام می‌یافت. تنوع این بازی‌ها زیاد بود، اما ممکن بود هر لحظه، با نبود یکی از طرف‌ها، ادامه‌ی آن متوقف شود. در بیش از سه‌دهه‌ی اخیر، بازی و سرگرمی شکل انفرادی بیشتری به خود گرفته است و از طریق تلفن‌های هوشمند و دستگاه‌های رایانه‌ی شخصی در دنیایی چندبعدی انجام می‌شود. امروزه، با پیشرفت این فناوری‌ها می‌توان حتی فضاها بی ترتیب داد که کودکان بازی‌گونه به کسب‌وکار یا آزمایش و خطا دست بزنند. به همین روی، با مجید بایرامی، معلم ریاضی در تهران، در زمینه‌ی تلفیق این موضوع، یعنی بازی‌وارسازی (گیمیفیکیشن) در آموزش، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که نظر‌تان را به آن جلب می‌کنیم.

■ آقای بایرامی از سابقه‌ی کاری و فعالیت‌های خود بگویید؟

من سال‌ها افتخار معلمی در رشته‌ی ریاضی را داشته‌ام و چند سالی هم مدیر مدرسه بوده‌ام. با افتخار جانباز ۵۵ درصد دفاع مقدس هستم و سه‌بار سابقه‌ی مجروح‌شدن در منطقه‌ی جنگی را دارم. در حال حاضر نیز دوره‌های آزاد بازی وارسازی را در دانشگاه صنعتی شریف برگزار می‌کنم و علاقه‌ام پژوهش در حوزه‌ی فناوری‌های نوین آموزشی است.

■ از نظر شما بازی و تلفیق آن با محتوای درسی چه اندازه اهمیت دارد؟

داستان تلفیق بازی با محتوای درسی بر می‌گردد به بیست سال قبل. آن سال‌ها با شور و اشتیاق در این خصوص فعالیت می‌کردم، ولی در واقع چالشی عظیم موجب شد نتوانم روش تدریس اکتشافی را به‌نحوی پیاده کنم که خودم دنبالش بودم. چالش اصلی، کمبود زمان لازم



گیمیفیکیشن یعنی بازی‌وارسازی و بازی‌گونه کردن فعالیت‌های جدی بشر؛ برای مثال انجام تکالیف مدرسه یا پرداختن به فعالیت‌های شغلی یک کار جدی است. گیمیفیکیشن به دنبال ایجاد تجربه‌ی لذت‌بخش است. این با انجام بازی تفاوت دارد. وقتی شما تکالیف درسی را بازی‌وار می‌کنید، بازی نساخته‌اید، بلکه با وضع یک مجموعه قوانین (سازوکار) آن را سرگرم‌کننده کرده‌اید. بازی‌وارسازی یا گیمیفیکیشن در دهه‌ی اخیر به شکلی گسترده رواج یافته است. گیمیفیکیشن استفاده از ابزارها و سازوکارهای بازی برای درگیر کردن افراد در شرایط گوناگون و خارج از فضای بازی است. استفاده از این ابزارها و سازوکارها، علاوه بر جنبه‌های زیبایی‌شناسانه، درگیر کردن انسان‌ها با تفکر بازی، برانگیختن آن‌ها به رفتارهای مشخص، تشویق به یادگیری و حل مسئله را در پی خواهد داشت.



نمونه‌ای از ویدیوهای درسی پارگذاری شده در آپارات

کردنی‌های سند برنامه‌ی درسی ملی

سند تحول بنیادین در بخش اهداف کلان، در هدف هفتم، بر این موضوع تأکید کرده است: بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی.

الکترونیکی مناسب است و ساخت فیلم‌ها و پویانمایی‌های درسی هم یک ضرورت محسوب می‌شود.

پنجاه معلم را آموزش دادیم. این آموزگاران محتواساز شجاعانه وارد معرکه شدند و توانستیم تمام محتوای کتاب‌های علوم ابتدایی را به فیلم تبدیل کنیم. آن‌ها را هدیه کردیم به تمام دانش‌آموزان و معلمان و الان این فیلم‌ها در آپارات موجودند؛ حدود هزار فیلم سه‌چهار دقیقه‌ای. نمونه‌ای از این فیلم‌های درسی را با اسکن کردن رمزینده‌ی این صفحه ملاحظه کنید.

امیدوارم این جسارت و بی‌باکی روزی به ثمر برسد. آن روز دانش‌آموز و دانشجو، «طلبه»، به معنی طالب علم، خواهد شد. گروهی که با چنین نبیتی وارد این جهاد آموزشی شدند، راه طولانی و پرپیچ‌وخمی در مقابلشان دارند. ساده‌انگاری است که تصور کنیم با ساخت چند هزار موشن‌گرافی درسی، کار تمام شده است!

زمان دانش‌آموزی شما و الان چه تفاوت‌هایی دارند؟

زمان دانش‌آموزی من در پیش از انقلاب اسلامی، چوب و فلک ابزار تعلیم و تأدیب بود؛ ولی باید دانست و باور داشت که کودکان غرق در دنیای بازی هستند. آنان با بازی فکر می‌کنند و تجربه‌های جدید و جسورانه‌ی را رقم می‌زنند. درباره‌ی اینکه چرا کودک و حتی بزرگ سال به سمت بازی یا بهتر بگوییم تجربه‌های لذت‌بخش می‌رود، به هشت «رانه» یا انگیزه‌ی اصلی می‌رسیم. بازی‌ها، سریال‌ها و داستان‌های پرمخاطب و ماندگار همگی به کمک همین انگیزه‌ها توانسته‌اند مخاطبان خود را مشتاق کنند.

معلم با کمک میکروفیلم‌ها می‌تواند آموزش را به بیرون از کلاس ببرد. برای بازخورد و گزارش‌گیری می‌تواند از سیستم‌های ال‌ام‌اس (LMS) استفاده کند.

شاید بگویید، شما که همه‌ی وظایف معلمی را به الکترونیک سپردید! این سخن اشتباه است. یکی از وظایف معلم گوش دادن است؛ گوش دادن به دغدغه‌های دانش‌آموزان. وظیفه‌ی معلم همدلی و همراهی با چالش‌ها و مسائل شاگردانش است. معلم معمار آموزش است. نقش اصلی در یادگیری با خود دانش‌آموز است و علم الکترونیک این مسیر را تسهیل می‌کند.

برای دانش‌آموزان در حین انجام مراحل کشف رابطه‌ها و الگوسازی بود. انجام این فرایند بسیار زمان‌بر بود و همین باعث می‌شد نتوانم سایر وظایف معلمی را به خوبی به سرانجام برسانم. ایده‌ی من این بود که تمرین و تشییع را به خارج از کلاس ببرم. برای همین سراغ بازی‌های آموزشی رفتم؛ ابتدا بازی‌های کارتی و دست‌سازها و سپس بازی‌های رایانه‌ای.

آیا همه‌ی درس‌ها این قابلیت را دارند که برایشان بازی‌سازی انجام شود؟

گیمیفیکیشن در هر جا که با مردم سروکار داشته باشیم، تأثیرگذار است. انسان به‌طور ذاتی بازی و سرگرمی را دوست دارد و دائم به دنبال تکرار تجربه‌های لذت‌بخش است. امروزه تنها بازی‌وار کردن (گیمیفای کردن) درس‌ها یا مباحث آموزشی مطرح نیست، بلکه در همه‌ی بخش‌های جامعه می‌توان از این تکنیک‌ها استفاده کرد.

برای کدام پایه‌های تحصیلی بازی‌سازی کرده‌اید؟

در حال حاضر سه کتاب فارسی، ریاضی و علوم دوره‌ی ابتدایی را تولید محتوا کرده‌ایم. به واقع محتواها اکنون به «تصویرهای گرافیکی متحرک» (موشن‌گرافی) و چندرسانه‌ای تبدیل شده‌اند و هنوز جا دارد تا بازی‌وار (گیمیفای) شوند.

در بازی‌وارسازی ما ۵۲ سازوکار داریم. در ظاهر، به کارگیری این عناصر و قوانین ساده هستند، ولی وقتی آن‌ها را در عمل و تجربه‌ی واقعی به کار می‌بندیم، متوجه خواهیم شد هنوز با ایجاد اثر هنری فاصله‌ی زیادی داریم. تلفیق سازوکارهای بازی، داستان و طنز با محتوای آموزشی، هنر است و معلمی را طلب می‌کند که با تمرین مکرر به پختگی در این زمینه برسد.

جامعه‌ی بشری برای رسیدن به محصولاتی که هم مفید و مناسب و هم سرگرم‌کننده و لذت‌بخش باشند، راه درازی در پیش دارد.

ماجرای هدیه کردن فیلم‌هایتان چیست؟

افتخارم فقط همراهی با آموزگاران است که عاشق معلمی‌اند و نیت کرده‌اند یک وقف آموزشی انجام دهند. در این برهه، جامعه‌ی آموزشی ما به شدت نیازمند محتوای



تبعیض یواشکی ممنوع!



ابراهیم اصلانی
روان‌شناس تربیتی

در قسمت اول از دو اشتباه انگیزشی در تربیت سخن گفته شد. در این شماره نویسنده به موضوعی در انگیزش می‌پردازد که شاید کمتر به آن توجه شده است. موضوع بحث، ارتباط انگیزش و تبعیض است. امیدواریم مطالعه‌ی این موضوع چالشی موجب شود به زمینه‌های احتمالی تبعیض در انگیزش، چه در مدرسه و چه در خانه، بیشتر بیندیشید و به عدالت انگیزشی به‌طور جدی‌تر توجه کنید.

تمرین اول

به چند سؤال پاسخ دهید. حتی خوب است این سؤال‌ها را در جلسه‌ی شورای

آموزگاران به بحث بگذارید.
● تا به حال به این موضوع فکر کرده‌اید که انگیزش هم می‌تواند زمینه‌ساز تبعیض شود؟
● تفاوت گذاشتن بین دانش‌آموزان همیشه فقط در میزان توجه کردن، تشویق و جایزه‌دادن نیست. انگیزش چگونه می‌تواند عامل تبعیض باشد؟ چه تجربه‌هایی در این باره دارید؟

ناعدالتی انگیزشی گاهی آشکار و زمانی هم پنهان یا ناخواسته است. ممکن است طرز فکر مدیر و معلمان و برداشت آنان از تربیت به گونه‌ای باشد که توجه بیشتر به دانش‌آموزان قوی و زرنگ را ضروری و بدیهی بدانند. کم نیستند کسانی که تصور می‌کنند چون عده‌ای در هوش، استعداد، تحصیلات و توانایی‌های دیگر، برجستگی‌هایی دارند، شایسته‌ی توجه و تشویق بیشتری هستند. در سال‌های اخیر توجه‌هایی چون استعدادیابی و نخبه‌گرایی، چنین تصویری را تقویت کرده‌اند. گاهی حتی برداشت‌های نادرست از مفاهیمی چون تفاوت‌های فردی و هوش‌های چندگانه، زمینه‌ساز ناعدالتی انگیزشی می‌شوند. برای مثال، چون دانش‌آموزی در هوش کلامی مستعد است، ممکن است در گفت‌وگوهای کلاسی بیشتر مخاطب قرار بگیرد یا دانش‌آموزی که استعداد ریاضی بهتری دارد، از نظر معلم جایگاه خاصی در کلاس داشته باشد.



می‌توان پیش‌بینی کرد اگر همین افراد حتی بر زبان نیاورند، اما در عمل، تعداد دیگری از دانش‌آموزان را که عادی یا ضعیف و تنبل تلقی می‌شوند، از نظر انگیزشی چندان مورد عنایت قرار نمی‌دهند.

تمرین دوم

- تا چه اندازه با برنامه‌های استعدادیابی موافق هستید؟
- به‌عنوان معلم یا مادر و پدر، چه کارهایی می‌توانید انجام دهید تا محیط مناسبی برای بروز استعدادها تدارک دیده شود؟
- استعداد خودتان در یک یا چند زمینه چگونه کشف شده یا بروز پیدا کرده است؟

ناعدالتی ناخودآگاه

ناعدالتی انگیزشی گاهی هم ناخواسته است و با عوامل پنهان و ناخودآگاه ارتباط دارد. تیپ شخصیتی، آموزه‌های فرهنگی، تجربه‌های شخصی، علاقه‌ها و گرایش‌ها و عوامل دیگر می‌توانند موجب شوند که مدیر، معلم و حتی مادر و پدر، کودک یا نوجوانی را در مرکز توجه خود قرار دهند و دیگری را نادیده بگیرند. نادیده‌گرفته‌شدن شامل طیفی از بی‌توجهی معمولی تا طرد می‌شود. مربیان و والدین ممکن است با این



بحث فرعی

یکی از خطرناک‌ترین موضوعات تربیتی که به‌ویژه در دهه‌ی اخیر سوءاستفاده‌ی تجاری از آن شده است، بحث استعدادیابی و رواج انواع مؤسسه‌ها برای آزمون‌ها و برنامه‌های پرورش استعدادها، والدین و مدرسه را به شرکت‌دادن کودکان و نوجوانان در انواع برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی ترغیب می‌کنند. چنین مؤسسه‌ها و افرادی به‌طور معمول درک تربیتی درستی ندارند و صلاحیت تربیتی آنان جای تردید جدی دارد. علاوه بر میزان صلاحیت و شایستگی افراد و مؤسساتی که مدعی استعدادیابی هستند، نکته‌ی مهم از نظر تربیتی این است که آیا یافتن استعداد ضرورت دارد یا خیر؟ یافتن استعدادی در فرد ممکن است جذاب باشد، اما از کجا معلوم که در این فرد زمینه‌ی استعدادها، دیگرش موجود نباشد و تمرکز بر استعدادی مشخص، او را از استعداد یا استعدادها، دیگرش غافل نکند؟! تجاری‌سازی استعدادیابی بالطبع به‌نفع مؤسساتی است که این موضوع را تبلیغ می‌کنند. اما از منظر تربیتی، در بیشتر موارد ضرورتی ندارد و چه بسا مخرب هم باشد.

بروز استعداد نیاز به محیط مناسب و غنی دارد و نه الزاماً آزمون و آموزش. «استعداد» هنگام فعالیت و کسب تجربه بروز می‌کند، نه در شرایط مصنوعی و طراحی شده.

زمینه‌های تفکر تبعیض را در خود شناسایی کنند و تشخیص دهند. تبعیض، چه عمدی باشد و چه ناخواسته، خطر بزرگی برای انگیزش است و ممکن است زندگی و سرنوشت کسانی را به تباهی بکشاند یا فرصت‌های بزرگی را از آنان بگیرد.

تبعیض مغل شادی است

برای مدرسه‌ی شاد مؤلفه‌های زیادی مطرح شده‌اند که یکی از آنها «فضای عاطفی مطلوب» است. جو عاطفی تحت تأثیر عوامل زیادی قرار دارد. تبعیض می‌تواند مانع بزرگی برای ایجاد جو عاطفی مثبت در کلاس و مدرسه باشد. در بود و نبود تبعیض، فقط نظر مدیر و معلمان مدرسه ملاک نیست، بلکه باید ببینیم دانش‌آموزان چه برداشتی دارند. اگر عوامل مدرسه نشانه‌ها و شواهدی دریافت کنند که حاکی از احساس تبعیض و از جمله تبعیض انگیزشی بین دانش‌آموزان است، باید حساس باشند و چندوچون آن را بررسی کنند. مدرسه‌ای که در آن تبعیض انگیزشی وجود داشته باشد، از فضای عاطفی مطلوبی برخوردار نخواهد بود و شادی راه‌چندانی به آنجا نخواهد داشت.

از دیپای سند برنامه‌ی درسی ملی

سند برنامه‌ی درسی ملی در بخش اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، در بیان بحث تعادل، در بند ۸-۳ چنین آورده است: برنامه‌های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط و رعایت تناسب و توازن در توجه به مساحت‌های تعلیم و تربیت، هدف و محتوا و بهره‌گیری از روش‌های متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌ها پایبند باشد.



تبعیض

منشأ عمده‌ی ناعدالتی انگیزشی را باید در تفکر «تبعیض» جست‌وجو کرد. کمتر کسی است که تبعیض را به‌طور علنی و آشکار قبول کند، اما رگه‌ها و بستریهای آن ممکن است در ناخودآگاه ذهن هر یک از ما وجود داشته باشد. حتی اگر در حرف، مخالف تبعیض باشیم، احتمالاً آنچه در ناخودآگاه ما می‌گذرد، زمینه‌های بروز تبعیض را ایجاد می‌کند. گاهی افراد حتی در پذیرش اینکه تبعیض‌آمیز فکر و عمل می‌کنند، از خود مقاومت نشان می‌دهند. فراموش نکنیم که در فرهنگ عمومی زمینه‌های تمایل به کنترل زیاد است. کنترل‌گرایی یعنی میل به تصمیم‌گیری به‌جای دیگران و تعیین مسیر آن‌ها. این ویژگی موجب می‌شود بر مبنای مصلحت‌سنجی و تشخیص درست و نادرست برای کودکان و نوجوانان، اصرار داشته باشیم که آنان خود را با انتظارات ما تطبیق بدهند. به این ترتیب، ناخودآگاه مجوز توجه‌های خاص به یکی و نادیده‌گرفتن دیگری را برای خود صادر می‌کنیم. تشخیص نگرش تبعیض‌آمیز می‌تواند کار دشواری باشد و به‌ویژه آنکه چون ضدارزش محسوب می‌شود، افراد سعی می‌کنند دامن خود را از آن مبرا کنند. مریبان باید این حساسیت تربیتی را داشته باشند که بتوانند

پیش‌فرض که کودک یا نوجوان تلاش لازم را نمی‌کند یا مستحق توجه نیست، به‌میزان دامن‌های این کم‌لطفی گاهی تا طرد هم می‌رسد و به این ترتیب، کودک یا نوجوان به‌طور کامل نادیده گرفته می‌شود. نتیجه‌ی آن افزایش فاصله بین طرفین و چه بسا رودررویی است. حال اگر همین کودک و نوجوان، به‌جای مقابله و طرد، مورد اندکی عنایت قرار گیرد و از نظر انگیزشی تقویت شود، ورق برمی‌گردد و خیلی چیزها عوض می‌شود. اگر مریبان و والدین از پیش‌فرض‌ها و پیش‌داوری‌های خود کوتاه بیایند و به‌جای تفکر مقابله‌ای و دورراندن، به پذیرش و مهربانی روی آورند، نتایج بهتری می‌گیرند.

نمرین سوم

- چه تجربه‌هایی از کم‌لطفی و بی‌توجهی انگیزشی از طرف خودتان یا دیگران داشته‌اید؟
- این نوع نگرش از کجا می‌آید و چرا تصور می‌کنیم اگر به کودک یا نوجوانی کم‌لطفی شود، او رفتارش را اصلاح می‌کند؟
- نمونه یا نمونه‌هایی سراغ دارید که کودک یا نوجوانی کم‌تلاش یا کم‌انگیزه، با توجه انگیزشی معلم یا فرد دیگری، متحول شده و مسیر زندگی‌اش عوض شود؟

اعتماد داری؟

آموزگاران با خانواده‌ها سخن می‌گویند



زهرانصیری، آموزگار ابتدایی

عکاس: اعظم لاریجانی

نگرانی خود را به فرزندان منتقل نکنید!

مریم میرزایی، معلم پایه‌ی اول ابتدایی، می‌گوید: «هنگامی که کودک برای اولین بار قدم به محیط جدیدی به نام مدرسه می‌گذارد و به او گفته می‌شود باید چندین ساعت از روز را بدون حضور اعضای خانواده، در کنار افراد جدیدی که هر کدام از یک خانواده به آنجا آمده‌اند به سر برد و کارهایی جدید انجام دهد، ناخودآگاه احساس نگرانی به سراغ او می‌آید.

اولین کاری که معلم این پایه باید انجام دهد، برقراری ارتباط عاطفی و ایجاد احساس امنیت و دوستی در کلاس است. چنانچه خانواده با معلم هم‌سو باشند، این اتفاق زودتر می‌افتد و کودک، کلاس و مدرسه را محلی دلخواه و پر از آرامش برای خود می‌پندارد. اما اگر والدین، به‌ویژه مادر، خود دچار نگرانی مفرط و حساسیت زیاد باشد، ناخودآگاه با توصیه‌ها و سخنانش روی فرزند تأثیر می‌گذارد و برقراری ارتباط مؤثر میان کودک و معلم دشوار می‌شود.

بنابراین، توصیه‌ی ما به مادران عزیز این است که نگرانی و اضطرابشان را مدیریت کنند و اگر نظری دارند یا مشکلی وجود دارد، به‌صورت خصوصی با معلم مطرح کنند و اجازه ندهند کودک متوجه نگرانی آن‌ها شود.»



۲

به آموزگار اعتماد کنید

منالماسی می‌گوید: «بی‌تردید یکی از عوامل مؤثر در آموزش و پرورش، به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی، هم‌سویی و ارتباط مؤثر اولیا و مدرسه (به‌ویژه معلمان) است.

برای رسیدن به این منظور باید چارچوب‌هایی تعریف و رعایت شوند تا شاهد آن نباشیم که تعامل اولیا و مدرسه به دخالت این دو نهاد در کار یکدیگر تبدیل شود.

برنامه و اهداف آموزشی و تربیتی خانه و مدرسه (به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی) باید هم‌سو باشند و معلمان و اولیا، برای تربیت فرزندان، یکدیگر را همراه و مکمل هم بدانند.

این اندیشه باعث می‌شود دانش‌آموز هر دو نهاد را برای خود قابل احترام و ارزشمند بداند و با اطمینان خاطر در مسیر خود پیش برود.»

جلسات اولیا و معلمان را جدی بگیرید

فرزانه محمدی، معلم پایه‌ی سوم ابتدایی، به لزوم برگزاری جلسات اولیا و معلمان در آموزش مجازی تأکید می‌کند: «ما نباید در آموزش مجازی ارتباطمان را با اولیا کاهش دهیم، بلکه در این شرایط، ارتباط و هم‌فکری اولیا و معلمان ضرورت بیشتری دارد. از این رو برگزاری مستمر جلسات اولیا و معلمان، حتی به صورت مجازی، ضروری است.» وی ادامه می‌دهد: «حتی اگر در سال تحصیلی آینده هم شرایط سال گذشته را داشته باشیم و در نقاطی از کشور آموزش کاملاً مجازی باشد، باید برنامه‌ریزی انجام شود و معلم در طول هفته ساعت آزاد داشته باشد تا علاوه بر جلسات عمومی مجازی با اولیا، بتواند با والدین دانش‌آموزانی که مشکل خاص دارند جلسات خصوصی برگزار کند. این موضوع در آموزش حضوری نیز اهمیت دارد و حتی برخی از مدرسه‌ها یک ساعت در هفته را تعیین و به والدین اعلام می‌کنند در آن ساعت معلم فرزندشان هیچ کلاسی ندارد و می‌توانند حضوری یا تلفنی به صورت خصوصی با وی گفت‌وگو کنند.»

گلناز آقاجانلو، مادر یکی از دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم، بر این عقیده است که ارتباط مستمر والدین و معلمان در بحث تربیتی کودکان نیز تأثیر چشمگیری دارد: «به نظر من خوب است معلمان به مسائل اخلاقی و تربیتی دانش‌آموزان بیش از آموزش درسی توجه کنند. لازمه‌ی این کار هماهنگی و ارتباط مؤثر اولیا و معلمان است.»

آقاجانلو می‌گوید: «من به‌شخصه تجربه‌ی خوبی در این باره دارم و توانستم مشکلی اخلاقی را که برای دخترم پیش آمده بود و در خانه با خواهر کوچک‌ترش ناسازگاری می‌کرد، با همکاری معلم او برطرف کنم.» صاحب‌نظران عرصه‌ی تعلیم و تربیت، «معلم، دانش‌آموز و والدین» را سه رکن اصلی آموزش می‌دانند. این سه در کنار هم موفقیت را رقم می‌زنند.

بذر اعتماد به معلم را در دل فرزندان بکارید

ریحانه موسوی، معلم پایه‌ی چهارم ابتدایی، تجربه‌ای را مثال می‌زند: «دانش‌آموزی داشتم که از نظر من بسیار توانمند و در رتبه‌ی خیلی خوب بود، اما مادر او با نگرانی با من تماس گرفت و گفت املای فرزندش بسیار ضعیف شده است و برای او قابل تحمل نیست دخترش حتی یک غلط املایی داشته باشد. من معلم به او اطمینان دادم فرزندش مشکل املا ندارد و اگر گاهی کلمه‌ای را اشتباه می‌نویسد، جای نگرانی نیست. اما متأسفانه این مادر عزیز بذر بی‌اعتمادی را در دل فرزندش نیز کاشته بود؛ طوری که وقتی این دانش‌آموز تکلیف جمله‌سازی خود را نشانم داد، دیدم نگرانی و بی‌اعتمادی به آموزش معلم در جمله‌های او منعکس شده است. او از جمله‌هایی مانند: «من فارسی را یاد نگرفته‌ام و من املارا بلد نیستم» استفاده کرده بود؛ در حالی که هیچ اشتباه املایی در تکلیف این کودک وجود نداشت. وقتی از او پرسیدم چرا این جمله‌ها را نوشته و چرا چنین احساسی دارد، پاسخ داد: من فارسی را دوست دارم و خیلی هم خوب یاد گرفته‌ام، ولی مادرم اگر یک اشتباه کوچک در تکالیفم ببیند، سریع می‌گوید تو درس را خوب یاد نگرفته‌ای. تو املا بلد نیستی.»

موسوی می‌گوید: «چون قبلاً به‌طور خصوصی با مادر این دانش‌آموز صحبت کرده بودم و نتیجه نداده بود، تصمیم گرفتم این بار با حضور مدیر آموزشی مدرسه با ایشان جلسه‌ای داشته باشم. در آن جلسه خواهش کردم ایشان در بازخوردهایی که برای تکالیف فرزند خود می‌نویسد، به جنبه‌های مثبت بپردازد و اگر اشکالی هم وجود دارد، در پایان تذکر دهد. بی‌اعتمادی ایجاد نکند و اتفاقاً روشی در پیش بگیرد که فرزندش به تدریس و خیرخواهی معلم خود اطمینان داشته باشد. در ضمن، با ایرادگیری‌های گاه و بی‌گاه، اعتماد به نفس او را از بین نبرد. خوشبختانه این جلسه که با حضور مدیر آموزشی برگزار شد، اثربخش بود و مادر همیشه‌نگران، در رفتارهای خود تجدیدنظر کرد. نتیجه‌ی این موضوع در رفتار و آرامش و پیشرفت تحصیلی فرزندش مشهود بود.»

محتوای مناسب در اختیار فرزندان قرار دهید

زهرآ شیرمحمدی، معلم پایه‌ی پنجم، به نحوه‌ی ارتباط‌گیری اولیا و معلمان در آموزش مجازی اشاره می‌کند: «با توجه به اینکه در آموزش مجازی نخستین تجربه‌ها را پشت‌سر می‌گذاریم، قطعاً بیش از پیش به تعامل و همراهی والدین نیاز داریم، اما در این خصوص نکته‌های بسیار ظریفی وجود دارند که باید در نظر گرفته شوند. معمولاً دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی برای شرکت در کلاس‌ها و نیز ارائه‌ی تکالیف به معلم خود، از گوشی یا لپ‌تاپ و حتی حساب والدین خود استفاده می‌کنند. از این رو لازم است اولیای گرامی بیش از همیشه به محتوای ابزارهای الکترونیکی خود توجه داشته باشند و نیز اگر صحبتی خصوصی در زمینه‌ی حل مشکلات درسی یا تربیتی دانش‌آموز در میان معلم و والدین انجام می‌شود، باید محفوظ بماند.»

خواه برای آموزش درس‌های مدرسه و خواه برای آموزش‌های دیگر یا بازی، وقتی ابزاری مثل گوشی هوشمند را در اختیار فرزندمان قرار می‌دهیم، باید مراقب باشیم محتوای مناسب به او ارائه کنیم. ضروری است هم معلمان و هم اولیا در باره‌ی محتوای الکترونیکی مناسب برای سنین گوناگون مطالعه داشته باشند و در این خصوص با هم هم‌فکری کنند.»

شادی حاضر



عاطفه فرهادی
کارشناس ارشد ادبیات

با لبخند وارد شوید!

یکی از راه‌های ایجاد نشاط در کلاس درس، لبخند است؛ به همین سادگی! چهره‌ی عبوس انسان‌ها روی افراد مقابلشان تأثیر منفی زیادی می‌گذارد.

دانش‌آموزی که وارد کلاس می‌شود، به طور ناخودآگاه کمی مضطرب و عصبی است و چهره‌ی سرد و عبوس معلم ممکن است این حال پریشان او را بدتر کند و بر میزان تمرکز و گیرایی او تأثیر منفی بگذارد. اما لبخند معلم برای دانش‌آموز آرامش و اطمینان خاطر را به ارمغان می‌آورد و اعتماد به نفس او را افزایش می‌دهد. این کار حتی در روحیه‌ی معلم هم بسیار تأثیرگذار است و کمک می‌کند خود معلم هم به آرامش برسد و اضطراب‌های وجود او به دانش‌آموز منتقل نشوند.

پس بهتر است از همان ابتدای سال تحصیلی با لبخند وارد کلاس شوید و از دانش‌آموزانتان هم بخواهید با لبخند به کلاس بیایند.

نشاط را به کلاس بیاوریم

مدرسه خانه‌ی دوم و مهم‌ترین محل زندگی انسان است؛ جایی که در آن آموزش می‌بینیم و پرورش می‌یابیم تا بتوانیم در آینده برای خود و سرزمینمان مفید و موفق باشیم. آنچه انسان را به آموختن ترغیب می‌کند، لزوم درک ناشناخته‌هاست. چیزی که آموختن را جذاب و دوست‌داشتنی می‌کند، انگیزه و رغبت کافی معلم و دانش‌آموز برای یادگیری است. فضای آموزشی یکی از عواملی است که بر افزایش رغبت و انگیزه‌ی معلم و دانش‌آموز برای تعلیم و تعلم تأثیر زیادی می‌گذارد. می‌توان فضای آموزشی را با مشارکت معلمان و دانش‌آموزان به محیطی دل‌نشین و انگیزه‌بخش تبدیل کرد تا فرایند دشوار و گاه خسته‌کننده‌ی آموزش کمی لطیف‌تر و آسان‌تر شود. برای رسیدن به این هدف، نیازی نیست هزینه‌ی گزافی بپردازیم، بلکه با کمی خلاقیت و ایده‌پردازی می‌توان به نتایج مطلوبی رسید. یکی از بهترین ابزارهای بشر برای ایجاد انگیزه و رغبت در انجام هر کاری، تولید نشاط است. می‌توانیم با صرف زمان کم و انجام کارهای ساده، نشاط را به کلاس بیاوریم.

شوخ طبع باشید

شوخی راهی است برای بالا بردن روحیه و ایجاد احساس ارزشمندی در افراد. شوخی کمک می‌کند از تنش‌ها و فشارهای عصبی موجود در فضا بکاهیم.

شوخ‌طبعی معلم علاوه بر اینکه اعتمادبه نفس خود او را افزایش می‌دهد، دانش‌آموز را آرام می‌کند و ترس درون او را از بین می‌برد. خوب است در موقعیت‌های گوناگون معلم بتواند با دانش‌آموزان شوخی کند.

به این تربیت فضای خشک و رسمی کلاس شکسته می‌شود و انرژی مثبت معلم، روی دانش‌آموز تأثیر مطلوبی می‌گذارد.

زودتر به کلاس بیایید

ورود زود هنگام معلم به کلاس، به او کمک می‌کند از کلاس درس ارزیابی داشته باشد و شرایط را برای تدریس مهیا کند. شکستن عادات قدیمی بد نیست. همیشه قرار نیست دانش‌آموزان منتظر ورود معلم باشند، گاهی لازم است این روال عادی کنار گذاشته شود. وقتی معلم زودتر از دانش‌آموزان به کلاس بیاید و از بچه‌ها در بدو ورود استقبال کند، در واقع به نوعی احساس ارزشمندی را در آن‌ها زنده می‌کند. در این زمان دانش‌آموزان با حال بهتر و نشاط بیشتری برای فراگیری آماده می‌شوند.

جنگ خنده راه بیندازید!

گاهی پس از تدریس یک مبحث سخت ریاضی، ذهن معلم و دانش‌آموز به تنفس احتیاج دارد. یکی از راه‌هایی که به تنفس ذهن کمک می‌کند، خندیدن است. برای ایجاد خنده می‌توان کارهای زیادی انجام داد. برای مثال برگزاری مسابقه، لطیفه‌گویی و خواندن اشعار و داستان‌های کوتاه طنز. خوب است معلمان با همکاری و مشارکت دانش‌آموزان برای این جنگ خنده برنامه‌ریزی کنند. مثلاً هربار یکی از دانش‌آموزان برای گفتن لطیفه یا خواندن شعر طنز انتخاب شود و با نظارت معلم متن طنزآمیز مناسبی را برای کلاس تهیه کند.

کاردستی بسازید!

درست کردن کاردستی، ضمن آرامش‌بخشی، به افزایش خلاقیت و تمرکز هم کمک می‌کند. بیایید با کمک دانش‌آموزان و امکانات موجود یک کاردستی متفاوت و کاربردی درست کنید: مثلاً یک تابلوی اعلانات پر از لطیفه! قرار نیست روی این تابلو از مطالب علمی خبری باشد! رسالت این تابلو افزایش نشاط درون کلاس است. روی آن را با کاردستی‌ها و نقاشی‌های زیبای بچه‌ها و تصویرهای با نمک پر کنید. به این ترتیب، هر بار که شما یا دانش‌آموزان به این تابلو نگاه کنید، حس و حال خوب دریافت می‌کنید و لذت می‌برید.

خوش و بش کنید!

برای برقراری ارتباط مثبت و سازنده با دانش‌آموزان، خوب است قبل از دیدن تکالیف یا برگزاری امتحان، با آن‌ها احوال‌پرسی کنید و حتی درباره‌ی احوال خودتان با بچه‌ها حرف بزنید. این رفتار به معنای از بین رفتن حرمت بین معلم و دانش‌آموز نیست، بلکه کمک می‌کند با هم صمیمی‌تر شوید و احساس خوب رفاقت میان شما شکل بگیرد. شاید بعد از این دانش‌آموزان بتوانند از دغدغه‌ها و مشکلاتشان با شما حرف بزنند. احساسات منفی درونشان از بین برود و انگیزه‌ی آن‌ها برای فراگیری افزایش یابد!

فضای کلاس را بشکنید!

تغییر دکوراسیون و چیدمان فضای که در آن زندگی و کار می‌کنید، می‌تواند بسیار جذاب و تأثیرگذار باشد. گاهی لازم است حتی همان فضای محدود کلاس درس را هم تغییر دهید تا هم دانش‌آموزان و هم شما معلم عزیز، از بودن در آن محیط احساس خوبی داشته باشید. با جابه‌جا کردن نیمکت‌ها و صندلی‌ها، یا بردن دانش‌آموزان به کتابخانه و آزمایشگاه، می‌توان نشاط و رغبت را در طول فرایند یادگیری افزایش داد. این تغییرات کوچک روند آموزش و یادگیری را تحت تأثیر قرار می‌دهند و بر خلاقیت دانش‌آموزان می‌افزایند.

آرشیو پای سند برنامه‌ی درسی ملی

می‌توان مهم‌ترین کارکرد حوزه‌ی «تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر» را دستیابی به سواد فرهنگی و هویت‌بخشی، ایجاد شوق و نشاط، درک و بیان احساسات و معانی و ابزار وجود به زبان هنر، پرورش حواس، ذوق زیباشناسی، قدرت تخیل، خلاقیت، قدرشناسی از زیبایی‌ها و میراث فرهنگی، و در نهایت دستیابی به «بصیرت فرهنگی» عنوان کرد.



تجربه‌های معلمان‌هی شاد کردن کلاس درس

اگر ویروس

جدیدی بیاید...

آینده پژوهی در تعلیم و تربیت

در شرایط نبود قطعیت و اطمینان

متصور در زمانی بسیار کوتاه، پس از آغاز یک اتفاق، قابل پردازش و مدل سازی است و در نتیجه می توان واکنش ها و چگونگی به دست آوردن آمادگی های لازم برای روبه رو شدن با چنین اتفاقاتی را تدوین کرد.

عامل دیگری که آینده پژوهی را رشد داد، دگرگونی در طراحی و ساخت جنگ افزارها بود. در سال های جنگ دوم جهانی، تانک ها، هواپیماها و کشتی ها در مدت زمان به نسبت کوتاهی طراحی، تکمیل و ساخته می شدند. اما بعدها با پیچیده تر شدن انواع جنگ افزارها (موشک های قاره پیما، زیر دریایی های هسته ای و...)، کار برنامه ریزان صنایع جنگی دشوار شد. بدین معنا که مدت درازی مثلاً ده سال، از آغاز طراحی تا ساخته شدن نخستین نمونهی محصول به طول می انجامید. در نتیجه فناوری به کار گرفته شده در آغاز طراحی، در طول پیشرفت پروژه، دچار تغییرات بنیادین می شد و غالباً در برهه ی ساخت نمونهی نخستین، «از زده خارج» به حساب می آمد.

در سال ۱۹۶۴، نیاز به پیش بینی فناوری، به انجام یکی از مشهورترین ارزیابی ها با استفاده از روش **دلفی** منجر شد. در این سال، خبرگان فناوری های گوناگون، طی پروژه های مشترک، مأمور شدند فناوری های نوظهور یک صد سال آینده را پیش بینی کنند. بررسی آنان شش مقوله ی «دگرگونی های پراهمیت علمی»، «مهار جمعیت»، «اتوماسیون»، «پیشرفت در زمینه ی دانش هوافضا»، «جلوگیری از جنگ» و «سامانه های جنگی» را شامل می شد. این روش از افراد می خواست ضمن ارائه ی ارزیابی خود، پراکندگی پاسخ های سایر خبرگان را نیز در نظر بگیرند و پس از بحث در مورد تفاوت ها، در نهایت ارزیابی های بازنگری شده ی خود را ارائه کنند. نتایج این روش به طرز شگفت انگیزی در پیش بینی ظهور فناوری های دهه های پسین دقیق بود.

همه ی قوانین و قواعد جامعه و محیط اطراف بشر معلوم و آشکار شود. در همین دوران، بر خلاف گذشته که پیشتر اندیشمندان افق های کاملاً روشنی از آینده (آرمان شهر) را تصویر می کردند، تجسم های تیره تری از آینده نیز موجودیت یافت و آینده پژوهی راه خود را به ادبیات باز کرد. رمان های **ژول ورن** و پاگرفتن سبک علمی تخیلی در ادبیات، در ادامه ی همین راه بود.

برگزاری نمایشگاهی در ۱۸۹۳ که در آن اختراعات و نوآوری های شگفت انگیزی نظیر تلفن، لامپ برق و اولین دوربین فیلم برداری معرفی شدند، هیجان عمومی را برانگیخت. در همان روزها، یک نشریه، از ۷۴ شخصیت برجسته خواست در مورد سده ی پیش رو پیش بینی هایی به عمل آورند. بعدها معلوم شد پیش بینی های آنان تا حد زیادی خوش بینانه بوده و تقریباً هیچ یک از رخداد های مهم قرن بیستم، نظیر اختراع خودرو، رادیو، تلویزیون، بروز دو جنگ جهانی، کشف انرژی اتمی، پرواز به فضا و البته ظهور رایانه، در فهرست آینده نگاری آنان نبود.

در این سال ها آینده پژوهان به سناریو نویسی روی آوردند که امروزه یکی از مهم ترین ابزارهای آینده پژوهی است و در بخش های بعدی در این باره صحبت خواهیم کرد. با کمک این سناریوها، زنجیره ی رویدادهای



مرتضی مجددر
پژوهشگر امور آموزشی

چه گفتیم؟

از شماره ی گذشته، مبحث جدیدی را در رشد آموزش ابتدایی شروع کردیم که بسیار نو و جدی است؛ آینده پژوهی. این موضوع، اگرچه در تمامی دانش ها و رویکردهای علمی عملیاتی مورد توجه است، ولی با توجه به تغییرات گسترده ی روش های آموزشی در دنیا، از مباحث مهم و حیاتی در دنیای تعلیم و تربیت است. این بحث را در این شماره و شماره های بعدی پی خواهیم گرفت؛ ولی با توجه به مستقل بودن هر قسمت، شما نیازی نخواهید داشت برای در جریان قرار گرفتن، بخش های قبلی را هم مطالعه کنید. در این شماره هم مانند روال قبل، ابتدا به چند بخش تاریخی و نظری در مورد آینده پژوهی خواهیم پرداخت و سپس چند تمرین خواهیم داد.

تاریخچه

نخستین نشانه های جدی توجه بشر به آینده، در عصر روشنگری دیده می شود؛ دورانی که بشر باور داشت علوم برای هر چیزی راه حلی خواهد یافت. قوانین **نیوتن** در مورد حرکت، درک و تحلیل بسیاری از پدیده ها را ممکن ساخته بود. در اثر رشد شتابان علوم در این دوره، اندیشمندان عصر روشنگری واقعاً به این نتیجه رسیده بودند که تنها زمان لازم است تا

ضرورت آینده‌پژوهی

امروزه تغییرات با آهنگی پرشتاب‌تر رخ می‌دهند. تغییرات فناوری و به‌دنبال آن تغییر در دیگر جنبه‌های زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکززدایی جوامع و نهادهای موجود که به‌دلیل گسترش فناوری اطلاعات، شتاب بیشتری یافته‌است، تمایل روزافزون به جهانی‌شدن به‌همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از «تغییرات» و «آینده» را برای دولت‌ها، کسب‌وکارها، سازمان‌ها و مردم ایجاد می‌کند. آینده اساساً قطعیت ندارد. با این همه، آثار و رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیت‌ها که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می‌توانند رهنمون ما به آینده باشند. ادامه‌ی گذشته»، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با تلخ‌گامی روبه‌رو خواهد شد.

نبود قطعیت نهفته در آینده، برای برخی توجیه‌کننده‌ی نداشتن دوراندیشی آنان است و برای عده‌ای دیگر منبعی گران‌بها از فرصت‌ها.

تعریف

آینده‌پژوهی برابر عبارت لاتین «Futures Study» است. واژه‌ی جمع Futures به این دلیل استفاده شده‌است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از روش‌ها و به‌جای تصور «تنها یک آینده»، به گمانه‌زنی‌های نظام‌مند و خردورانه، در مورد نه‌تنها «یک آینده»، بلکه «چندین آینده‌ی متصور» مبادرت می‌شود. موضوعات آینده‌پژوهی گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» را برای دگرگونی از حال به آینده در بر می‌گیرند.

تمرین

بر اساس گونه‌های «ممکن، محتمل و دلخواه» آینده، فکر می‌کنید کتاب‌های درسی در آینده ممکن است به چه صورت‌هایی خودنمایی کنند. راهنمایی: برای هر سه بخش «ممکن، محتمل و دلخواه» باید گزینه‌هایی را پیشنهاد دهید. بدیهی است هر چه از ممکن به‌سوی دلخواه حرکت کنید، به خلاقیت بیشتری، ژرفاندیشی و مطالعه‌ی بیشتری نیاز دارید.

تمرین

نبود قطعیت و تصمیم‌گیری در شرایط نامطمئن، بیشتر در اموری انسانی رخ می‌دهد که متغیرها خارج از کنترل ما هستند و ما را بیشتر به سمت وسوی آینده‌پژوهی می‌کشاند. برای مثال، شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ و تا حدودی سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در شرایط نبود قطعیت و اطمینان رخ داد؛ یعنی نمی‌دانستیم سال تحصیلی جدید را با چه شرایطی شروع می‌کنیم؛ حضوری، غیر حضوری، مجازی یا تلفیقی! الان در آبان‌ماه هستیم؛ ولی این مطلب در تابستان نوشته شده، یعنی هنوز زمانی که سال تحصیلی شروع نشده است. فرض کنید با آغاز فصل سرما، نوع جدیدی از بیماری‌های ویروسی مشابه کرونا در جهان همه‌گیر شود. لطفاً با آینده‌پژوهی، جایگزین یا آلترناتیوهای (آلترناتیو یک واژه‌ی تخصصی است که به شق‌ها و راه‌حل‌های احتمالی ممکن در حل یا پیش‌بینی حل یک مسئله یا موضوع اشاره می‌کند) مقابله با این پدیده را پیشنهاد دهید. دقت کنید روش‌های پیشنهادی‌تان بکر، خلاقانه و طوری باشد که کمتر به فکر دیگران می‌رسد.



شربت و تربیت



الهه دیمی
آموزگار، استان فارس

زنگ اول و دوم را با آموزش و تدریس سپری کردیم. زنگ سوم علوم داشتیم. تلفیق مهارت و آموزش علوم گزینه مناسبی برای این هدف بود.

به کمک پوریا و آریا میز را به وسط کلاس انتقال دادیم. روی رومیزی ترمه، سفره‌ی یکبارمصرفی را پهن کردیم که عباس آورده بود. علیرضا دو تنگ بلوری‌اش را روی میز گذاشت و آرام گفت: «خانم مواظب باشید! شکستنی است.»

لیخندی به چهره‌ی معصومانه‌اش زد و با چشمانم به او اطمینان دادم که مشکلی پیش نمی‌آید.

امیر خاکشیر را در دوسه نایلون ریخته بود. نایلون‌ها آن قدر محکم گره زده شده بودند که خودش نمی‌توانست آن‌ها را باز کند. گفت: «خانم خودمان خاکشیر نداشتیم، مادر بزرگم در کیسه گذاشته و از ترس اینکه در کیفم پاره شود، محکم گره زده است.»

یادم هست آرمین و رامین با هم تلاش کردند تا موفق شدند گره را باز کنند و از اینکه گره به دستشان باز شده بود، خوش حال بودند.

امیرحسین هم شکر آورده بود و ملاقه، شهرروز و ماهان بطری‌های آب را آماده کرده بودند. خودم هم مقداری عرق بهار نارنج آورده بودم که از جمله عرق‌های خوش‌عطر و مورد توجه در استان فارس است.

بچه‌ها لیوان به‌دست منتظر ایستاده بودند. گفتیم: «فکر می‌کنید من شربت درست می‌کنم و می‌گویم بفرمایید! نه پسرهای من، امروز من مهمان شما هستم.»

وسایل آماده و حالا نوبت مهارت بچه‌ها بود. افرادی که وسایل را تهیه کرده بودند پشت میز کار و بقیه‌ی بچه‌ها هدایتگر بودند.

یکی می‌گفت: «اول آب»، دیگری می‌گفت: «اول شکر» و آن یکی می‌گفت: «خاکشیر» و ...

من نظاره‌گر شوق کودکانه‌شان بودم. بچه‌ها با هم فکری یکدیگر نوشیدنی درست کردند و عطر هم‌دلی تا مدت‌ها بهار وجودشان را شیرین نگه داشت.

مارتین لوترکینگ معتقد است: «هر دانش‌آموز رویایی دارد که باید برای رویاپردازی او نقشه‌ای کشید.»

این سخن مارتین گوشه‌ی ذهنم بود و سعی می‌کردم فضای کلاس را به گونه‌ای هدایت کنم تا رویای کودکانه‌ی شاگردانم تحقق یابد.

از روز قبل با بچه‌ها برای آوردن بعضی وسایل هماهنگ کردم. می‌خواستم شربتی گیاهی در کلاس درست کنم تا هم حال‌وهوای کلاس عوض و هم مهارتی در دانش‌آموزان تقویت شود.

دبستان (پسرانه/دخترانه) «ولیعصر» مدرسه‌ای دولتی است که در استان فارس، شهر کوار، قرار دارد و خانم فاطمه قاسمی مدیر آن است. مدرسه ۲۵۰ دانش‌آموز دارد و ۹ کلاس درس؛ جمعیت تقریبی هر کلاس ۳۰ نفر است. خانم الهه دیمی آموزگار پایه‌ی سوم این دبستان است.





خاطره‌ای از زبان خانم فرجیان

جای خالی عمو زنجیر باف

دبستان «شهید ظاهر بهاری» مدرسه‌ای دولتی است که در شهرستان بانه در استان کردستان قرار دارد و فرزانه فتاحی مدیر آن است. مدرسه ۳۵۰ دانش‌آموز دارد؛ جمعیت تقریبی هر کلاس هم ۲۹ نفر. خانم نیلوفر فرجیان آموزگار پایه‌ی سوم این دبستان است.



نیلوفر فرجیان
آموزگار، استان کردستان

عکس‌ها و فیلم‌هایی که بچه‌ها از خودشان می‌فرستند، آستین‌ها و پاچه‌ها کوتاه شده‌اند؛ اما رنگ و روی لباس‌ها کاملاً نو و تمیز و براق است.

سال گذشته، سر زانوی هیچ شلواری در زنگ ورزش پاره نشد. هیچ مداد و مدادتراشی در زیر نیمکت‌ها جا نماند. دیگر به بچه‌ها غر نزدیک که زباله‌های تر را با خشک قاطی نکنند، کارهایشان را در زنگ تفریح انجام دهند و وسط تدریس ریاضی برای بیرون‌رفتن اجازه نگیرند! سالی که گذشت به هیچ بچه‌ای برای حرف‌زدن و پیچ‌بچ کردن وسط درس با دوستش تذکر ندادیم. راستش، دوستی در کنارش نبود تا با هم حرف بزنند! معلمی که صمیمی‌ترین دوست بچه‌ها بود، حالا حتی نمی‌تواند لبخند بچه‌ها را ببیند. معلوم نیست بچه‌ها چند وقت است دستشان را دور گردن هم نینداخته‌اند و حرف‌های خودمانی نزده‌اند!

سال گذشته هیچ عابری وقتی از کنار حیاط مدرسه‌ای می‌گذشت، نشنید که بچه‌ها جیغ بزنند: «عمو زنجیر باف، زنجیر منو بافتی؟»

یکی دو سال گذشته با همه‌ی دردهایش به ما آموخت که قدر باهم‌بودن‌هایمان را بیشتر بدانیم. کسی چه می‌داند! شاید این بار خیلی زود دیر شود!

برای یک صبح واقعی مدرسه، برای زنگ اول قرآن، برای سؤال «چرا امروز صبحانه نخوردی عزیزم؟»، برای چای‌های داغ زنگ تفریح، برای دفتر مدرسه و جلسات شورای آموزگاران، برای کلاس واقعی و ماژیک و تخته، برای «عزیزم، بیا پای تخته برای بچه‌ها توضیح بده»، برای کار گروهی و همه‌مهمی بچه‌ها، برای زنگ هنر و برای زنگ ورزش در روزهای سردی که در نمازخانه‌ی مدرسه می‌گذشت.

کم‌کم، به‌جای گرفتن دست بچه‌های کلاس، به دیدن چشم‌های غیرشفافشان در صفحه‌ی رایانه عادت کردیم. اکنون بچه‌هایی که از هفت فرسخی‌ات می‌دویدند و بغلت می‌کردند، حالا اگر اتفاقی در کوچه و خیابان چشم‌هایت را از پشت سپر حفاظتی کرونا ببینند، حتی نمی‌شناسند که سلام کنند.

کرونا مدرسه‌ها را خلوت کرد. خانه‌هایی که همسایه‌ی مدرسه بودند، دیگر صدای زنگ تفریح را نمی‌شنوند! انگار لباس‌های مدرسه به تن بچه‌ها آب رفته‌اند. در

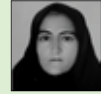
در اواسط سال تحصیلی، زمان‌هایی بود که خسته و کلافه هر شب دعا می‌کردی هوا کمی سردتر و برف کمی بیشتر شود تا فردا را تعطیل اعلام کنند و در خانه بمانیم.

در خانه بمانیم؛ بلکه نیم ساعت بیشتر بخوابیم، برگه‌های روی هم تلنبارشده‌ی بچه‌ها در دو هفته‌ی گذشته را صحیح کنیم، بتوانیم در سکوت خانه طرح درس‌های روزانه‌ی هفته‌ی جدید را بنویسیم و یکی از نامه‌ها و بخشنامه‌ها را برای ارتقای سطح شغلی بخوانیم و دستوراتش را انجام دهیم. آن وسط‌ها هم پیازی سرخ کنیم، قیمه‌ای بار بگذاریم و بعد از مدت‌ها برنج تازه‌دمی بخوریم.

دوست داشتیم در خانه بمانیم و از قضا ماندیم؛ نه یک روز و دو روز، بلکه هفته‌ها و ماه‌ها و حتی بیش از یک سال. آن قدر در خانه ماندیم که دلمان لک زد

به تو

افتخار می‌کنم



مه‌ری یوسفی
آموزگار، چابهار

- می‌کنند. آن‌ها به تقلید از شما می‌پردازند. اگر برای به‌دست‌آوردن چیزی فریاد بزنید، فرزندان‌تان همان عمل را تکرار می‌کنند. اگر مایلید فرزندان‌تان کتاب بخواند، شما نیز کتاب مطالعه کنید. اگر مایلید در کارهایی که دچار اشتباه می‌شوند، معذرت‌خواهی کنند، خودتان هر گاه اشتباه کردید از آن‌ها معذرت بخواهید.
- کودکی موفق می‌شود که به خود اعتماد دارد. تقویت اعتماد به نفس اولین شرط راهنمایی او به طرف کامیابی است. هرگز تصور نکنید شروع به این عمل زود است و سن خاصی برای تقویت اعتماد به نفس لازم است.
 - برای راهنمایی و اصلاح رفتار کودک، خودتان را محکم ولی بدون خشونت نشان دهید. خشونت نتیجه‌ای جز پشیمانی ندارد.
 - همیشه روی تمرکز حواس کودک‌تان اصرار بورزید. یکی از روش‌های تقویت تمرکز حواس این است که وقتی کودک مطلبی را فرا می‌گیرد، از او در مورد همان مطلب سؤال کنید.
 - به کودک بگویید: نتیجه هر چه باشد، من
- به تو افتخار می‌کنم.
- همواره چیزی را به دست نمی‌آوری که آرزو می‌کنی، چیزی را به دست می‌آوری که برای آن کار می‌کنی.
 - زیبایی یادگیری در این است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از شما بگیرد.
 - اتفاق‌های خوب برای کسانی است که منتظر آن هستند و اتفاق‌های بهتر برای کسانی است که از جای خود بلند می‌شوند و برای تحقق آن کاری انجام می‌دهند.
 - کاری را که «درست» است انجام بده، نه کاری را که «آسان» است.
 - همیشه در برنامه‌ریزی از کارهای سخت شروع کن. کارهای آسان خودبه‌خود انجام می‌شوند.
 - ما از شکست‌ها یاد می‌گیریم، نه از موفقیت‌ها.
 - یادگیری مانند قایق‌رانی در سربالایی است. اینکه پیشرفت نکنی یعنی عقب‌نشینی کرده‌ای.
 - روی بهتر کردن خود متمرکز شوید نه اینکه فکر کنید شما بهترید.

- نسل نوجوان نسلی است کنجکاو، جویا و تشنه‌ی حقایق. تأمین نیاز این نسل با ایجاد فضای پرسش و پاسخ علمی و منطقی و گشایش مسیر رشد دست‌یافتنی است.
- به کودکان یاد بدهیم چه کارهایی باید انجام دهند و از چه کارهایی پرهیز کنند. این عمل را با تکرار بسیار ملکه‌ی ذهن آن‌ها کنیم. کودکان با نگاه کردن به شما بایدها و نبایدها را به‌طور مطمئن درک

آرد پای سند برنامه‌ی درسی ملی

بر اساس سند برنامه‌ی درسی ملی، در حوزه‌ی علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، دانش‌آموزان نیاز دارند در آموزش‌های مدرسه‌ای فرصت‌هایی برای به‌چالش‌کشیدن ایده‌های خود و دیگران در خصوص مسائل اجتماعی در سطح محلی، ملی و جهانی در اختیار داشته باشند تا از این طریق روحیه‌ی حقیقت‌جویی، عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، تکلیف‌مداری، دعوت‌گری، مذاکره، انصاف و نوع‌دوستی و پذیرفتن مسئولیت الهی در قبال نوع بشر، خصوصاً محرومان و مستضعفان را پرورش دهند.

دبستان «شهید همت» مدرسه‌ای دولتی است که در شهر چابهار در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد و پروانه فغانی مدیر آن است. مدرسه ۴۶۸ دانش‌آموز دارد؛ ۱۲ کلاس و جمعیت تقریبی هر کلاس هم ۴۰ نفر. خانم مه‌ری یوسفی آموزگار پایه‌ی اول این دبستان است.

آینده‌ی
آموزشی

ایان ماه
دوره‌ی بیست و نهم
شماره‌ی ۲ | ۱۴۰۰

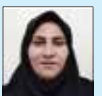
۱۸



نمونه‌ای از اجرای طرح هجرت

دبستان دخترانه‌ی «سپیده کاشانی» مدرسه‌های دولتی است که در منطقه‌ی مانه و سملقان روستای شهرآباد کرد در استان خراسان شمالی قرار دارد و خانم انسبه کاویانی مدیر آن بوده است. در هنگام این تجربه، مدرسه ۱۰۰ دانش آموز داشته و ۵ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۲۰ نفر بوده است. در حال حاضر خانم انسبه کاویانی مدیر دبستان شهید محمد رضایی زمان صوفی در شهرستان مانه و سملقان، روستای زمان صوفی در استان خراسان شمالی است که ۹۱ دانش آموز و ۶ کلاس دارد. جمعیت تقریبی هر کلاس ۱۶ نفر است.

دخترم زهرا



انسبه کاویانی
مدیر مدرسه، خراسان شمالی

سال ۱۳۸۲-۱۳۸۳ مدیر یکی از دبستان‌های استان خراسان شمالی بودم. از همان روز اول که پا به مدرسه گذاشتم، متوجه شدم تعدادی از دانش‌آموزان مشکلات جسمانی، از جمله شنوایی و بینایی، دارند. کلاس اولی‌ها هم آن گونه که توقع داشتم در درس‌هایشان پیش نمی‌رفتند. دانش‌آموزی داشتم که بدجور فکرم را به خودش مشغول کرده بود. زهرا، دانش‌آموزی که پایه‌ی اول را گذرانده بود، ولی به نظر می‌آمد چشمان قشنگش خیلی مشکل دارد. چند بار از مادرش دعوت کردم به مدرسه بیاید. بالاخره بعد از بار هزارم، دعوت مدرسه را قبول کرد و در یکی از روزهای سرد پاییزی پا به مدرسه گذاشت.

با مادرش صحبت کردم و پرسیدم چرا تست بینایی‌سنجی قبل از ورود به مدرسه را درست و حسابی انجام ندهاده است؟ به نظر می‌آمد فرزندش تنبلی چشم دارد.

بعد از اینکه به او اطمینان دادم کمکش می‌کنم، سفره‌ی دلش را باز کرد و گفت شوهرش معتاد است و اجازه نمی‌دهد دخترش را نزد دکتر متخصص ببرد و می‌گوید خرج اضافه است. در آخر جلسه، در حالی که خیلی دلم به حال زهرا و امثال او می‌سوخت، از مادر دانش‌آموز اجازه گرفتم خودم پیگیر کارش باشم.

دو روز بعد، از یکی از بهترین چشم‌پزشکان شهرستان وقت گرفتم و طی یک عملیات جسورانه زهرا را با دعا و صلوات سوار آژانس کردم و به یک چشم‌پزشکی در فاصله‌ی ۷۰ کیلومتری از روستا بردم.



من و نگاهی به صورت معصوم زهرا کرد و پرسید: «دختر تونه؟»
- نه! دانش آموزمه.

آقای مسئول محترم در حالی که چشمانش از تعجب عین دو تا توپ قلقلی شده بود، گفت: «رحمان یک استکان چای برای خانم بیار.» تا مدت‌ها نامه‌ی تشکر آمیز دکتر محمدی را نگه داشته بودم. فقط برای اینکه یادم نرود وقتی خدا هست، نباید از هیچ کمکی به بنده‌ی خدا واهمه داشت.

خدا واهمه هست، مهربانی هست، ایمان هست.

دکتر محمدی نگاهی به بچه و سپس نگاهی به من کرد و با مهربانی گفت: «از آشناها تون‌اند؟» در پاسخ گفتم: «نه آقای دکتر، دانش‌آموز مدرسه‌م.»

آقای دکتر زیر نسخه با چند جمله‌ی زیبا از من تشکر کرد و گفت: «می‌دانید چه کمک بزرگی به این دانش‌آموز کرده‌اید؟ اگر فقط یک مدت کوتاه دیگر این بچه عینک نمی‌زد، خیلی زود بینایی‌اش را از دست می‌داد. واقعاً مدرسه به مدیر و معلمان دلسوزی مثل شما نیاز دارد.»

زیر لب گفتم: «البته با وجود پزشکان دلسوزی مثل شما.»

آقای دکتر مثل گذشته هیچ وجهی نگرفت. من به آخرین مرحله‌ی کارم رسیدم؛ یعنی گرفتن قاب عینک از محلی که آموزش و پرورش معرفی کرده بود. وقتی برای گرفتن تست عینک وارد اتاق شدم، از فرط خستگی روی صندلی نشستم. آقای مسئول آنجا، نگاهی به

زردیای سندرنامه‌ی درسی ملی

در رویکرد «فطرت‌گرایی توحیدی»، مربی در مسیر راه انبیا و ائمه‌ی اطهار (ع)، اسوه‌ای امین و بصیر برای دانش‌آموزان است.

آغاز

آین ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۱۴۰۰۲

۱۹

پرورش با آرامش

دبستان دخترانه‌ی «پروین اعتصامی» مدرسه‌ای دولتی است که در شهر شاهین‌شهر اصفهان قرار دارد و خانم باویه‌زاده مدیر آن است. مدرسه ۴۵۷ دانش‌آموز دارد و ۱۴ کلاس درس؛ جمعیت تقریبی هر کلاس ۳۴ نفر است. خانم نگین مقصودی آموزگار پایه‌ی چهارم است و در کلاسش ۳۴ دانش‌آموز دارد.

راه‌حل مشکل دانش‌آموز نیست، بلکه او در درک مفاهیم درسی دچار مشکل است که نمی‌تواند تکالیفش را انجام دهد. در این صورت، اگر والدین و سایر افراد خانواده بر موضوع درس اشراف دارند، می‌توانند او را در حل این مشکل راهنمایی کنند، یا از معلم فرزندشان درخواست کمک کنند؛ البته این کمک‌ها نباید به عادت تبدیل شود، چون دانش‌آموز دیگر تلاشی برای درک مفاهیم درس نخواهد کرد.

درباره‌ی مزایای مدرسه و دوست پیدا کردن با فرزند دل‌بندشان صحبت کنند. وقتی کودک با دوستان جدید آشنا شد، اضطراب او نیز کاهش می‌یابد و دیگر نیازی به همراهی مادر نیست.

ما به‌عنوان پدر و مادر آگاه باید با برنامه‌ریزی دقیق و تعیین زمان انجام تکالیف مدرسه، با توجه به حجم و سطح دشواری درس‌ها، فرزندانمان را از نگرانی تمام‌نکردن تکلیف‌ها رها کنیم. البته گاهی اوقات زمان‌بندی تنها

نگین مقصودی

آموزگار، استان اصفهان



اگر والدین، به‌خصوص مادر، در چند هفته‌ی اول مدرسه، فرزندشان را همراهی کنند، می‌توانند در کاهش اضطراب او تأثیرگذار باشند؛ به‌طوری که صبحانه‌ای ساده، اما مغذی برای فرزند تهیه کنند، در پوشیدن لباس به او کمک کنند و در راه مدرسه هم



نترساندن دانش‌آموزان از ارزیابی‌ها، به آن‌ها امنیت و اطمینان بیشتری می‌دهد.

به تفاوت‌های فردی فرزندان توجه کنیم و هرگز «خود» او را با دیگران مقایسه نکنیم.

استراحت در بین درس خواندن می‌تواند از اضطراب دانش‌آموز کم کند. برای مثال، بچه‌ها می‌توانند بعد از ۳۰ تا ۴۰ دقیقه مطالعه، ۱۰ دقیقه استراحت کنند.

والدین لازم است تنش و مشاخره را از محیط خانواده دور کنند و محیطی آرام و امن برای فرزندشان به وجود آورند. محیط خانواده نقش مهمی در کاهش اضطراب دارد.

استفاده از رنگ‌های شاد در تزئین کلاس و حتی انتخاب رنگ‌های شاد برای رپوش دانش‌آموزان می‌تواند در آن‌ها نشاط ایجاد و انرژی مثبتشان را دو برابر کند. توسعه‌ی ورزش صبحگاهی، هم‌خوانی سرودهای شاد، توجه کردن به فعالیت‌های کلاسی دانش‌آموزان و متوقف کردن عوامل یا برنامه‌های اضطراب‌زا نیز مؤثرند.

هنگام صحبت با کودکان از کلماتی که بار منفی و اضطرابی دارند، مثل هیچ وقت، هرگز، زود، سریع، باید و حتما کمتر استفاده کنیم و به جای آن‌ها همیشه از کلمات مثبت و آرام بخشی مانند «بهتر است، بعضی اوقات، باحوصله و آرام» استفاده و حتی خود دانش آموزان را به استفاده‌ی بیشتر از این کلمات تشویق کنیم.

بازی‌های رایانه‌ای نامناسب بر روح و روان کودکان، به ویژه در دوره‌ی دبستان، تأثیرات بسیار مخربی می‌گذارند؛ از جمله: حواس پرتی، تمرکز نداشتن، اختلالات فکری، ناخن جویدن در سر کلاس درس، تکرر ادرار، افت تحصیلی. بنابراین، انتخاب بازی‌های رایانه‌ای باید تحت نظارت والدین باشد.

تمام دفترها و کتاب‌های کودک با برچسب تفکیک شود و لوازم تحریر او در جایی خاص قرار گیرد. این نظم می‌تواند تا حد زیادی از اضطراب و نگرانی فرزندانمان بکاهد.

رفتار نامناسب برخی معلمان یا کارکنان مدرسه می‌تواند از مهم‌ترین عوامل ایجاد اضطراب یا تشدید آن در وجود دانش آموزان باشد.

در مورد قوانین خانه با فرزندمان مذاکره کنیم؛ البته فقط با آن‌ها ارتباط کلامی برقرار نکنیم، بلکه ارتباط عاطفی لازم است. دانش آموزان را تشویق کنیم هنگام صحبت کردن ابتدا کمی تأمل کنند و از عجله و اجبار در ارائه‌ی پاسخ سریع و واکنش شتاب زده دوری کنند. همچنین، به آن‌ها بیاموزیم برای پاسخ دادن هیچ وقت دیر نیست.

دانش آموزان را به ورزش کردن تشویق کنیم، زیرا فعالیت‌های ورزشی در رفع مشکلات روحی و روانی آن‌ها نقش مهمی دارد و به سرعت نشاط و امیدواری را افزایش می‌دهد. حتی می‌توانیم آموزش درس‌ها را گاهی با بازی انجام دهیم یا در زنگ تفریح دانش آموزان را به انجام حرکات ورزشی تشویق کنیم.

به کودک بیاموزیم موضوعی را که باعث اضطراب و رانی او شده است، تصور کند. سپس لام و رفتارش دنبال پاسخ‌های مناسب. در واقع در تنهایی و خلوت فکر کند و در خودش پرسد چه کاری انجام می‌دادم یا چه می‌گفتم، بهتر بود؟ با همراهی اولیا و مربیان و پس از یافتن پاسخ مناسب، آن راه را تمرین کند.

هنگامی که فرزندمان در حال انجام تکالیفش است، مکان آرام و بی‌صدایی برای او آماده کنیم. صدای تلویزیون و صحبت کردن می‌تواند تمرکز را به هم بزند و کودک را دچار اضطراب کند.

«نه» گفتن را به فرزندمان خود بیاموزیم. اگر آن‌ها نتوانند به دوستان خود «نه» بگویند، مشکلاتی برایشان پیش خواهد آمد.

تغذیه نقش مهمی در کاهش اضطراب و افزایش قدرت یادگیری دانش آموزان دارد؛ تغذیه‌ی نامناسب، علاوه بر افزایش اضطراب، از تمرکز و قدرت یادگیری نیز می‌کاهد. بنابراین، این موارد توصیه می‌شوند: تغذیه‌ی مناسب با غذاهای مغذی و استفاده از مغزهای بادام، گردو، کشمش و موز در ساعت تفریح و مصرف شیر در روز؛ داشتن خواب راحت و آرام؛ تنظیم برنامه‌ی درسی برای دانش آموزان در منزل.

ساعاتی را در روز با فرزند خود صحبت کنیم و از خوبی‌های مدرسه و اثرات مثبت آموزش بگوئیم. این کار به تدریج شور و نشاط را در فرزندمان بیشتر می‌کند.

از پای سند برنامه‌ی درسی ملی

در سند برنامه‌ی درسی ملی، مدرسه محیط یادگیری پایه و اصلی است، اما یادگیری به آن محدود نمی‌شود و سایر محیط‌ها نظیر محیط‌های اجتماعی، طبیعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. در حوزه‌ی «سلامت و تربیت بدنی»، توجه به سطح کیفی زندگی و رشد و تکامل فرد، اصول صحیح تغذیه، رعایت آداب بهداشتی و کسب مهارت‌های ایمنی از مهم‌ترین اهداف به شمار می‌روند.

آموزش تیر کمانی

دبستان «نور» مدرسه‌ای دولتی است که در منطقه‌ی موسیان در استان ایلام قرار دارد و محمدرضا کرمی مدیر آن است. مدرسه ۱۵۱ دانش‌آموز دارد و ۶ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس هم ۲۵ نفر. آقای مهدی میرزایی آموزگار پایه‌ی اول این دبستان است.

روی تخته می‌نویسم. به‌طور مثال، اگر تعداد بطری‌ها ۲۸ عدد باشد، با انداختن هر بطری، با صدای بلند از بچه‌ها سؤال می‌کنم از بطری‌ها یک عدد کم شده، حالا چند بطری مانده است؟ بچه‌ها به‌طرف بطری‌ها می‌دوند و با شمارش بطری‌های باقی‌مانده عدد ۲۷ را اعلام می‌کنند. عدد ۲۷ را روی تخته‌ی کوچک خود می‌نویسند و عملیات تفریق را هم حل می‌کنند. به همین ترتیب عمل تفریق از عدد ۳۰ به‌طرف عدد ۱ ادامه می‌یابد.

برای درک و اجرای ارزشیابی تکوینی، باتوجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، از آن‌ها خواستم ابتدا به‌صورت فردی با تیر کمان‌های خود عملیات تفریق را انجام دهند. سپس در گروه‌های خود هم این روند را ادامه دهند و نتیجه را در جدول محاسبه‌ی تفریق اعداد دو رقمی در یک رقمی که برایشان طراحی کرده‌ام، ثبت کنند.

نکات اصلاحی من در این مرحله به‌عنوان راهنما این است که به دانش‌آموزانم گوشزد می‌کنم، در تفریق کردن اعداد به‌وسیله‌ی تیر کمان و بطری‌ها اصلاً عجله نکنند. رقابت بیجا با هم نداشته باشند. توجه، دقت و تمرکز خود را در بازی بالا ببرند. با بقیه‌ی اعضای گروه مشارکت فعال گروهی داشته باشند. از بازی با تیر کمان لذت ببرند و نکات ایمنی را رعایت کنند. برای تشویق دانش‌آموزان پس از هر عملکرد مثبت به آنان جایزه می‌دهم. از همه‌ی شاگردانم خواستم که همیشه تیر کمان‌ها را با خود داشته باشند و هر کدام از آنان در خارج از مدرسه نیز با دوستان، اطرافیان و اعضای خانواده، ضمن بازی، تمرین تفریق را انجام دهند.

برای افزایش علاقه و انگیزه‌ی بیشتر آنان می‌خواهم که به دلخواه تیر کمان‌ها را در اندازه و شکل‌های مورد علاقه‌ی خود بسازند. بعد از اینکه دانش‌آموزان تفریق را از طریق بازی به‌خوبی یاد گرفتند، به‌سراغ کتاب

همواره در این فکر بودم که برای آموزش مبحث تفریق اعداد یک‌رقمی از دورقمی، از مطالب یکنواخت کتاب ریاضی فراتر بروم و روشی جدید همراه با جذابیت، انعطاف‌پذیری، خلاقیت، تنوع، سادگی و در عین حال مورد علاقه‌ی دانش‌آموزان اجرا کنم، زیرا معتقدم می‌توان مفاهیم درسی را به‌شکل بازی و سرگرمی و به‌صورت ساده و جذاب به دانش‌آموزان یاد داد.

یکی از بازی‌های سنتی و محلی که در استان ایلام، از مدت‌ها قبل و حتی تا الان، در بعضی مناطق تا حدودی رواج دارد، تیر کمان‌بازی است. در این بازی فرد با دو تکه تسمه‌ی لاستیکی ساده و دو شاخه‌ی درخت و با دو قطعه آهن کوچک می‌تواند تیر کمانی تهیه کند و با هدف قراردادن اشیای گوناگون، سنگ‌ریزه‌هایی را به هدف مورد نظر پرتاب کند و از این کار لذت ببرد.

اجرا و نحوه‌ی بازی و آموزش

هنگام تدریس مبحث تفریق اعداد، دانش‌آموزان را به حیاط مدرسه می‌برم و آن‌ها را به چهار گروه تقسیم می‌کنم. این گروه‌بندی برای ایجاد دقت، انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان صورت می‌گیرد.

نخست نکات ایمنی را به آن‌ها گوشزد می‌کنم و بعد از توضیح اهمیت تفریق در درس ریاضی و زندگی واقعی، قواعد و قوانین بازی را نیز به آن‌ها توضیح می‌دهم.

از روز قبل به دانش‌آموزان گفته‌ام بطری‌های دوریختنی منزل خود را بیاورند. با همکاری سایر دانش‌آموزان بطری‌ها را در مکان مشخصی قرار می‌دهیم. هر دانش‌آموز به‌صورت فردی در پشت خط مشخص شده می‌ایستد و سنگ‌ریزه‌های را با تیر کمانش به‌طرف هدف که همان بطری‌های چیده‌شده هستند، پرتاب می‌کند. به ازای افتادن هر بطری، با صدای بلند و همراه با دانش‌آموزان عمل تفریق را انجام می‌دهیم و سپس

مهدی میرزایی

آموزگار، استان ایلام



توانایی انجام محاسبات

عددی در زندگی روزمره، پرورش نظم فکری و درست‌اندیشیدن، توانایی در انجام محاسبات ذهنی و حدس و تخمین زدن، ایجاد توانایی در برآورد حل مسائل و ایجاد توانایی درک محتوای ریاضی و حل آن‌ها از اهداف آموزش درس ریاضی در دوره‌ی ابتدایی است. در پایه‌ی اول ابتدایی اهداف درس ریاضی عبارت‌اند از: آشنایی با اعداد تا ۱۰۰ به‌صورت ریاضی و فارسی؛ شمارش اعداد؛ مقایسه‌ی اعداد؛ مرتب‌کردن اعداد؛ جمع و تفریق؛ اندازه‌گیری؛ هندسه و آمار.

کتاب ریاضی پایه‌ی اول

ابتدایی شاخص‌های مهمی در تألیف خود داشته است که مؤلفان ادعا می‌کنند در تألیف کتاب جدیدالتألیف در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ به این شاخص‌ها توجه شده است: مهارت‌های الگوبایی و حل مسئله، مهارت تفکر و برقراری ارتباط منطقی میان مفاهیم، داستان‌سازی با تفکر و مدل ریاضی و ایجاد توانایی مباحثه بین معلم و دانش‌آموز برای درک بهتر مفاهیم ریاضی.

آموزش
ابتدایی

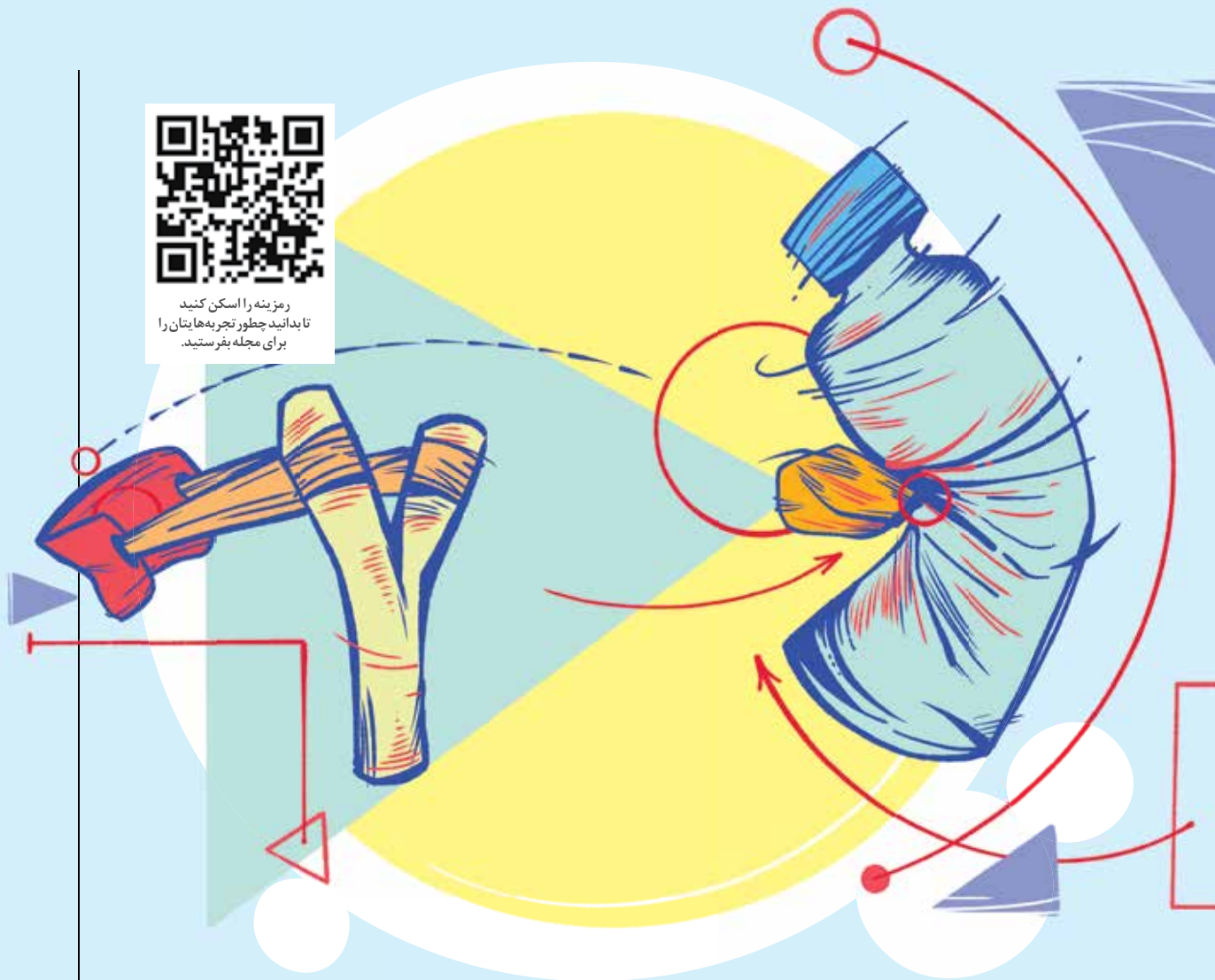
ایان ماه

نوروی بیست و نهم
شماره‌ی ۱۴۰۲

۲۲



رمزیننه را اسکن کنید تا بدانید چطور تجربه‌ها پتان را برای مجله بفرستید.



زنگ پای سند برنامه‌ی درسی ملی

بر اساس جهت‌گیری‌های کلی در سازمان‌دهی محتوا و آموزش حوزه‌ی «ریاضیات» از سند برنامه‌ی درسی ملی، در ریاضیات مدرسه‌ای، فعالیت‌های آموزشی باید از ریاضیات محیط پیرامون بر خاسته باشد و به دانش‌آموزان کمک کند مفاهیم و گزاره‌های ریاضی را در محیط پیرامونی خود مشاهده، تجزیه و تحلیل و درک کنند و برای مفاهیم ریاضی در محیط پیرامونی تعبیرهای گوناگون به دست آورند.

در زندگی واقعی خود به دست آوردند. از لحاظ عاطفی هم واکنش‌های متفاوتی از علاقه به تیرکمان‌بازی نشان می‌دادند و برای این کار ارزش قائل بودند. از لحاظ روانی - حرکتی به تدریج با همکاری همدیگر همه‌ی موارد (مشاهده و تقلید، اجرای عمل مستقل، دقت در عمل، هماهنگی و عادی‌شدن حرکات را انجام می‌دادند. به مهارت لازم و کافی رسیده بودند و عمل تیرکمان‌بازی برای آنان به عملی عادی برای انجام عملیات تفریح بدل شده بود.

نتایج این تجربه همچنین نشان داد که بازی تیرکمان از لحاظ جسمی و ذهنی به بهبود هماهنگی چشم‌ها و دست‌ها و ایجاد و تقویت مهارت‌های توجه، دقت، تمرکز و شورونشاط وصف‌ناپذیر در زنگ ریاضی منجر شده و میزان استرس و تنفر از ریاضی را به مقدار زیادی کاهش داده است.

درسی، که مهم‌ترین ابزار و وسیله‌ی آموزشی کلاس است، می‌روم و تکالیف درسی داخل کتاب را حل می‌کنیم.

در پایان جدولی برای سنجش و ارزشیابی مهارت‌های حاصل از تیرکمان‌بازی تهیه می‌کنم و علاوه بر آن، یادداشت‌هایی نیز برای هر کدام از دانش‌آموزان می‌نویسم و عملکرد آن‌ها را در پیشرفت مبحث تفریح به اطلاع اولیایشان می‌رسانم.

نتایج و یافته‌ها

در این روند در یافتیم، استرس دانش‌آموزانم در زمینه‌ی درس ریاضی و مبحث تفریح اعداد دو رقمی در یک رقمی به‌طور کلی کاهش یافت. آن‌ها به درس ریاضی علاقه‌مند شدند. رقابت بی‌جای آنان به رفاقت و همدلی تبدیل شد. شناخت خوبی از لحاظ دانش، درک و فهم همراه با کاربرد از اهمیت جمع و تفریح

یادگیری به شرط لبخند



کبری محمودی
تصویرگر: سام سلماسی





دو کلام حرف حساب!

حتماً شما هم تجربه کرده‌اید! کلاس درسی که در آن صدای خنده‌های دانش‌آموز شنیده شود، تحرک و نشاط وجود داشته باشد و تعامل موج بزند، یادگیری را به بهترین وجه در پی خواهد داشت.

ارتباط برقراره

چگونگی برقراری روابط میان فردی



لیلا سلیقه‌دار
مشاور آموزشی

ارتباط؛ جانش هر سال معلم

من معتقدم، معلمی ارتباط است و اگر ارتباط به‌درستی صورت نگیرد، مانند این است که ریشه‌های وجود ندارد و بنابراین باقی امور هم استوار نخواهند ماند. این همان چالشی است که هر سال معلمان با دانش‌آموزان تجربه می‌کنند. اینکه چطور ارتباط معلم با دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با هم شکل بگیرد، معلم در این زمینه چه وظایفی دارد و چگونه می‌تواند نقشی مؤثر و سازنده ایفا کند، موضوعی است که فراگیری آن برای همه‌ی معلمان ضروری است.

ارتباط‌بین فردی

فرایندی است که به‌وسیله‌ی آن اطلاعات و احساسات خود را از طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی با دیگران در میان می‌گذاریم. این توانایی، رابطه‌ی سالم و سازنده با دیگران را تقویت می‌کند.

ارتباط توانایی است

از طریق ارتباط است که می‌توانیم نظر، عقیده، خواسته، نیاز و هیجان خود را ابراز کنیم، نیازهای دیگران را درک کنیم و در صورت لزوم از دیگران درخواست کمک و راهنمایی کنیم. همچنین، با دیگران همکاری بهتری داشته باشیم، به آن‌ها اعتماد کنیم، مرزهای رابطه با دیگران را تشخیص دهیم، دوستی‌های مطلوب را آغاز و حفظ کنیم و در شروع و خاتمه‌ی رابطه‌ها مؤثرتر رفتار کنیم. زمینه‌ی تمرین و کسب تجربه‌ی این مهارت در طول تحصیل و در مدرسه مهیا می‌شود. به همین دلیل، علاوه بر اهمیت رابطه‌ی متقابل معلم و دانش‌آموزان، مهارت‌ورزی دانش‌آموزان در ایجاد ارتباط میان فردی و توجه معلم به آن، به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی، ضرورتی بسیار مهم است.

معلمی و ارتباط

برای اینکه بتوانید به‌عنوان معلم زمینه‌ی تقویت و رشد توانایی ارتباط بین فردی را در خود و دانش‌آموزان فراهم کنید، شیوه‌نامه‌ای که در پی می‌آید، یاری‌رسان است. این راهنما بر اساس انواع ارتباط تقسیم شده است.

ارتباط کلامی

در ارتباط کلامی، تمامی جنبه‌های گفتار یعنی زبان و ابزارهای کلامی مورد نظر هستند و در آن چگونگی صحبت کردن، نوع جمله‌های مورد استفاده، سرعت کلام، تن و آهنگ صدا نیز مطرح است. به این عبارت دقت کنید: «عجب روخوانی خوبی!» این جمله را طوری بخوانید که معنای تحسین داشته‌باشد.

حالا آن را به‌صورت سرزنشی بخوانید. می‌بینید که تنها کلام نمی‌تواند پیام را انتقال دهد و ارتباط ناشی از کلام به لحن و شکل بیان آن وابسته است. از این رو، ممکن است قصد داشته باشید جمله‌ای انگیزشی بگویید تا دانش‌آموزان به شوق بیایند، اما اگر به سرعت و تن و آهنگ کلام خود توجه نکنید، می‌تواند بیشتر به‌عنوان جمله‌ای سرزنشی و تنبیهی شنیده شود. تسلط و توجه‌نداشتن معلم به این توانایی، دانش‌آموزان را آشفته می‌کند. در عین حال، به‌عنوان نقش الگویی، در ارتباط کلامی آن‌ها مخرب است.

تجربه‌ی کلاسی

در آموزش مجازی که بیشترین سهم از ارتباط را کلام بر عهده دارد، از دانش‌آموزان خواستیم نظرات خود را بر اساس گویه‌های از قبل اعلام‌شده، درباره‌ی روخوانی هر دانش‌آموز، در بخش نظرات تایپ کنند. از کودک پای‌به‌چهارمی توقع داشتیم بتواند با توجه به در دست داشتن معیارها، نظر خود را به‌درستی بیان کند. دفعه‌های نخستین، بیشتر جمله‌ها ناقص بودند و غالباً مجری به نظرات بچه‌ها اعتراض می‌کرد. در ادامه ناچار شدیم بخوایم علاوه بر نوشتن نظرات چند نفر را به‌صورت شفاهی هم بشنویم. همین قدم، تأثیر خوبی داشت و سوء برداشتها را از میان برداشت.

برای تقویت ارتباط کلامی، لازم است بر همه‌ی جوانب شفاهی و نوشتاری تأکید کنیم. همان قدر که نوشتن به‌عنوان توانایی پایه‌ای در دوره‌ی ابتدایی اهمیت زیادی دارد، بیان کردن نیز بسیار مهم است. خوب

نکته‌های ساده اما مؤثر

■ همواره تأیید را به‌عنوان راهکار ایجاد حس خوب در ارتباط، سرلوحه‌ی رفتار و گفتار خود قرار دهید و برای متذکر شدن نقاط ضعف یا نایادگیری‌های دانش‌آموز از روش ساندویچی (بیان قوت و ضعف، قوت و راهکار) استفاده کنید.

■ در همه‌ی شرایط مراقب باشید برخی انتظارات مانع از حفظ رابطه‌ی سالم و متعادل شما با دانش‌آموزان نشود. حتی زمانی که انتظارات سازمانی و مدرسه‌ای در میان است مراقب باشید خدش‌های به‌ارتباط با دانش‌آموزان

پراکنده‌گویی، پرگویی و مقدمه‌چینی نکنید. برای اینکه دانش‌آموزان هم در این زمینه تقویت شوند، پیش از اینکه از آن‌ها را برای صحبت کردن دعوت کنید، معیارها و راهکارهای «بیان مشخص مقاصد» را یادآوری کنید.

■ با فعالیت‌های گروهی، شرایط آشنایی دانش‌آموزان با یکدیگر فراهم کنید. لازم نیست همیشه اعضای گروه بر اساس سطح یادگیری یا تمایزشان تعیین شوند، گاهی مداخله کنید و هم گروهی‌های جدید را کنار هم قرار دهید.

■ هر روز صبح در آغاز کلاس، برنامه و فعالیت خاصی را با حداکثر تنوع به سلام و احوال‌پرسی اختصاص دهید. در این باره از خلاقیت خود و دانش‌آموزان استفاده کنید.

■ برای اینکه دانش‌آموزان نیز یاد بگیرند، هرگز میان صحبت آن‌ها، کلامشان را قطع نکنید. این موضوع را با نمایش تصویر یا قرار کلامی، به‌طور مداوم به کلاس گوشزد کنید.

■ در بیان نظرات و سخنان خود تمرین کنید

است معلم برخی مواقع انتظارات خود را کتبی و گاهی شفاهی بیان کند. لازم است برای اطمینان از دریافت درست مقصود در ارتباط کلامی، پیام خود را از نگاه مخاطب نیز بشنویم یا بخوانیم.

تجربه‌ی کلاسی

چند باری پیش آمده است که دانش آموزان و گاهی والدین از اینکه متوجه منظور من نشده‌اند، ابراز ناراحتی می‌کنند یا انتظاری را که از آن‌ها داشته‌ام، به درستی انجام نمی‌دهند. برای رفع این مسئله تصمیم گرفتم از یک گروه دانش آموزان استفاده کنم و پیش از اعلام عمومی انتظار یا پیام به کلاس، از آن‌ها می‌خواهم برداشت خودشان را از پیام اعلام کنند. این کار موجب شده است هم من در طراحی و بیان پیام دقیق‌تر باشم و آن را به وضوح مطرح کنم و هم دانش آموزانم حساسی در پیام‌خوانی و رمزگشایی پیام متبصر شوند.

ارتباط غیر کلامی

به سایر فعالیت‌هایی که کارکرد ارتباطی دارند، مثل حالت چهره (چشم، ابرو و لب)، ژست‌ها و حرکات بدنی، زبان بدن می‌گویند که بخش مهمی از ارتباط غیر کلامی است.

دانش آموزان بسیاری از آموزه‌های خود را از طریق زبان بدن معلم دریافت می‌کنند و متوجه مقصود می‌شوند. تصور کنید قرار است بدون هیچ کلامی، نشان دهید بسیار خوش حال یا راضی هستید. حالت چهره و بدن شما چه تغییری می‌کند؟ حالا اگر بخواهید بدون کلام، ناراضی‌ی یا حس بد خود را اعلام کنید، چه رفتاری نشان می‌دهید؟

تجربه‌ی کلاسی

یکی از کارهایی که باعث شد، در ارتباط با دانش آموزان موفقیت بسیاری به دست آورم، این بود که با تکیه بر رویکرد تأملی، تصمیم گرفتم فیلم کلاس‌م را ببینم و گاهی صوت کلاسی خود را گوش کنم.

ابتدا این کار را فقط برای پیدا کردن نقاط قوت و ضعف انجام می‌دادم، اما به مرور معیارهایی را مبتنی بر ارتباط کلامی و غیر کلامی سازنده انتخاب کردم تا بهتر بتوانم رفتار و گفتارم را تحلیل کنم. نتیجه، تقویت مستمر و رشد زیاد در این زمینه بود.

از جمله مواردی که به تقویت ارتباط غیر کلامی دانش آموزان منجر می‌شود، فراهم‌آوری زمینه‌های ارتباط آن‌ها با یکدیگر و نیز ارائه‌ی وظایفی با دیگر دانش آموزان در سطح مدرسه و گاه والدین است. برای مثال اجرای نمایش کلاسی، اجرای برنامه برای دانش آموزان کل مدرسه، و مجری‌گری در برنامه‌های والدین توسط دانش آموزان، از جمله‌ی این فعالیت‌ها هستند. به این منظور، لازم است معلم دانش آموزان را از آموزش‌های ابتدایی و پایه برای یاد دادن ارتباط کلامی و غیر کلامی خوب، بهره‌مند کند و همچنین نکاتی را بازگو کند که به تقویت ارائه‌ی دانش آموز و ایجاد ارتباط مؤثرتر در هر برنامه منجر می‌شود.

تجربه‌ی کلاسی

پرسش کلاسی را به صورت پانتومیم اجرا می‌کنیم. کلیدواژه‌های مهم هر درس را با دانش آموزان تعیین می‌کنیم. لازم است هر کدام از دانش آموزان با توجه به مفهوم هر واژه، با استفاده از پانتومیم یا نمایش بدون کلام نشان دهند مقصودشان چیست و دیگر دانش آموزان آن را حدس بزنند. این کار به خصوص در جمع‌بندی‌های دوره‌ای هر درس بسیار جذاب است. از طرف دیگر، توجه دانش آموزان به زبان بدن را تقویت می‌کند.



وارد نشود. در عین حال از طریق تحکیم این ارتباط، انتظارات خود را با قدرت دنبال کنید.

■ از ابراز کلام و رفتار ممنوع مانند تحقیر، سرزنش، توهین، در هر شرایطی، دوری کنید. هرگز فکر نکنید این کارها می‌توانند دانش آموز را رشد دهند. اجازه‌ی چنین رفتارهایی را به دانش آموزان خود هم ندهید.

■ از جمله موانع ارتباط، قضاوت است. مراقب باشید در ماه‌های آغاز سال تحصیلی که به

دریافت اطلاعات از معلمان قبلی دانش آموز تشویق می‌شوید، پیش‌دوری نکنید. در صورتی که از توانایی خود برای پرهیز از پیش‌دوری اطمینان ندارید، بدون دسترسی به نظر معلمان سال گذشته و فقط با در اختیار داشتن اطلاعات کلی دانش آموز، شناخت و ارتباط را تجربه کنید.

■ به دانش آموزانی که در ایجاد ارتباط چندان قوی نیستند، برچسب‌هایی مثل خجالتی، درون‌گرا و ناتوان نزنید. به آن‌ها تا حد امکان ارتباط‌ورزی را یاد دهید و زمینه‌ی

آن را فراهم کنید. در عین حال، از ارجاع او به مشاور استقبال و این موضوع را به والدین توصیه کنید.

■ در صورت مواجهه با نظرات مخالف دانش آموز، به جای شخصی کردن موضوع، به این بیندیشید که این قبیل اتفاقات می‌توانند به رشد توانایی ارتباط میان فردی دانش آموز کمک کنند. به این منظور، خوب است شیوه‌های ابراز مخالفت را نیز به آن‌ها آموزش دهید.

خلاق شو!

فاطمه دولتی

کارشناس تعلیم و تربیت



یک ماه که از سال تحصیلی جدید گذشت، تصمیم گرفت ایده‌های خلاقانه‌اش را عملی کند. با اجازه‌ی مدیر مدرسه، چند جعبه‌ی چوبی میوه به کلاس آورد، از بابای مدرسه هم برای آوردن دو حلقه لاستیک کهنه کمک گرفت. بعد قوطی‌های کوچک رنگ را دست گرفت و شروع کرد به رنگ آمیزی. فردا وقتی بچه‌ها وارد کلاس شدند، چند جعبه‌ی چوبی آبی و نارنجی و دو لاستیک صورتی خال قرمز دیدند که پر بود از خاک. خانم معلم می‌گفت بچه‌ها می‌توانند توی جعبه‌ها و لاستیک‌ها لوبیا، پیاز، بذر سبزی و حتی گل بکارند و تمام مراحل کاشت و برداشت را تجربه کنند. خانم معلم با کمی خلاقیت، از وسایل بی‌مصرف و دورریز، باجعبه ساخته بود برای کلاس درس!

معلم خلاق

خلاق باش! بسیاری از معلم‌ها از دانش‌آموزان خود می‌خواهند این توصیه را جدی بگیرند. اما سؤال اینجاست که آیا خود معلم نباید خلاق باشد؟ معلم خود باید خلاق باشد و برای رشد «ساحت زیبایی‌شناسی و هنری‌اش» تلاش کند. اگر معلم ذهنی فعال و خلاق داشته باشد و در تدریس و محیط کلاسش از آن بهره ببرد، بدون شک دانش‌آموزان هم به‌دنبال ایده‌های نو می‌روند یا ایده‌های خود را ابراز می‌کنند. اما معلم برای خلاق بودن باید چه کارهایی انجام دهد؟

تمرین کن!

درست همان‌طور که ورزشکاران با تمرین‌های مداوم، آمادگی خود را حفظ می‌کنند، ذهن شما نیز از تمرین منظم سود می‌برد. شما برای تمرین دادن ذهن خود



چه اقدامی انجام می‌دهید؟ آیا از کار کردن با جدول کلمات متقاطع، سودوکو یا چیدن جورچین لذت می‌برید؟ ثابت شده است که این اقدامات و نیز سایر تمرین‌های ذهنی، تمرکز و خلاقیت را افزایش می‌دهند.

نقاشی بکش!

هر چقدر بیشتر شبیه کودکان باشید، خلاقیتتان افزایش می‌یابد. خودتان را درگیر مشکلات بزرگ‌سالی نکنید و ذهنتان را باز کنید. از اسباب‌بازی‌ها و وسایل هنری برای تحریک قدرت تصور و خیال‌پردازی بهره ببرید. ارتباطات جدیدی برقرار کنید. اگر ایده‌های خلاقانه ندارید، سعی کنید یک نقاشی فریبنده بکشید یا با لگو و خانه‌سازی بازی کنید.

داستان کوتاه بنویس!

نویندگی زمینه‌ی مناسبی را برای پرورش

چشم‌ها را باید شست!

ما به بسیاری از اشیاء، ساختمان‌ها، فضاها، مواد، فناوری، و سیستم‌ها از دریچه‌ی عادت و آشنایی نگاه می‌کنیم و از احتمالات متعدد دیگری که برای استفاده از آن‌ها وجود دارد، چشم می‌پوشیم.

باید با این گرایش موجود در ذهن خود مبارزه کنید. این پرسش که «چه کار دیگری می‌توانم با آن انجام دهم؟» باعث اختراعات



آموزگارگان اهل فیلم

حضور چشمگیر هر ساله‌ی معلمان در جشنواره‌های فیلم رشد، محتوای الکترونیکی، عکس و کتاب رشد، مسئولان را بر آن داشت که طرح باشگاه معلمان هنرمند را کلید بزنند و نسبت به ساماندهی و شناسایی معلمان هنرمند که از جمله سرمایه‌های بزرگ وزارت آموزش و پرورش هستند، کمر همت ببندند. در اولین گام از اجرای طرح باشگاه معلمان هنرمند، شناسایی و سامان‌دهی فرهنگیان فیلم‌ساز در دستور کار قرار گرفت.

بیماری کرونا، تعطیلی مدرسه‌ها و اهمیت یافتن تدریس در فضای مجازی، آموزش فیلم‌سازی برای معلمان کشور را ضروری ساخت. از این رو، باشگاه معلمان فیلم‌ساز با هدف شناسایی، آموزش و تقویت توانمندی معلمان مستعد در این زمینه ایجاد شد. در روند این پروژه هر معلم برای ارسال آثار خود به جشنواره پروفایلی دارد. دبیرخانه‌ی این باشگاه در تمام طول سال فعال است تا با آموزش معلمان علاقه‌مند و مستعد، عرصه را برای تولید فیلم‌های آموزشی، به‌عنوان پشتوانه‌ی کتاب‌های درسی، تقویت کند. البته به‌دلیل همه‌گیری کرونا، برنامه‌ی آموزش معلمان فیلم‌ساز تاکنون به‌شکل وبیناری انجام شده است.

این باشگاه که در آستانه‌ی برگزاری پنجاهمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم رشد تشکیل شد، حضور حداکثری معلمان فیلم‌ساز در این جشنواره را در دستور کار خود قرار داد. فیلم‌های تهیه‌شده توسط معلمان فیلم‌ساز که اعضای اصلی خانواده‌ی تعلیم و تربیت هستند، از آن جهت که علمی، آموزشی، تربیتی و هم‌سو با اسناد بالادستی و برنامه‌ی ملی درسی است، برای شرکت در جشنواره در اولویت قرار گرفت و از این پس نیز چنین خواهد بود.

بر اساس نیازهای آموزش و پرورش، باهدف کمک به تسهیل فرایند یاددهی-یادگیری، تعمیق محتوای درسی و تکمیل بسته‌های آموزشی، طرح سفارش تولید فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی، مطابق با محتوای کتاب‌های درسی، در دوره‌ها و پایه‌های گوناگون در دستور کار است که عملیاتی شدن آن، مشارکت و همکاری حداکثری معلمان فیلم‌ساز را می‌طلبد.



دبیرخانه‌ی بین‌المللی فیلم‌رشد اعلام کرد، اداره‌های کل آموزش و پرورش هر استان می‌توانند اسامی فرهنگیان را که در زمینه‌های گوناگون تولید فیلم تخصصی و تجربه دارند، طی نامه‌ای رسمی، به دبیرخانه‌ی باشگاه معلمان فیلم‌ساز اعلام کنند تا اقدامات بعدی در این خصوص انجام گیرد. برای دریافت اطلاعات بیشتر به این نشانی مراجعه فرمایید:

<http://filmclub.roshd.ir>

رمزینهی پاسخ سریع بالا، شما را به صفحه‌ی ثبت‌نام می‌برد.



و ایده‌های جدید می‌شود. شما می‌توانید از جعبه‌های دورریز، بطری‌های خالی، قوطی‌های آیمپوه و تکه‌چوب‌های بریده‌شده و سیله‌های جذابی برای کلاستان بسازید.

پرواز ذهن!

افزایش خلاقیت به تمرین، تلاش و طوفان فکری نیاز دارد. در نتیجه باید هر روز برای آن وقتی در نظر بگیرید و در محیطی آرام یا الهام‌بخش، آن را تمرین کنید. مثلاً به پارک آرامی سر بزنید یا در کتابخانه بنشینید و اجازه دهید ذهن شما آزادانه پرواز کند. همه‌ی ایده‌های خود را، چه خوب چه بد، روی کاغذ بیاورید یا روی تخته بنویسید. از طرف دیگر می‌توانید با مشاهده‌ی گیاهان، اثرهای هنری، تماشای انیمیشن‌ها و خواندن کتاب‌های خلاقانه، خلاقیت خود را بیشتر کنید.

آغاز
ابتدایی

این ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۱۴۰۰۲

۲۹

اندر باب نشستن



مریم کیابی

کارشناس ارشد رفتار حرکتی

همسفر سلام، در شماره‌ی پیش این سؤال را مطرح کردم که آیا برای سفر آماده‌اید؟ پرسیدید: چه مسافتی باید راه برویم و چقدر قرار است سرپا بایستیم؟
گفتم: زیاد، خیلی زیاد!
گفتید: پس باید زودتر سازوبرگ سفر را آماده کنیم.

گفتم: فراموش نکنید! در این سفر باید مراقب راست‌قامتی خودمان باشیم و به قدرت و استقامت عضلات کف پا و عضلات میانی بدن (شکم و کمر) بیشتر توجه کنیم.

تصمیم گرفتید از همان لحظه شروع کنید و هر روز، حتی برای چند دقیقه، راست‌قامتی خودتان را (شل نبودن عضلات شکم و کمر، تراز شانه‌ها، راست نگاه داشتن پشت، تقسیم وزن روی پاها و...) بررسی کنید. گفتید خیلی زود به این حالت جدید عادت خواهید کرد. سپس، در اینترنت جست‌وجو کردید و چند نرمش ساده ولی اساسی پیدا کردید. الحق که شما بهترین گزینه برای هدایتگری بچه‌ها هستید.

اکنون چشم‌هایتان را ببندید و مقصد را تجسم کنید. اجازه دهید از هیجانان راه برایتان بگویم. سه ویژگی خاص به این مسیر جذابیت داده است: مقصد دورتر از انتظار، بالاتر از انتظار و سخت‌تر از انتظار ماست. بسیار هم چالش‌برانگیز است. با رعایت اصول گردشگری، سفری ایمن‌تر و راحت‌تر را تجربه می‌کنیم.





در کلاس‌های حضوری

قانون اول: کفش مناسب بپوشید. اگر با توجه به شرایط جوی، در روزهای بارانی، چکمه‌های بلند و ضد آب، در روزهای برفی، پوتین‌های سنگین که مانع سُرخوردن می‌شوند و در جلسات و دیدار با اولیا کفش‌های رسمی می‌پوشید، کلاس درس هم طلب می‌کند کفشی سبک با کفی استاندارد بپوشید که محافظ قوس کف پای شما باشد، پنجه‌ی پا به راحتی در آن جا بگیرد و از حرکت ناگهانی مچ پا جلوگیری کند. صندل و دمپایی پاپوش مناسبی برای کلاس درس نیستند.

قانون دوم: صحیح نفس بکشید. اگر در حال گوش دادن به حرف دانش‌آموزان یا راه رفتن و مشاهده‌ی عملکرد آنان هستید، با یک قدم عمل دم را انجام دهید و در قدم بعدی عمل بازدم. بی‌تردید اصول فن بیان را می‌دانید، برای شمرده حرف زدن نیاز است سرعت بیان کنترل شود. راهکاری ساده برای ایجاد فرصت تنفس در حین سخن گفتن این است که خودتان را در جای یادداشت برداری تجسم کنید که در حال نوشتن مطالب شماست. حالا در زمان درج هر کدام از نشانه‌های نوشتاری (ویزگول، علامت تعجب و...) عمل دم یا بازدم را انجام دهید. بازی آموزشی: قبل از شروع به صحبت، به همراه دانش‌آموزانتان سه بار نفس عمیق با صدای بلند بکشید، به طوری که همه صدای تنفس همدیگر را بشنوید.

قانون سوم: در حین تدریس چیزی حمل نکنید. برای مثال، برخی از معلمان در طول تدریس ابزاری مثل گچ، ماژیک و دفتر کلاسی را با خود حمل می‌کنند. در چنین شرایطی، معلم ناخواسته عضلات انگشتان، کف دست، مچ، ساعد و شانه‌ی خود را درگیر اسپاسم عضلانی طولانی مدت کرده است. این وضعیت به خستگی می‌انجامد. با تداوم این وضعیت، درد عصبی و عضلانی مزمن می‌شود، توانایی‌های کارکردی معلم تقلیل می‌یابند و سلامت روح و روان تضعیف می‌شود.

قانون چهارم: آب بنوشید. نوشیدن آب با توجه به دستورالعمل‌های دینی و علمی قوانین خاص خود را دارد. پیامبر(ص) سه نکته‌ی اساسی برای نوشیدن آب فرموده‌اند: قبل از نوشیدن آب «بسم‌الله» بگویید، با یک نفس آب بنوشید و نشسته آب بخورید. علم نیز توصیه می‌کند قبل از آب خوردن نفس بکشید. همچنین، نشسته و جرعه‌جرعه آب بنوشید؛ البته با توجه به نیاز و عطش.

قانون پنجم: در صورت لزوم از تکیه‌گاه استفاده کنید. حرفه‌ی معلمی می‌طلبد معلم مدت‌های طولانی روی دو پا بایستد. در صورت خستگی در حالت ایستاده، هیچ‌گاه وزن خود را روی یک پا نیندازید و از تکیه‌گاه استفاده کنید.



در کلاس‌های غیر حضوری

همیشه فکر می‌کردم معلم شبیه‌ترین نفر به قهرمانان ورزشی است و اگر بنشیند، بازی متوقف می‌شود. هیچ وقت فکر نمی‌کردم روزی بیاید که معلم مجبور باشد نشستگی بازی کند.

قانون اول: برای سلامتی خود هزینه کنید. یکی از هزینه‌های تدریس از منزل، تهیه‌ی صندلی استاندارد اداری است؛ در غیر این صورت، شرایط نشستن را برای خود مساعد کنید:

● زاویه‌ی پشتی و نشیمنگاه صندلی ۹۰ درجه باشد؛

● ارتفاع نشیمنگاه طوری باشد که کف پا به زمین برسد و ران‌ها موازی با زمین قرار بگیرند؛

● صفحه‌ی نمایش رایانه رویه‌روی چشم‌ها و به اندازه‌ی یک دست کامل (بازو، ساعد و کف دست) از صورت شما فاصله داشته باشد.

عامل کمر درد در وضعیت نشستن، صندلی‌های کوتاه و نشیمنگاه‌های صفت و سخت است.

عامل پا درد در حالت نشسته، به خصوص در ناحیه‌ی ران، گودی نشیمنگاه صندلی است.

یکی از عوامل گردن درد در وضعیت نشسته، کوتاهی پشتی صندلی است.

قانون دوم: تنفس عمیق داشته باشید. هیجان‌ها و استرس‌های معلم در کلاس‌های مجازی بیشترین شباهت را به گردبادی دارند که مانع تنفس می‌شود و عادات و الگوی رفتاری غلطی به نام تنفس کم‌عمق را ایجاد می‌کند. تنفس کم‌عمق عضلات ناحیه‌ی سینه را سفت و عضلات پشتی را ضعیف می‌کند. وضعیت صحیح نشستن را نیز بر هم می‌زند.

قانون سوم: در طول نشستن فعالیت‌های بدنی هدف‌دار داشته باشید. در فاصله‌های تدریس، حرکات کششی، نرمش‌های یوگا و پیلاتس انجام دهید. این حرکات انقباض‌های عضلانی را آزاد و حالت‌های ناصحیح در نشستن را رفع می‌کنند.

قانون چهارم: از تمرین‌های مراقبه‌ی ذهن برای خالی کردن ذهن از هرگونه فشار بهره ببرید. زمانی که ذهن آزاد می‌شود، به دنبال آن، اسپاسم‌هایی عضلانی نیز که شما متوجه آن‌ها نیستید آزاد می‌شوند.



آموزگاری به سلیقه‌ی بچه‌ها

اندکی از تجربه‌های موفق دوسال معلمی



الهام فراستی

عکاس: غلامرضا بهرامی

خانم ام‌لیلا صمدی، آموزگاری که اکنون در آبان ۱۴۰۰ سومین سال آموزش را می‌گذراند، فقط چند ماه آموزش حضوری را تجربه کرد و در همان چند ماه آموخت چطور خودش را در دل دانش‌آموزانش جا و چطور خانواده‌ها را با خود همراه کند. این آموزگار، مثل بچه‌های پایه‌اولی که مدرسه را به‌درستی تجربه نکردند، با فضای کلاس حضوری چندان آشنا نشد.

■ ابتدا کمی درباره‌ی خودتان بگویید و اینکه چرا معلم شدید؟

معلم پایه‌ی اول ابتدایی و کارشناس ارشد رشته‌ی مدیریت آموزشی از دانشگاه خوارزمی هستم. در حوزه‌ی آموزش در بخش خصوصی کار می‌کردم. با وجود اینکه درآمد مناسبی داشتم، تصمیم گرفتم معلم شوم تا از حجم کارم کم شود و بتوانم مدیریت زمان بهتری در زندگی شخصی داشته باشم؛ اما زهی خیال باطل! رتبه‌ی کنکورم خوب بود و به‌دلیل عملکرد خوبی که در محیط‌های علمی و کاری داشتم، استادان و کارفرمایانم مرا تشویق می‌کردند. به همین خاطر، با اعتمادبه‌نفس خوبی، با خودم می‌گفتم از پس شغل معلمی هم برخواهم آمد؛ غافل از اینکه در همان روز اول کاری در مدرسه با چالش مواجه شدم! سنی دانش‌آموز پسر کلاس اولی داشتم که کنترل کلاس را دستشان گرفته بودند و من از پس مدیریت کلاس بر نمی‌آمدم. در برابر شاگردانم احساس درماندگی کردم! بعد از پایان کلاس، به‌جای اینکه به خانه برگردم، نزد خانم موسوی، مدیر «دبستان غیرانتفاعی شوق زندگی» رفتم که کارورزی‌ام را آنجا گذرانده بودم. از او کمک خواستم.

■ پس چطور از پس بچه‌ها برآمدید و چگونه کار را شروع کردید؟

متوجه شدم اگر اولیا را با خودم همراه نکنم، توفیق زیادی پیدا نمی‌کنم. فرمی طراحی کردم که با آن به شناخت خوبی از دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان رسیدم. از جلسات عمومی و خصوصی دیدار با اولیا، به‌صورت حضوری و مجازی، استفاده کردم. هر قدر از آغاز سال تحصیلی می‌گذشت و اولیا با روش کارم آشنا می‌شدند، به من



خانم صمدی
از تجربه‌ها پیش می‌گوید.

آبازاری
ابتدایی

آبان ماه
دوره‌ی بیست‌ونهم
شماره‌ی ۲ | ۱۴۰۰

بیشتر اعتماد می‌کردند. داشتیم به سرعت پیش می‌رفتیم که کرونا از راه رسید! با مجازی شدن آموزش‌ها، ارتباطم را با اولیا تقویت کردم. اهداف یادگیری موضوعات درسی را به زبان ساده برایشان توضیح می‌دادم تا نسبت به یادگیری فرزندشان بیشتر آگاهی پیدا کنند. هر روز در پایان کلاس از دانش‌آموزانم و خانواده‌هایشان تشکر و قدردانی می‌کردم و علاوه بر بازخورد به فعالیت‌های ارسالی بچه‌ها، به اولیا نیز بازخورد می‌دادم. حتی از خواهر و برادر کوچک‌تر شاگردانم، به این خاطر که سعی می‌کردند در ساعت کلاسی با صدای بلند تلویزیون ببینند، تشکر می‌کردم. گاهی دعوتشان می‌کردم به‌عنوان مهمان در کلاس حاضر شوند. به این ترتیب، درصد بالایی از اولیا فقط به‌عنوان ولی دانش‌آموز، بلکه به‌عنوان مرشد و راهنمای دانش‌آموز، مثل یک معلم، با من همراه شدند.

■ کدام قسمت از شغل معلمی شما را می‌ترساند؟

تأثیرگذاری معلم. معلم می‌تواند تأثیر و نفوذ زیادی در دانش‌آموزان و حتی اولیا داشته باشد. قدرت تأثیرگذاری معلم بار مسئولیتش را سنگین می‌کند. ضروری است معلم حساب‌شده و دقیق عمل کند. معلم می‌تواند از این قدرت خود برای توانمند کردن بچه‌ها استفاده کند، اما از طرف دیگر رفتار نادرست معلم ممکن است مسیر زندگی دانش‌آموز را تغییر دهد و تأثیری بگذارد که جبران آن به‌راحتی ممکن نباشد! بچه‌ها حتی به پوشش من توجه دارند و در مورد آن نظر می‌دهند. مثلاً «خانم، مانتوی دیروزی بیشتر به‌تون می‌ومد». از وقتی معلم شده‌ام، هنگام خرید لباس یا کیف و کفش، سلیقه‌ی بچه‌ها را هم در نظر می‌گیرم.

■ محتوای آموزشی را چگونه ارائه کردید؟

سعی کردم تدریس را به تجربه‌های دانش‌آموزان در دنیای واقعی وصل کنم و از ابزارهای متنوع برای عینی‌سازی تدریس و تسهیل یادگیری استفاده کنم. اولیا نیز با من همراه شدند و از هر آنچه در منزل داشتند، از جمله خوراکی‌های یخچال، برای آموزش و تثبیت یادگیری بچه‌ها استفاده می‌کردند. محتوای آموزشی را ویژه‌ی شاگردانم می‌ساختم. برای مثال، در داستان‌سرایی، برای تدریس و حتی طرح مسئله در ریاضی،

از نام‌های خودشان برای شخصیت‌های داستان استفاده می‌کردم. تدریس خط تقارن با روز تولد امیرحسین مصادف شد و او به فضانوردی علاقه‌مند بود. در فیلمی که تولید کردم، تولد امیرحسین را نشان دادم که دوستان فضانوردش به او خطی عجیب و غریب هدیه دادند که وقتی امیرحسین آن را روی کتابش گذاشت، کتاب به دو نیمه که قرینه و مساوی بودند، تبدیل شد. بیشتر متن‌هایی که برای روان‌خوانی آماده می‌کردم، در مورد بچه‌های کلاس بود. فیلم تدریس کلماتی که در آن «می» کاری آمده، با تصویرهایی از بچه‌های کلاس همراه بود که هر کدام مشغول انجام کاری بودند: عرفان ظرف «می‌شوید» محمدکسری تلویزیون «می‌بیند»؛ سامیار لباس «می‌دوزد»؛ ماهان سیب «می‌خورد». به این ترتیب، حضور پررنگ بچه‌ها در جریان آموزش و یادگیری، شوق یادگیری را در آن‌ها افزایش داد.

■ در شرایط آموزش مجازی ارزشیابی را چگونه پیاده کردید؟

به شواهدی از یادگیری واقعی دانش‌آموزان کلاس اولی‌ام نیاز داشتم. بنابراین، مرتبط با هر واحد یادگیری، فعالیت‌هایی عملی طراحی و سعی کردم موقعیت‌های جدیدی برای یادگیری‌شان به وجود آورم تا درگیر شوند. فایل‌های شنیداری، تصویری و چندرسانه‌ای بچه‌ها را با دقت مشاهده می‌کردم و بازخورد می‌دادم. تعدادی را هم که عملکرد او را در ابعاد گوناگون یادگیری نشان می‌داد، در پوشه‌های الکترونیکی‌شان قرار می‌دادم. این شواهد الکترونیکی، در کنار نتایج ارزشیابی دریافتی از اولیا و همین‌طور ارزشیابی حضوری از تعدادی از بچه‌ها و سایر فعالیت‌های کلاسی، کمک کرد ارزشیابی معتبرتری داشته باشم.

■ احساس رضایت را تجربه کردید؟

پارسا بعد از جلسه‌ی رفع اشکال، هنگام

بچه‌ها می‌گویند: «خیلی مهر بونید»
اولیا می‌گویند: «صبور و باحوصله‌اید. پرانرژی هستید و به ما هم انرژی می‌دهید. به بچه‌ها اهمیت می‌دهید و برایشان وقت می‌گذارید. دقیق هستید.»

خداحافظی، گفت: «خانم آگه بازم دلتون برام تنگ شد، بگید تا پیام مدرسه.» برای من خیلی ارزش داشت که دانش‌آموزم باور کرده است دلم برایش تنگ می‌شود!

محمدطاها با نگرانی وارد کلاس شد و وقتی چشمش به من افتاد، نفس راحتی کشید و گفت: «خانم دیشب به خواب بد دیدم. خواب دیدم معلمون عوض شده و یه خانم غرغرو اومده.» با این برخورد، متوجه شدم دانش‌آموزم در کنارم احساس خوبی دارد. همان محمدطاهاهایی که در ابتدای سال تحصیلی اضطراب شدید جدایی از مادر داشت و با مادرش به مدرسه می‌آمد، بعد از مدتی به من گفت: «خانم، به مامانم بگید بره خونه.»

برای آموزش کلماتی که در آن‌ها تشدید به کاررفته و همین‌طور با هدف آشنایی دانش‌آموزان با مشاغل و مفاهیم اقتصادی، از بچه‌ها خواسته بودم داوطلبانه نقش شاغلان را ایفا کنند. احساس خوبی داشتم از اینکه همه‌ی خانواده دست به کار شده بودند و در نمایش شرکت کردند تا بچه‌ها در نقش کفاش، بزّاز، خیتاط، معلم، نجّار و غیره، با مهارت ظاهر شوند.

به هر کدام از بچه‌ها زمان می‌دادم با کمک اولیا بخشی از کلاس مجازی را مدیریت کنند. وقتی آن‌ها از دوست خود سؤال می‌پرسیدند یا به پاسخش بازخورد می‌دادند، خیلی شبیه خودم حرف می‌زدند! در این زمان‌ها از ته دل می‌خندیدم و احساس می‌کردم بدلم کلاس را مدیریت می‌کند.

قرار بود بعد از مدت‌ها تعدادی از بچه‌ها را در مدرسه ببینم. مادر محمدیاسین گفت: «بسر از پنج صبح بیدار شده و لحظه‌شماری می‌کنه که امروز می‌خوام خانم معلم رو تو مدرسه ببینم.» شنیدن این جمله برایم لذت‌بخش بود، زیرا خودم هم چنین شوقی را برای دیدن بچه‌ها داشتم.

قبل از کرونا، در ساعت ورزش، در حیاط مدرسه با بچه‌ها بازی می‌کردم. برایم به یادماندنی بود که در جشن الفبای پایان سال، بیشتر بچه‌ها از این کارم به‌عنوان بهترین خاطره‌شان از مدرسه یاد کردند.

■ صحبت آخر شما چیست؟

حجم کاری معلمان در دوران کرونا آسیب‌های جسمی و روحی زیادی را برای آنان به دنبال داشت. به معلمان خلاق و الهام‌بخش سرزمینم افتخار می‌کنم. خدایم و سپاس.

یک روز حیرانی!



ندا رسولی
نویسنده و منتقد

دلَم شور نوید را می‌زد. دستش را از توی دستم درآوردم و بهش گفتم: «اینجا صف کلاس اولی‌هاست؛ بایست اینجا.» یک‌دفعه زد زیر گریه. بغلش کردم و گفتم: «پسر بزرگ منو ببین! گریه چرا؟» گفتم: «پیشم بمونی‌ها.» نگاه کردم به ساعت، دیر هم شده بود. بوسیدمش و گفتم: «چشم. ببین معلمت اومد سر صف. ولی خب منم باید برم مدرسه، الان دانش‌آموزای منم سر صف منتظرن. یه سر برم و زود پیام پیش تو؟» هرچه برایش راه و بیراه آوردم و اشک‌هاش را پاک کردم فایده‌ای نداشت، قبول نکرد.

نمی‌دانم این بچه چرا این‌قدر وابسته بود بهم. همه کار کرده بودم تا مستقل شود، نشده بود. سر پیش‌دبستانی‌رفتن هم، من یا سعید باید پشت در می‌نشستیم. سعید می‌گفت از وقتی این بچه چشم باز کرده، نصف روز مادرش نبوده، وابستگی‌اش برای همین است. حالا سعید هم نبود که این روز اولی به دادم برسد. زنگ زده و گفته بودم: «سعید! هر طور شده برای مدرسه‌ی نوید بیا.» گفته بود کارم گیر است اینجا؛ ولی همه‌ی سعی‌ام را می‌کنم. لابد سعی‌اش را کرده و نشده بود که بهم زنگ زده بود از دیروز. با این همه، ته دلَم دلگیر بودم ازش، باید یک کاری می‌کرد برای امروز... از سه ماه پیش که رفت عسلویه، نوید بیشتر بهم چسبید.

صف‌ها راه افتادند، روز کلاس اولی‌ها بود، یک روز زودتر از بقیه آمده بودند مدرسه. جلوی در سالن یک طاق بادکنکی زده بودند. بچه‌ها اول از زیر قرآن و بعد از زیر طاق بادکنکی رد می‌شدند و می‌رفتند تو. نوید سفت دستم را چسبیده بود، زیر طاق که رسیدیم، شاخه گل سرخی دادند دستش. خانم معاون همان‌جا ایستاده بود، گفت: «والدین تا همین‌جا، می‌توانید توی حیاط منتظر بمانید.»

نوید تا این را شنید دوباره زد زیر گریه. خانم معاون سر تکان داد: «پس زود برگردید.»

توی سالن، صف پیچید سمت چپ و از در دومین کلاس رفت تو. خانم معلم ایستاده بود جلوی در کلاس. من را که دید دستش را دراز کرد سمتم: «احمدپور هستم.» - خوشوقت. منم از همکارانم. الان باید برم مدرسه‌ی خودم. پسر مومن سر ناسازگاری گذاشته.

خم شد و اشک‌های نوید را پاک کرد: «چه پسر خوبی!»

و دست نوید را از توی دستم درآورد و بردش توی کلاس. نوید برگشت و نگاهم کرد. خانم معلمش گفت: «مامانش، همون‌جا منتظر پسر مومن بمون.»

لیخند زدم و سر تکان دادم: «همین‌جام مامان.» معلمش اشاره کرد که بروم. تردید داشتم. می‌شناختم پسر م راه، اگر می‌آمد بیرون و می‌دید که نیستم، به هم می‌ریخت. نگاه کردم به ساعت، وقت نبود. قدم‌هام را تند کردم و زود از مدرسه رفتم بیرون. سوار پرایدم شدم و پام را فشار دادم روی گاز.

صف‌ها رفته بودند توی کلاس. بد شده بود، روز اولی دیر رسیدنم! تعدادی از والدین گوشه‌وکنار حیاط مدرسه نشسته بودند. تند رفتم سر کلاس. خانم معاون توی کلاس بود. نگذاشتم چیزی بپرسد، گفتم: «بخشید! پسر م را بردم مدرسه، دیر شد.» لیخند زد و بلند گفت: «بچه‌ها اینم خانوم معلمتون.»

و رفت بیرون. نفسم را دادم بیرون و کیفم را گذاشتم روی میز. کتاب‌های بچه‌ها زبان‌زده روی میزهایشان بود. ساکت بودند و زل زده بودند به من. گفتم: «خوش اومدید دختر! فامیلی من سجادی. حالا شما خودتون را معرفی کنید.» و اشاره کردم به دانش‌آموزی که میز اول نشسته بود. اسم‌ها توی سرم می‌چرخید و به چهره‌ها لیخند می‌زد؛ ولی دلَم آنقدر شور نوید را می‌زد که اسمی بچه‌ها فقط از ذهنم عبور می‌کرد و نمی‌ماند توی برده بودمش پیش روان‌شناس، گفته بود کمی اضطراب دارد؛ ولی نگذارد این اضطراب شدت پیدا کند. بهش اطمینان

بدهید که همیشه کنارش هستید. گفته بود مراعاتش را کنید تا به‌مرور درست شود. در نبود من فقط پیش سعید می‌ماند و آرام بود؛ ولی من که بودم با سعید هم کاری نداشت و دوروبر من بود همه‌اش. رسیدم به دانش‌آموزی که میز آخر نشسته بود. گفتم: «اسم شما چیه؟» چیزی نگفت. رنگش پریده بود و انگار بغض داشت. دست دانش‌آموز را گرفتم توی دستم و نگاه کردم به چشم‌های سبزش: «دخترم اسمتو نمی‌گی؟!»

جواب نداد. گفتم: «اشکال نداره. هر موقع دلت خواست بگو.» بعد یادم دو تا جعبه‌ی شکلات توی کیفم افتادم. یکی را گرفته بودم بدهم به معلم نوید که یادم رفته بود، یکی برای دانش‌آموزهای خودم. رفتم و جعبه را از توی کیفم درآوردم. بازش کردم و گرفتم جلوی بچه‌ها. به دختر ته کلاس که رسیدم، برنداقت. مشتش را باز کردم و چندتا گذاشتم تویش. بعد یکی را باز کردم و گرفتم سمت دهانش: «خوشمزه است‌ها!» هیچ کاری نمی‌کرد. شکلات را نزدیک‌تر کردم به دهانش: «باز کن، افتاده افتاده!»

دهانش را آرام باز کرد. لیخند زد و انگار که کوه کنده باشم، نفسم را دادم بیرون و خوش حال شدم: «آفرین!»

لیخند کم‌رنگی زد. دست کشیدم روی سرش و رفتم کنار میز: «بچه‌ها رفتید خونه همه‌ی کتاباتون رو جلد کنید. برای فردام دفتر و مداد همراحتون باشه. یادتون می‌مونه؟»

صدای بله‌شان بلند شد. دیدم که دانش‌آموز ته کلاس هم کمی لب‌هاش تکان خورد، انگار که بین حرف‌زدن و نزدن مانده باشد. در کلاس را زدند. خانم معاون کارتنی گرفت سمتم: «لطفاً اینا رو به بچه‌ها بدین.»

گذاشتمش روی میز. تویش پر از لیوان‌های لیمویی رنگی بود که یک طرفش عکسی عروسکی بود و یک طرفش اسم مدرسه. یکی‌ش را درآوردم و بالا گرفتم: «ببینید چه هدیه‌ی قشنگی مدرسه براتون خریده!»

همهمه‌ای ایجاد شد و خنده‌ای نشست روی لب‌هاشان. یکی‌شان بلند گفت: «هورا!» گفتم: «حالا که هورا گفتی، بیا کمکم اینا رو بدیم به بچه‌ها.»

ذوقی نشست توی صورتش و آمد. ریزه بود و زبروزرنگ. تندتند لیوان‌ها را می‌گذاشت روی میز بچه‌ها. یکی را برداشتم و رفتم

ته کلاس، گرفتمش سمت دختر خجالتی. گفتم: «خوشگله؟» گرفتش و سر تکان داد. لیخند زدم و دستش را نوازش کردم. نگاه کردم به ساعت، پنج دقیقه مانده بود به زنگ تفریح. بعد از زنگ تفریح هم بچه‌ها نیم‌ساعتی می‌آمدند کلاس و تمام... برای روز اول برنامه‌ریزی مدرسه همین بود. مدرسه‌ی نوید هم همین برنامه را داشت. توی دلم آشوب شد. نوید اگر می‌آمد بیرون و من را نمی‌دید...»

کارتن خالی لیوان‌ها را گذاشتم گوشه‌ی کلاس: «بچه‌ها کتابتون رو بگذارید توی کفتون.»

زنگ خورد، آروم و یکی‌یکی برید بیرون. تا بچه‌ها رفتند، هزار سال طول کشید انگار! تند رفتم توی حیاط. به خانم معاون گفتم: «شرمنده! یه سر به پسر بزنم و بیام. همین خیابون پشتی می‌ره مدرسه. هوای بچه‌های منو بگیرید لطفا، زود برمی‌گردم.»

عرق کرده بودم. فکر می‌کردم الان نوید مدرسه را گذاشته روی سرش و چقدر اضطراب گرفته بچه! نباید می‌گذاشتم اضطرابش پروبال بگیرد. این اضطراب کار را برای روزهای بعد خراب‌تر می‌کرد. نفهمیدم چطوری خیابان را دور زدم و کجا ماشین را پارک کردم و چطور طول بلند حیاط مدرسه را طی کردم تا رسیدم به کلاس نوید. خالی بود. رفتم سمت دفتر. نفس نفس می‌زدم. تا معلمش را دیدم، گفتم: «نیاز نبود شما بیایید دیگه! پدرش که بود.»

مات مانده بودم.

گفتم: «توی حیاط‌اند بچه‌ها.»

رفتم توی حیاط و چشم چرخاندم این طرف و آن طرف. دیدم نوید و سعید توی آلاچیق ته حیاط نشسته‌اند. دلم آرام شد و نفسم را دادم بیرون. گوشه‌ی ام را درآوردم که به سعید زنگ بزنم، دیدم پیامک فرستاده بوده و ندیده بودم: «صبح زود اومدم. بلیط نداشتم، تا لحظه‌ی آخر اومدنم معلوم نبود که خبر بدم. خیالت راحت پیش نویدم.»

برایش نوشتم: «خداروشکر که اومدی. سعید! کنار آب‌خوری را ببین.»

گوشه‌ی ام را از توی جیبش درآوردم؛ کمی بعد سر چرخاند سمت آب‌خوری. لیخند زدم و برایش دست تکان دادم. دست تکان داد و سرش رفت توی گوشه‌ی

زود رفتم سمت ماشینم و تند راندم تا مدرسه‌ی خودم.



بخشی از داستان
با صدای نویسنده

عکاس: اعظم لاریجانی

آیندگی

آین ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۱۴۰۰۲

۳۵

ارزشش را دارد



سید غلامرضا فلسفی
پژوهشگر علوم ارتباطات



- شما با کدام یک از ارزش های خبری که در تصویر بالا آمده است، آشنا هستید؟
- با اندکی جست و جو درباره ارزش های خبری، بگویید ذائقه ی خبری شما به کدام یک از این ارزش ها گرایش دارد؟

ارزش های خبری

۱. تازگی: دانستن اینکه یک رویداد چه زمانی به وقوع پیوسته است، همواره اهمیت دارد. هر چه زمان وقوع رویداد به نشر خبر آن نزدیک تر باشد، خبر تازه تر به حساب می آید. تنها زمانی می توان از اخبار مربوط به رویدادی قدیمی یاد کرد که جزئیاتی تازه در خصوص آن به دست آید؛ مانند خبر یافتن از جعبه سیاه هواپیمایی که چند ماه پیش سقوط کرده است.



۲. شهرت: اشخاص، اشیا، مکان ها، نهادها و مفاهیمی که شهرت دارند، از ارزش خبری برخوردارند و همیشه مورد توجه مردم هستند. شهرت می تواند مثبت یا منفی باشد. افرادی مانند هیتلر شهرت منفی داشتند و افرادی مانند ابوعلی سینا که به جامعه ی انسانی خدمت کرده اند، شهرت مثبت دارند.



۳. مجاورت: به طور معمول، مخاطبان علاقه مندند ابتدا در خصوص محله، روستا، شهر و کشورهای هم جوار خود کسب اطلاع کنند. رویدادهایی که به لحاظ جغرافیایی به ما نزدیک ترند، برای ما ارزش و اهمیت بیشتری دارند. برای مثال، یک حادثه در میدان آرژانتین تهران برای ما مهم تر از حادثه ای در کشور آرژانتین است. مجاورت به لحاظ ارزش خبری شامل مجاورت جغرافیایی و مجاورت معنوی است. مجاورت معنوی بر اساس شباهت های فرهنگی، عقیدتی، قومی، ملی، اجتماعی و مانند آن شکل می گیرد. برای مثال، رویدادهای مربوط به مسلمانان در سراسر جهان، به ویژه از بعد عقیدتی، مبتنی بر مجاورت معنوی و برای ما حائز اهمیت است.



۴. دربرگیری: هر رویداد هنگامی ارزش دربرگیری دارد که بر تعداد زیادی از افراد جامعه در زمان حال و آینده تأثیر داشته باشد. رویداد مبتنی بر دربرگیری ممکن است برای افراد جامعه سود یا زیان مادی یا معنوی داشته باشد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر آن ها تأثیر بگذارد. برای مثال، خبر تعویض شناسنامه یا کارت ملی و صدور نوع هوشمند آن برای همه مهم است و همگان را در بر می گیرد.



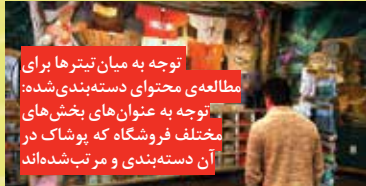
در اولین بخش از سلسله مطالب آموزش سواد خبری گفتیم، این روزها نه تنها باید به درستی از حوادث و اتفاقاتی های اطرافمان که در قالب اطلاعات و اخبار منتشر می شوند، مطلع شویم، بلکه باید امر واقع را در قالب «حقی طبیعی» مطالبه کنیم. به طور مثال، با فراگیر شدن واکسیناسیون کرونا، شماری از افراد در شبکه های اجتماعی اظهار کردند بدن آن ها پس از دریافت واکسن «خاصیت آهن ربا» پیدا کرده است. منتقدان واکسیناسیون عمومی مدعی شدند دلیل این امر، وجود ریز تراشه (میکروچیپ) فلزی کوچکی است که در داخل واکسن کار گذاشته شده است! پس از راستی آزمایی این ادعاها، مشخص شد این موضوع ربطی به واکسن و بیماری کرونا ندارد و این اخبار جعلی را کسانی مطرح کرده بودند که ضد واکسن بودند!

همچنین، در شماره ی پیش از هفت پرسش کلیدی گفتیم که در مواجهه با هر خبر باید از خود پرسید. در این شماره بنا داریم درباره ی این پرسش تأمل کنیم که «نکته ی اصلی خبر چیست؟» به یاد داشته باشیم، آنچه سبب تولید، نشر و باز نشر خبر در رسانه های فردی و جمعی می شود، وجود ارزش های خبری^۲ است که به سهم خود مسیر یافتن نکته ی اصلی خبر را ریل گذاری می کنند.

برای روشن تر شدن ابعاد این عنوان‌ها، تصویرهای زیر را ملاحظه کنید. فرض کنید برای خرید پوشاک به بازار مراجعه کرده‌اید. در ابتدا پس از نگاهی گذرا به ویترین فروشگاه‌ها (انتخاب تیتری از بین تیترها) ویترینی را انتخاب می‌کنید که جذاب تر است (توجه به تیتر برای تصمیم‌گیری در انتخاب خبر). سپس در فروشگاه را باز کنید و از همان ورودی نگاهی کلی به داخل آن بیندازید (توجه به لید برای اتخاذ تصمیم در مطالعه‌ی ادامه‌ی خبر).

گاه تصمیم می‌گیرید وارد شوید، چراکه حس می‌کنید فروشگاه برایتان جذابیت‌های لازم را داشته است و شما را به محصول مدنظرتان می‌رساند. در برخی مواقع نیز با دیدن ورودی فروشگاه، از داخل شدن متصرف می‌شوید. بر این اساس، می‌توان تیتر را به‌مثابه‌ی ویترین، ورودی مغازه را لید و داخل مغازه را متن خبر در نظر گرفت.

منابع
۱. ۶۶۲۸۸۰/k/۱۶۶۲۸۸۰
۲. News Values



۵. فراوانی تعداد و مقدار: این ارزش خبری به اعداد و ارقام مربوط می‌شود. هرچه رقم پر باشد، به‌طور قطع ارزش خبری آن بیشتر است. برای مثال، ارزش خبری سانحه‌ای رانندگی که در آن بیست نفر کشته شده‌اند، بیش از حادثه‌ای است که دو نفر کشته داشته است. خبرهایی که از فراوانی بالاتری برخوردار باشند، از شانس بیشتری برای انتشار در رسانه‌ها و جلب توجه مخاطب برخوردارند.



۶. برخورد، اختلاف و درگیری: این‌گونه رویدادها حاوی برخوردهایی هستند که در شکل‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شوند. اخبار مربوط به برخورد انسان با انسان، انسان با طبیعت، انسان با حیوان، انسان با ماشین، ماشین با ماشین و همچنین حوادثی مانند بلاهای طبیعی، قتل‌ها، سرقت‌ها و تصادف‌ها از همین ارزش خبری برخوردارند. این ارزش خبری همواره توجه رسانه‌ها و مخاطبان را به خود جلب می‌کند...



۷. استثنا و شگفتی: این نوع رویدادها غیرعادی، عجیب یا استثنایی‌اند. خبرهای مربوط به اختراعات، کشفیات، نتایج تحقیقات، «ترین‌ها» مانند پیرترین مرد جهان، بلندترین برج دنیا، کوچک‌ترین کتاب و... از این موارد هستند. ثبت رکوردهای جدید در یک حوزه را نیز می‌توان از جمله نمونه‌هایی در همین خصوص عنوان کرد.



حال پیشنهاد می‌شود دو متن خبری با موضوعی واحد، به‌طور مثال رأی اعتماد مجلس به وزیر آموزش و پرورش دولت سیزدهم، را در دو رسانه، مانند پایگاه خبری تحلیلی انتخاب و تارنمای روزنامه‌ی کیهان، بیابید و پس از مرور آن‌ها، جدول زیر را کامل کنید:

در هر خبر چه ارزش‌های خبری لحاظ شده‌اند؟	پایگاه خبری تحلیلی انتخاب: روزنامه‌کیهان:
در کدام یک از دو خبر، واقعیت‌های رویداد کامل بیان شده‌اند؟	
در کدام یک از دو خبر، نویسنده دیدگاه‌های شخصی خود را وارد کرده است؟	
کدام یک از دو خبر برای شما جذاب‌تر بود؟ چرا؟	

■ به نظر شما، بخش‌هایی که خبرنگاران دو رسانه تلاش می‌کنند بر آن تأکید کنند، شامل چه مواردی است؟ چگونه نکات تأکیدشده را در آن‌ها تشخیص دادید؟

اجزای خبر

تیتر اصلی: _____
تیتر دوم: _____

تیتر: _____

لید: _____

متن: _____

**پس از انجام فعالیت
در باره‌ی ارزش‌های
خبری، با برخی از
اجزای خبر آشنا
می‌شویم:**

فسقلی‌های خواندنی



مرتضی فاضل، مشاور خانواده



معرفی و پیشنهاد مطالعه‌ی کتاب‌های خوب به دانش‌آموزان، راهکاری برای معلمان و والدین است تا از این طریق کودکان با کتاب آشنایی کنند و از مشکلات رفتاری‌شان آگاه شوند. مجموعه کتاب‌های «فسقلی‌ها» که زبانی طنزگونه و شاد دارد، به والدین و معلمان عزیز معرفی می‌شود.

فسقلی‌ها چیستند؟

۱. انتشارات قدیانی، مجموعه‌ی مصور «فسقلی‌ها» را که نوشته‌ی تونی گراس و ترجمه‌ی جمعی از مترجمان (با همکاری خانم شکوه قاسم نیا) است و برای کودکان پیش‌دبستانی و اول و دوم ابتدایی بازنویسی شده، چاپ کرده است. در طراحی تصویرهای این کتاب از رنگ‌های شاد و متنوع استفاده شده است که کودکان را به خواندن ترغیب می‌کنند. مجموعه‌ی فسقلی‌ها چهل و پنج عنوان کتاب را در دو مجلد، با نام‌هایی که از شخصیت اصلی داستان الهام گرفته شده‌اند، دربردارد؛ مثل: «فری فراموش‌کار»، «ددی دست‌وپاچلفتی»، «کاکاکثیفه».

۲. شخصیت اصلی مجموعه‌ی فسقلی‌ها دختر یا پسر کوچکی است که ویژگی منفی یا اخلاق بدی دارد؛ مثلاً دست‌وپاچلفتی است، لجباز است، بی‌حوصله است، زیادی غذا می‌خورد، کنجکاوی نابجا می‌کند، بیش از حد تلویزیون تماشا می‌کند، بیخ و داد راه می‌اندازد، خجالتی

است، خیرچینی می‌کند، نگران است، به بهداشتش شخصی اهمیت نمی‌دهد و... این داستان‌ها با زبانی طنزگونه، ساده و روان بیان شده‌اند. از این رو خواننده‌ی خردسال به‌خوبی با شخصیت‌ها ارتباط برقرار می‌کند و از همان ابتدا، بدی رفتار شخصیت داستان را حس می‌کند و متوجه زشتی کارش می‌شود.

اسامی شخصیت‌های کتاب‌های این مجموعه دو قسمت دارند: قسمت اول اسم فرد و قسمت دوم صفتش را کوتاه و غالباً یک‌بخشی یا دوبخشی هستند و به راحتی ادا می‌شوند: بالی، آنا، جودی، کاکسی، هانی، بابی، قلی، جی‌جی. کوتاه‌بودن اسامی باعث می‌شود کودکان به راحتی با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و صمیمی شوند. صفت بخش دوم از لحاظ آوایی بسیار با بخش اول هماهنگ است. ترکیب حروف، ضمن جذاب‌بودن، موسیقی و آوای زیبایی را ایجاد کرده است؛ به‌ویژه قرار گرفتن چند مصوت و یا حرف یکسان پشت‌سرهم، برای

آشنایی کامل کودکانی که تازه حروف زبان فارسی را یاد گرفته‌اند، آموزنده است. در اکثر عنوان‌های داستان، چند حرف و حتی گاهی تا چهار حرف تکرار می‌شوند؛ مثلاً چهار حرف «ب» در «بابی بی‌باک»، چهار حرف «ک» در «کاکسی کنجکاو» و چهار حرف «ج» در «جی‌جو جنگجو» و... این مجموعه تقریباً بیشتر حروف فارسی را پوشش داده است و به‌خصوص برای دانش‌آموزانی مفید است که مشکل یا اختلال خواندن دارند.

۳. در داستان‌های فسقلی، جنبه‌ی واقع‌گرایانه‌ی اتفاقات به‌خوبی نمایان است. فضای داستان به‌جای فضایی رمانتیک و غیرواقعی، کاملاً واقعی و قابل باور است. اتفاقات مطرح‌شده در زندگی کودکان کاملاً تجربه‌شده و ملموس و به‌خوبی با شرایط و نیازهای آنان همراه است.

۴. در تمامی قصه‌ها، روایت طنزگونه‌ی داستان‌ها دیده می‌شود. گاه این طنز در پایان قصه با اتفاقات جالبی که روی



می‌توانید یکی از داستان‌های فسقلی‌ها را بشنوید و در کلاس از آن استفاده کنید.



پیشنهاد

- تهیه‌ی کلیپ‌های بلندخوانی داستان‌ها به صورت جمعی و خانوادگی: یکی از روش‌های ترغیب کودکان به مطالعه، خواندن کتاب به صورت جمعی و خانوادگی است. در این روش، اعضای خانواده هر کدام بخش‌هایی از یک داستان را با صدای بلند، به صورت تکی یا دسته‌جمعی، می‌خوانند و از اجرایشان کلیپ‌های مستند تهیه می‌کنند.
- تهیه‌ی کلیپ‌هایی برای بیان خلاصه‌ی داستان‌ها: دانش‌آموزان می‌توانند محتوا و خلاصه‌ی داستان را یا با کلام خودشان یا به شکل قصه بیان کنند. همچنین، می‌توانند خلاصه‌ی داستان را به صورت نوشتاری تهیه کنند.
- تهیه‌ی کلیپ‌هایی برای اجرای نمایش‌گونه‌ی داستان‌ها: بیشتر محتوای داستان‌ها قابلیت اجرای نمایشی دارد و دانش‌آموزان می‌توانند، به همراه اعضای خانواده، آن‌ها را اجرا کنند.
- تهیه‌ی نقاشی‌ها و تصویرسازی‌های جدید از شخصیت‌ها: یکی از ویژگی‌های ارزنده‌ی این کتاب، تصویرسازی‌های خوب آن است که می‌تواند خصوصیات منفی و عادت‌های اخلاقی بد را به بهترین شکل نمایش دهد. کودکان می‌توانند تصویرهای کتاب را نقاشی یا به شکل خلاقانه تصویرهای جدیدی طراحی کنند.
- داستان‌نویسی و طراحی شخصیت‌های جدید و انتخاب نام‌های کاملاً ایرانی: دانش‌آموزان می‌توانند برخی عادت‌های منفی و نامناسب را که به آن‌ها اشاره نشده است، در قالب داستان‌های جدید طراحی و اسم‌های ایرانی برای آن‌ها انتخاب کنند؛ مثلاً «تینا ترسویی» یا «تیمایم خوام».
- تغییر خلاقانه و بازآفرینی داستان‌ها: بهتر است والدین در هنگام خواندن داستان‌های این مجموعه از شیوه‌ی گفت‌وگو (دیالوگ) استفاده کنند. بدین شکل که بخشی از داستان را برای فرزندشان بخوانند، سپس از او بخواهند ادامه‌ی داستان را پیش‌بینی یا حدس بزنند. گاهی این حدس‌ها و پیش‌بینی‌ها منجر به بازنویسی داستان‌ها می‌شود و کودکان می‌توانند این داستان‌های بازنویسی شده را ارائه دهند.
- طراحی داستان‌هایی با شخصیت‌های کاملاً مثبت یا عادت‌های اخلاقی و رفتاری خوب: یکی از فعالیت‌های ارزنده که می‌تواند در راستای مثبت‌اندیشی و تربیت سالم فرزندان صورت بگیرد، طراحی داستان‌هایی با شخصیت‌هایی است که اتفاقاً ویژگی‌های مفید و مثبتی دارند. این داستان‌ها و شخصیت‌ها الگوی خوبی برای کودکان هستند و ذهنیت زیبا و سازنده‌ای را در آنان فراهم می‌آورند. نمونه‌ی زیبایی این کار در کتاب‌های درسی، بازآفرینی شعر داستان‌گونه‌ی دوکاج و تبدیل آن به کاجستان و داستان چوپان دروغگو و تبدیل آن به چوپان راستگوست. کودکان می‌توانند بر اساس این روش داستان‌هایی مثل «مریم مهربون»، «بابک بادبده» و «جواد جرئتی» طراحی کنند.

می‌دهد، به‌اوج می‌رسد. طنز داستان تأثیر خیلی خوبی بر توجه و رغبت دانش‌آموزان به مطالعه‌ی کتاب‌ها دارد.

۵. قصه‌ها بعد تربیتی دارند و اکثر مشکلات تربیتی کودکان را پوشش می‌دهند. داستان‌های این مجموعه نه تنها مشکلات فرهنگی ندارند، بلکه از نصیحت‌گرایی، آموزش مستقیم و نتیجه‌گیری اخلاقی اجتناب می‌کنند. با روایت بدی رفتار شخصیت اصلی، به صورت غیرمستقیم، پیام خود را به کودکان منتقل می‌کنند و به آنان اجازه می‌دهند خودشان درباره‌ی پیامد این گونه رفتارها نتیجه‌گیری کنند. این مجموعه حتی برای والدین نیز مفید و آموزنده است و به‌طور غیرمستقیم به آنان کمک می‌کند برخی از رفتارهای فرزندان خود را بپذیرند، در شرایط نامساعد با آنان بیشتر مدارا کنند و با برخوردی مناسب، فرزندان را با پیامدهای رفتارشان روبه‌رو کنند.

۶. در این مجموعه، به برخی رفتارهای کمال‌گرایانه یا افراطی کودکان توجه شده است؛ برای مثال داستان‌هایی مثل: «نانی ناززو»، «هانی همه‌چی‌دان»، «بابی بی‌باک»، «کامی کمکی»، «جودی جدی»، «کاکای کنجکاو»، «سالی سلامت»، «بالی خوش‌لباس»، «انا خانم خانم‌ها».

۷. در برخی از داستان‌های این مجموعه، شخصیت اصلی تصمیم به ایجاد تغییراتی در زندگی‌اش می‌گیرد؛ «شری شیرینه»، «دی‌دی دیرکن» و «جالی خجالتی» چنین تصمیماتی را در طول داستان اتخاذ می‌کنند. از لحاظ تربیتی این رفتارها بسیار آموزنده‌اند. همچنین، از آنجا که برخی از ویژگی‌ها غیرقابل‌تغییرند، برخی از شخصیت‌های داستان نیز وضعیت موجود را می‌پذیرند؛ مانند «هلی هیولا»، «فری فراموشکار» و «کوتی کارآگاه». بیان این نکته، آموزش خوبی برای والدین و فرزندان است.

پنج دقیقه‌ی طلایی

تجربه‌ی معلم کلاس چندپایه‌ی عشایری

از به‌کارگیری پنج دقیقه‌ی طلایی

نهمین‌بی‌نیاز

«محمدشریف بلوچ لیسانس رشته‌ی آموزش ابتدایی دارد. او آموزگاری با انگیزه است که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ پنجمین سال خدمت خود را به‌عنوان مدیر آموزگار در «مدرسه‌ی شهید قلنبر» روستای یتان شهرستان نیک‌شهر در استان سیستان و بلوچستان گذرانده است. وی در اولین سال تدریس خود از پنج دقیقه‌ی طلایی آخر کلاس به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای کاهش کم‌رویی دانش‌آموز خود استفاده کرده است. درباره‌ی این تجربه با این معلم یادگیرنده گفت‌و‌گو کردیم.

«مدرسه‌ی عشایری بنیاد قلم‌چی ۵ در روستای منه واقع شده است که ۹۰ کیلومتر با شهرستان نیک‌شهر فاصله دارد. این مدرسه‌ی نوساز در مجموع ۲۶ دانش‌آموز در شش پایه دارد که سه پایه از آن‌ها در شیفیت صبح و سه پایه‌ی بعدی در شیفیت بعدازظهر در مدرسه حضور پیدا می‌کنند. این مدرسه شش‌پایه دارد. آقای بلوچ از روز شنبه تا چهارشنبه در این روستا بیتوته می‌کند.

■ چرا و چگونه از پنج دقیقه‌ی طلایی استفاده کردید؟

یکی از دانش‌آموزان پسر در پایه‌ی پنجم کلاس بسیار خجالتی و کم‌رو بود و عملکرد قابل قبولی در درس نداشت. به‌ندرت حرف می‌زد و کمتر در فعالیت‌های کلاسی شرکت می‌کرد. با بررسی‌های بیشتر در مورد این دانش‌آموز، متوجه شدم در بیرون از مدرسه به راحتی با خانواده و هم‌سالانش ارتباط برقرار می‌کند. از این رو احساس کردم علت این رفتار او، به‌خاطر آنی که از مدرسه دارد، برمی‌گردد. به این فکر افتادم که برای پنج دقیقه‌ی آخر کلاس فعالیتی طراحی کنم تا این دانش‌آموز به‌صورت غیرمستقیم به حرف‌زدن و مشارکت مشتاق شود.

به دانش‌آموزان اعلام کردم پنج دقیقه‌ی آخر کلاس مال شماست. می‌توانید هر کاری که تمایل داشتند، در این پنج دقیقه به دوستانتان ارائه دهید. ابتدا بچه‌ها تصور می‌کردند برنامه‌ی سختی است، اما وقتی برنامه‌ام را برای آنان تشریح کردم و در روز اول خودم در این برنامه شرکت کردم، بچه‌های زیادی داوطلب انجام آن شدند. افرادی که در هر هفته اجرا داشتند، به قید قرعه مشخص می‌شدند تا خودشان را آماده کنند. بچه‌ها در پنج دقیقه‌ی آخر کلاس برنامه‌های متنوعی ارائه می‌دادند؛ قرآن و شعر می‌خواندند،

خاطره و داستان تعریف می‌کردند. یک هفته بعد از اجرای این برنامه احساس کردم وقتی این دانش‌آموز کم‌رو فعالیت دوستانش را می‌بیند، به حرف‌زدن و فعالیت مایل شده است و با هم‌سالان با صدای بلندتر حرف می‌زند. اما به روی خودم نیآوردم و منتظر جرقه‌ای از طرف خودش بودم. نام این دانش‌آموز را نیز در قرعه‌کشی وارد نمی‌کردم، چرا که می‌خواستم خودش داوطلب شود.

در هفته‌ی دوم، زمانی که مشغول قرعه‌کشی برای اجرای نفرات جدید



آقای بلوچ تجربه‌اش را تعریف می‌کند.

آیندگان

ایان‌ماه
دوره‌ی بیست‌ونهم
شماره‌ی ۱۴۰۰ | ۲

۲۰



« بسیاری از حادثه‌ها دقیقه‌های طلایی دارند. برای مثال، زمان طلایی حضور آتش‌نشانان در محل حادثه، سه تا پنج دقیقه است. به هنگام سکنه‌ی قلبی، بهترین زمان حضور پزشک و اقدام درمانی، دو دقیقه‌ی اول حادثه است. چنانچه یادتان باشد، در بازی دانمارک و فنلاند در خرداد امسال، یکی از بازیکنان فوتبال دانمارک، بدون هیچ برخوردی، به زمین افتاد. پزشکان حاضر در زمین حدس زدند او سکنه‌ی قلبی کرده و بدون اجازته‌ی داور، بالای سرش حاضر شدند. این اجازه را پیشاپیش از همان دو دقیقه‌ی طلایی گرفته بودند.

« کلاس درس از بهترین فرصتهایی است که می‌تواند دقیقه‌های طلایی داشته باشد. پنج دقیقه‌ی طلایی کلاس شما چه زمانی است؟ اول ساعت، وسط ساعت یا آخر ساعت و یا حتی پنج دقیقه‌ی طلایی دیگری دارید؟ از این دقیقه‌ها برای دفتر مجله بنویسید. اگر قبلاً این تجربه را اجرا کرده‌اید یا همین حالا تصمیم می‌گیرید اجرا کنید، لطفاً نمونه‌های موفق آن را با عکس و فیلم به دفتر مجله بفرستید تا در اختیار همکارانتان قرار گیرد.

طلایی برای ارائه‌ی سخنرانی در برنامه‌ی صبحگاهی استفاده می‌کردند و دانسته‌های خود را به دوستانشان انتقال می‌دادند. همچنین، بچه‌ها در این پنج دقیقه، کشیدن نقاشی با رایانه را که با درس کار و فناوری مرتبط بود، به دوستانشان آموزش می‌دادند. چنانچه برنامه‌ی پنج دقیقه‌ی طلایی با شفافیت برای دانش‌آموزان تشریح نشود، ممکن است تصور کنند این پنج دقیقه به ارزشیابی از آنان اختصاص داده شده و این برایشان استرس‌آور خواهد بود.

در مدرسه‌های عشایری، دانش‌آموزان دو زبانه‌اند و به سختی فارسی صحبت می‌کنند. بنابراین، دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر، به ویژه پایه‌ی اول، کمتر می‌توانند در این فعالیت شرکت کنند.

■ نسبت به آموزگاری تان چه احساسی دارید؟

معلمی مسیر زندگی‌ام را تغییر داد. هر روز که می‌گذرد، بیشتر به اینکه چیزی بلد نیستم، پی می‌برم. برای کسی که یادگیرنده و پژوهشگر باشد، معلمی یک دنیاست.

بودم، متوجه شدم این دانش‌آموز به دوستانش می‌گوید: «این بار نام من انتخاب می‌شود.» بنابراین، اعلام کردم اگر کسی داوطلب است، می‌تواند بدون قرعه‌کشی کارش را ارائه دهد. جالب بود که این دانش‌آموز داوطلب شد و در پنج دقیقه‌ی آخر کلاس برایمان شعر خواند. از آن روز به بعد به تدریس تغییر رفتار داد: حرف می‌زد، خاطره تعریف می‌کرد، و از دوستانش و اتفاقات روستا می‌گفت. در ارائه‌ی فعالیت‌های درسی نیز پیشرفت محسوسی داشت. پنج دقیقه‌ی آخر کلاس برای این دانش‌آموز کم‌رو طلایی بود.

■ بگویید چالش‌ها و فرصت‌های تجربه‌ی پنج دقیقه‌ی طلایی چه بود؟

می‌توان از فرصت پنج دقیقه‌ی طلایی برای شکوفاکردن بسیاری از استعدادهای دانش‌آموزان و همچنین درمان اختلال‌ها استفاده کرد. ما به تدریس از پنج دقیقه‌های طلایی هدفمندتر استفاده کردیم: بچه‌ها از این فرصت برای ارائه‌ی تدریس و رفع اشکال استفاده می‌کردند. در سال تحصیلی بعدی، از پنج دقیقه‌ی



دلگ مدرسه می‌خواد



مریم شهرآبادی
کارشناس آموزش ابتدایی

این روزها موضوع حضوری بودن و نبودن مدرسه یکی از بحث‌های پر حاشیه‌ی حوزه‌ی آموزش و پرورش است. با تجربه‌هایی که در این دو سال داشته‌ایم، بعضی‌ها به شدت از آموزش مجازی گله دارند و بی‌صبرانه منتظر روزگاری هستند که دوباره بتوان به آموزش حضوری مدرسه‌ای روی آورد. گروهی نیز چنان با دنیای فناوری سازگار شده‌اند و از آموزش فناورانه راضی‌اند، که چندان تمایلی به حضور در کلاس‌های حضوری و تحمل مشقت رفت و آمد ندارند. هر دو گروه برای خود دلایلی منطقی و بجا دارند که با شرایط خاص مکانی، زمانی و امکاناتی خودشان متناسب است. در طول آماده‌سازی مجله‌های شماره‌ی اول و دوم، دوستان و هم‌راهانی با مجله تماس گرفتند و می‌پرسیدند آیا قرار است مدرسه‌ها حضوری شوند؟ نمی‌شود انتخابی باشد؟ نمی‌شود بخشی از آموزش حضوری باشد و بخشی مجازی؟ آن‌قدر دغدغه‌ها زیاد بودند که بداندانستیم نظرات عزیزان را با شما هم در میان بگذاریم.



موافقان کلاس‌های حضوری

کیمیا ملکی، اباذری و لیلیا داداش‌پور از دبستان شاهد تهرانی مقدم تهران: هیچ آموزشی جایگزین آموزش حضوری نمی‌شود. حضور در مدرسه و ارتباط با دیگران روابط عاطفی و روحیه‌ی تیمی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. ارتباط دانش‌آموزان با معلم و محیط کلاس یکی از دلایل اصلی یادگیری اوست. محدود شدن ارتباط با هم‌سالان، فرصت معاشرت و ارتباط را از آنان گرفته است. برقراری تماس و ارسال پیام هیچ‌گاه نمی‌تواند جای حضور فیزیکی و دیدار را بگیرد. این موضوع ممکن است به مرور زمان انزوا را در کودکان و نوجوانان سبب شود. دانش‌آموز با نشستن در کلاس و ارتباط چشمی و کلامی با معلم، تمرکز بیشتری بر درس پیدا می‌کند. در محیط مدرسه، علاوه بر فضای آموزشی، وسایل کمک‌آموزشی بسیاری وجود دارند که دانش‌آموزان می‌توانند با آن‌ها مسائل درسی را بهتر درک کنند؛ به‌خصوص دانش‌آموزانی که یادگیری آن‌ها لمسی است.

هانیه نادری، مربی پیش‌دبستانی مدرسه‌ی پسرانه‌ی استقلال تهران: هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین آموزش حضوری شود؛ حتی به‌روزترین فناوری‌ها و روش‌های تدریس. ارتباط چهره به چهره و بودن در خود محیط آموزشی، دو عامل برای انگیزش یادگیرنده‌اند. بهاره خرم‌ن‌دار، آموزگار دوره‌ی ابتدایی و ادبیات متوسطه‌ی استان البرز: تدریس در دوره‌ی ابتدایی باید به‌صورت مفهومی باشد. لطف مدرسه هم به حضور دانش‌آموزان و هیاهوی آن‌ها در زنگ‌های تفریح است.

صدیقه روح‌الامینی، آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی مدرسه‌ی دخترانه‌ی زینب کبری، استان هرمزگان: آموزش حضوری برای دانش‌آموزان ابتدایی، به‌ویژه پایه‌ی اول، ضروری است. در مناطق روستایی هم که دسترسی به تیلت و موبایل برای همه‌ی دانش‌آموزان وجود ندارد!

دانش‌آموزان در محیط مدرسه احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند. الهه دیمی، آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی روستای ولیعصر، شهر کوار: کودک روستایی که فراهم آوردن یک گوشی ساده برایش دشوار است، با وجود درسنامه‌های آموزشی، باز هم از تحصیل بهره‌ی کافی نبرده است و حجم وسیع مطالب آموزشی راه را برای او تنگ‌تر کرده‌اند. کودک عشایری که مادر و پدرش فرصت رسیدگی به او را ندارند، با وجود مشکل اینترنت در دامنه یا کوهستان، چگونه آموزش را دنبال کند؟ گر چه در این مسیر آموزگاران بودند و هستند که دلسوزانه در کنار چنین فرزندان قرار گرفتند و بار آموزش را به دوش کشیدند.

نجمه دائمی، مدیر آموزگاران مدرسه‌ی چندپایه‌ی ۲۲ بهمن چوپلانی گرگان: به نظر من، کلاس باید حضوری و با رعایت شیوه‌نامه‌ها باشد. رابطه‌ی چهره به چهره، گاهی خنده و گاهی اخم، و گاهی جدیت، در تربیت و پرورش و آموزش بچه‌ها مؤثر است. می‌توان در مدرسه حضور داشت و با رعایت موارد بهداشتی از خیلی خطرات جلوگیری کرد.

خانم مسعودی، مدیر مدرسه و همکارانشان در یزد: اگر قرار باشد آموزش‌ها برخط و مجازی باشند، ابتدا باید بستر اینترنت را به حد قابل قبول برسانند. برخی از والدین و دانش‌آموزان هم وسایل و تجهیزات موردنیاز برای آموزش در فضای مجازی، از جمله موبایل و تبلت، را ندارند. از طرف دیگر، این نوع آموزش برای دانش‌آموزان خستگی‌آور است و ما با کاهش انگیزه‌ی تحصیلی مواجه شده‌ایم. دور شدن از کار گروهی نیز تهدید است؛ به‌علاوه‌ی مشکلاتی مثل نبود تحرک و بروز چاقی، کم‌شدن آستانه‌ی تحمل خانواده‌ها و حتی خود دانش‌آموزان. کرونا باعث شد مردم جایگاه آموزش و پرورش را بیش از گذشته بشناسند.

موافقان نیمه حضوری (تلفیقی)

فاطمه سادات حسینی، به نمایندگی از همکارانشان در دبستان دخترانه‌ی شاهد حضرت مریم (س) تهران: با تلفیقی موافقیم. از فضای مجازی راضی بودیم، ولی ارتباط عاطفی و کنترل نظارت نبود. ارزشیابی دانش‌آموزان به خوبی انجام نمی‌شد. برای بچه‌های ضعیف حضوری بهتر است. گاهی بغل کردن و نوازش به بچه‌ها انرژی زیادی می‌دهد. فضای مجازی سرد و بی‌روح است. زنگ‌های تفریح خیلی عالی هستند. البته در مجازی دانش‌آموز می‌توانست فیلم‌های تدریس را چند بار ببیند و اشکالاتش را برطرف کند. سرعت بالا و پرسش و پاسخ هم بهتر بود. بچه‌ها خودشان تحقیق می‌کردند و یادگیری خوب بود. کارهایی را در مدت مجازی انجام دادم که در سی سال خدمتم انجام نداده بودم. کارهای جدیدی یاد گرفتم و از تجربه‌های همکارانم هم استفاده کردم.

لیلا صمدی، آموزگار پایه‌ی اول دبستان پسرانه‌ی شهید مصطفی خمینی تهران: در پایه‌ی اول آموزش باید حضوری باشد، ولی در پایه‌های بعد می‌تواند تلفیقی باشد. می‌توانیم به تدریج به سمت کلاس‌های حضوری برویم، اما در کنار آن باید از فضای مجازی برای تکمیل آموزش‌های حضوری و غنی‌تر شدن آن بهره بگیریم. **خدیجه نقدلو، مراقب سلامت و سمیرا پارسا، از دیگر آموزگاران همین دبستان:** یادگیری در جمع اتفاق می‌افتد و ارتباط مؤثر در تدریس بسیار آسان می‌شود. حضوری یا مجازی شدن را به دست متخصصان حوزه‌ی سلامت واگذار کنیم و تابع باشیم. اگر چه می‌دانیم یادگیری در کلاس حضوری بهتر انجام می‌شود، اما برگزاری کلاس‌های غیرحضوری باعث شد دانش‌آموزان و معلمان در تولید محتوا فعال‌تر شوند. البته والدین نیز باید محیطی فراهم کنند تا دانش‌آموز بتواند خودش به تنهایی عمل کند تا هم معلم و هم خانواده میزان یادگیری را بهتر بسنجند. آموزش مجازی تجربه‌ی ارزشمندی بود. با تلفیق، دانش‌آموزان می‌توانند ساعت محدودتری در مدرسه باشند.

مریم فرهادی، آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی دبستان دخترانه‌ی طراوت تهران: کلاس‌ها نیمه‌حضوری باشند و بر اساس پایه‌ی تحصیلی، نوع و محتوای درسی، به حضوری یا نیمه‌حضوری طبقه‌بندی شوند.



موافقان غیر حضوری

نوشین سودمند، آموزگار پایه‌ی ششم دبستان پسرانه‌ی اندیشه‌ی تهران: غیرحضوری باشد، چون سلامت از آموزش مهم‌تر است. **اکرم مرواری، آموزگار دوره‌ی ابتدایی مدرسه‌ی پسرانه‌ی ارمغان تربیت دامغان:** دانش‌آموزان نمی‌توانند شیوه‌نامه‌های بهداشتی را رعایت کنند و من موافق حضوری شدن نیستم.

خانواده‌های دانش‌آموزان

به میان خانواده‌ها رفتیم و در تحقیقی میدانی، نظر آن‌ها را خواستیم:

- حضوری خیلی بهتر است، اما اگر ویروس از بین نرفته باشد، سلامت بچه‌ها مهم‌تر است.
- برگزاری حضوری کلاس‌ها طبق روند دو سال قبل بسیار عالی است.
- مجازی خیلی سخت و طاقت‌فرسا بود.
- کلاس‌ها حضوری شوند، خیلی عالی و مفیدتر می‌شوند.
- با کلاس حضوری موافقم.
- کلاس‌های حضوری برای پیشرفت درسی و پرورشی بچه‌ها بهترند.
- کلاس‌های حضوری قطعاً بهترند؛ هم برای آموزش بچه‌ها و هم برای پرورش آن‌ها.
- کلاس اگر حضوری باشد، خیلی بهتر و پر بارتر است.
- حضوری خیلی بهتر است، چون در کلاس غیرحضوری فرزندانمان خیلی از توانایی‌هایشان را از دست می‌دهند.

آباز آموزش

آبان ماه

دوره‌ی بیست و پنجم
شماره‌ی ۱۴۰۰ | ۲

۴۳

زنگ بازی

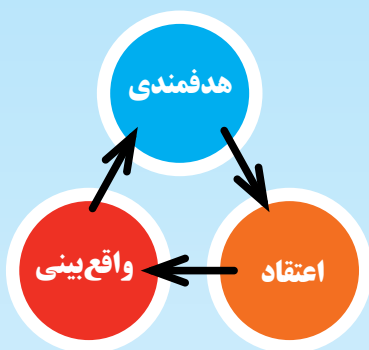
تمنارستگار

بزهشگر و طراح آموزشی

بازی‌های آموزشی، حتی در ساده‌ترین شکل و روش اجرا، ظرایف و پیچیدگی‌های خاصی دارند که باعث می‌شود آن‌ها را نه تنها به‌عنوان ابزار روزآمد یاددهی، بلکه در جایگاه مؤثرترین راهکار تقویت هم‌زمان مهارت‌ها و هوش‌های چندگانه‌ی دانش‌آموزان بشناسیم.

هنگامی که معلمی با اتکا به تجربه، دانش و شناختش از دانش‌آموزان اقدام به طراحی و اجرای بازی آموزشی می‌کند، در واقع به خلق مناسب‌ترین موقعیت برای رشد همه‌جانبه‌ی شاگردانش دست زده است؛ ابداعی که پیش‌شرط آن آگاهی از سه رکن اصلی در بازی آموزشی است.

عکاس: بهزاد سهرابی؛ کردستان. رتبه‌ی نخست بخش مدرسه، خانه‌ی دوم (فرهنگیان)؛ یازدهمین جشنواره‌ی عکس رشد



رکن اول: هدفمندی

هدفمندی در بازی آموزشی به‌معنای طراحی و سازمان‌دهی بازی بر اساس این موارد است:

۱. مفاهیم و کلیدواژه‌های موضوعی و محتوایی؛
۲. رده‌ی سنی یادگیرندگان؛
۳. علاقه‌ها و ذائقه‌های ذهنی یادگیرندگان؛
۴. الگوی رفتاری بازی.

● مفهوم سه مورد اول روشن است، اما الگوی رفتاری بازی را می‌توان مجموعه‌ی کنش‌ها و واکنش‌های موجود در فرایند بازی تعریف کرد که با هدف رشد و توسعه‌ی مهارت‌های فراگیرندگان، در جریان بازی، برای دستیابی به اهداف مشخص، پیش‌بینی شده‌اند.

برای مثال، در یک بازی آموزشی با ساختاری مشابه بازی «مار و پله»، الگوی رفتاری بازی شامل این موارد است:

۱. تشخیص مفاهیم آموزشی (درست = پیش‌ران؛ نادرست = تنزل دهنده)؛
۲. مهارت شمارش؛
۳. برقراری ارتباط بین مفهوم آموزشی و فرایند بازی.

در حالی که در بازی آموزشی دیگری با روش «فلش‌کارت»، الگوی رفتاری بازی بر این اساس استوار است:

۱. حافظه‌ی دیداری؛
۲. برقراری ارتباط ذهنی نماد تصویری و مفهوم آموزشی؛
۳. مهارت تشخیص دیداری.

عنصر مهم دیگر در الگوی رفتاری بازی «مدت‌زمان» انجام آن است؛ یعنی بازه‌ی زمانی مفیدی که طی آن مفهوم آموزشی مشخصی از طریق بازی یا انجام فعالیت به دانش‌آموز منتقل یا به‌وسیله‌ی فرایندهای عملکردی در قالب کاربرد مفهوم در ذهن او نهادینه می‌شود.



این بازی زمانی باید متناسب با مفهوم آموزشی (هدف بازی) و کنش‌ها و واکنش‌های پیرو (فرایند بازی) تبیین و تعریف شود. اگر یادگیرنده ناچار باشد برای طی مراحل بازی و به اتمام رساندن آن، مدت زمانی طولانی‌تر از حد لازم را صرف کند یا به انجام عملی غیر مرتبط با مفهوم آموزشی و هدف بازی بپردازد، در عمل، رویکرد آموزشی بودن بازی در سایه فرایند اجرایی آن کم‌رنگ و گاه محو می‌شود.

مثال بارز و آشنای این مورد، انواع به اصطلاح فعالیت‌هایی هستند که طی آن کاربر بازی با یافتن پاسخ مورد نظرش باید آن را رنگ‌آمیزی کند. بدیهی است، مدت زمان صرف‌شده برای رنگ کردن تصویری، به نسبت بزرگ، در مقایسه با تشخیص دیداری و ذهنی پاسخ صحیح، به مراتب بیشتر خواهد بود و بخش اعظم بازی زمانی پیش‌بینی شده، برای انجام کاری (رنگ کردن تصویر) اختصاص یافته است که هیچ تأثیری در هدف و انتظار اصلی فعالیت یا بازی (تشخیص مفهوم درست) ندارد.

رکن دوم: اعتقاد

اعتقاد و باور قلبی یاددهنده (معلم/ مربی) به کاربرد بازی به عنوان ابزاری مهم و ارزشمند در جریان یادگیری دانش‌آموزان از اولویت‌های اصلی در اثر گذاری بازی آموزشی است. این امر هنگامی تحقق می‌یابد که یاددهنده، چه برای نقش خود به عنوان تسهیلگر و فراهم‌آورنده موقعیت‌های یادگیری و چه برای دانش‌آموز در مقام مخاطب اصلی در فرایند و برآیند تعلیم و تربیت، جایگاهی والا تر و فراتر از «تقل و انتقال دانش نظری محض در مسیری یکطرفه» قائل باشد. معلم مجرب به درستی معتقد است که تأثیر بازی آموزشی در تثبیت عمیق مفاهیم درسی به مراتب بیشتر از نتیجه تکلیف سنتی متکی بر تکرار و تمرین تک‌بعدی است.

رکن سوم: واقع‌بینی

واقع‌بینی به معنای برخورداری از درکی آگاهانه و داشتن انتظار منطقی و قابل اندازه‌گیری از برآیند بازی آموزشی است؛ درکی که امکانات و شرایط را آسیب‌شناسی کند و شرایط حاکم بر فضای یاددهی - یادگیری را در نظر بگیرد. مثلاً در شرایط امروز جامعه توجه به چند نکته ضروری است:

۱. «بازی» محسوب نمی‌شوند، بلکه فعالیت‌ها و تمرین‌های معمول و رایجی هستند که در قالب گرافیکی پیاده‌سازی نشده‌اند. برای مثال، در دوره‌های پیش‌دستانی و پایه‌های اول و دوم ابتدایی، در نمونه‌هایی که با عنوان «بازی» برای تشخیص مفاهیم فضایی و ریاضی، و گاهی علوم تجربی، به شکل محتوای الکترونیکی با «کلیک» کردن روی پاسخ صحیح استفاده می‌شوند، به هیچ عنوان «بازی آموزشی» به حساب نمی‌آیند؛ زیرا تعریف و ارکان بازی را ندارند.

راهکار سهل و ممتنع

«دانش‌آموزان را به طراحی و تولید بازی ترغیب کنیم.» کودکان به شکل غریزی «طراح» بازی هستند. آن‌ها سریع‌تر از آنچه بتوان تصور کرد، بازی را خلق می‌کنند و برای آن قانون و مرحله می‌سازند. ذهن خلاق کودک قادر است حین فرایند انجام بازی به آن شاخ و برگ بدهد و بازی را از مسیری به مسیر دیگر هدایت کند.

کامل‌ترین شکل بازی‌های آموزشی آن‌هایی هستند که کمترین اعمال نظر و دخالت بزرگ‌سالانه را در خود دارند. مفاهیمی چون مهارت‌ها و محاسبات ریاضی و حل مسئله، املانویسی، واژگان مترادف، هم‌خانواده و مخالف، مفاهیم علوم تجربی، کلمه‌سازی، انشا و نگارش، از بهترین و مناسب‌ترین موضوعات برای طراحی و بازی‌های آموزشی توسط دانش‌آموزان به شمار می‌روند.

۲. باید اذعان کرد که رفتار یاددهی - یادگیری با همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ و انتقال ناگزیر بخش قابل توجهی از فرایند آموزش و تربیت به دانش‌آموز، به پررنگ شدن الگوی سنتی و منسوخ دانش‌محور منجر شده است. حتی در خوش‌بینانه‌ترین موقعیت، نمی‌توان از والدین آموزش ندیده و در عین حال نگران وضعیت تحصیلی و پیشرفت فرزندشان توقع داشت همانند آموزگاران کارکشته و مسلط به اجرای روش‌های نوین آموزشی عمل کنند؛ مثلاً از کارکرد بازی در یادگیری استفاده کنند.

۳. دور از ذهن نیست که والدین از تجربه‌ها و خاطرات آموزشی دوران تحصیل خود برای آموزش یا حداقل همراهی در یادگیری فرزندشان استفاده کنند. رواج انواع جزوه‌های پرسش و پاسخ با رویکرد کاملاً حفظ‌کردنی، مشق‌ها و رونویسی‌ها و تمایل به استفاده از کتاب‌های کمک‌آموزشی رنگارنگ و تجاری، مملو از تمرین‌های کلیشه‌ای مداد-کاغذی تکراری و منسوخ، گواه بارزی بر این ادعاست.

۴. برای معلمان کارآزموده نیز، به خاطر محدودیت‌های زمانی و امکاناتی در آموزش غیرحضوری دانش‌آموزان، اجرای روش‌های به‌روزی چون بازی آموزشی، خالی از مانع و اشکال نیست، به خصوص در شرایطی که معلمان در عمل، بار توجیه کردن والدین را ضمن آموزش و تربیت دانش‌آموزان بر عهده دارند.

۵. بسیاری از نمونه بازی‌های آموزشی موجود، به‌ویژه در قالب محتوای الکترونیک، به‌طور کلی

این رشد

و رشدهای دیگر

زکبه ملابابائی، آموزگار، بیجار



دورمزمینه از رشد نو آموز



برخی از تجربه‌های من به‌عنوان معلم کلاس‌های چندپایه که همواره در کلاس از قسمت‌های متنوع مجلات رشد استفاده می‌کنم، چنین است:

در تمامی مجلات رشد قسمتی تحت‌عنوان «قصه» وجود دارد. من از این بخش، با توجه به نیاز دانش‌آموزانم، استفاده می‌کنم. بدین‌گونه که در پایه‌های اول و دوم، از قصه‌های این مجلات همواره برای «افزایش دایره لغات» دانش‌آموزان بهره می‌برم. در پایه‌های سوم تا پنجم نیز از داستان‌های مجلات رشد به‌عنوان «متن املا» استفاده می‌کنم؛ چون اکثر دانش‌آموزان فقط به متن درس‌های کتاب فارسی و تکیه بر حفظیات برای نوشتن املا بسنده می‌کنند. در این صورت، با کمبود دایره لغات مواجه می‌شوند. اما استفاده‌ی مستمر از این بخش مجلات، هم در یادگیری دانش‌آموز و هم در ارزشیابی درست او کمک شایانی می‌کند.

توجه به قصه، معلمان را در پرورش مهارت‌هایی چون شناساندن زبان فارسی به دانش‌آموزان و آشناکردن آن‌ها با نحوه‌ی نوشتن و علائم نگارشی و ایجاد دقت در گوش‌دادن یاری می‌دهد. استفاده‌ی مستمر از این بخش، در پرورش تقویت زبان نوشتاری بچه‌ها نیز بسیار یاری‌بخش است.

در دنیایی که اتکا به کتاب و رغبت دانش‌آموزان به خواندن کتاب‌های غیردرسی کم شده و تمرکز بر گوشی و دنیای مجازی جایگزین آن شده است، استفاده از مجلات رشد و قصه‌های جذاب آن، در طی سالیان متمادی، در دانش‌آموزان من علاقه به خواندن متن نوشتاری را ایجاد کرده است. مزیت خوب این بخش، کوتاه‌بودن داستان‌هاست که با حوصله‌ی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی هم‌خوانی فراوانی دارد.

از دیگر تجربه‌های من در بهره‌گیری از قصه‌های مجلات رشد، «پرورش استعداد خوانش خلاق» در دانش‌آموزان و فرزند خودم بوده است. استفاده از این بخش، اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان را از حضور در جمع تقویت و کم‌رویی را رفع می‌کند و به بادقت حرف‌زدن آنان کمک می‌کند.

قسمت کاردرستی مجلات نیز از دیگر بخش‌هایی است که من از آن استفاده می‌کنم. با توجه به اینکه اکثر کلاس‌های هنر در بین همکاران با کشیدن نقاشی ساده‌ای گذرانده می‌شود، برای تغییر این رویه، همواره در ماه دو جلسه را به ساخت کاردرستی‌های معرفی‌شده و آموزش داده‌شده در مجلات اختصاص می‌دهم. با این کار، هم کلاس هنر جذاب‌تر می‌شود و هم دانش‌آموزان با نوعی مهارت در ساختن و بهره‌گیری از وسایل آشنا می‌شوند. این امر همواره موجب بروز، کشف و پرورش استعداد در بچه‌ها، به‌خصوص در مناطق محروم، می‌شود. در این مناطق اکثر کاردرستی‌ها را می‌توان با وسایل دورریختنی ساخت و همین نکته‌ی جالب مهارت استفاده‌ی بهینه از امکانات برای زندگی بهتر و آسان‌تر را به دانش‌آموزان می‌آموزد. بهره‌گیری درست از امکانات موجود و خلاقیت، گره‌گشای خیلی از مشکلات و نیازهاست. کسب تجربه کار ساده‌ای است؛ اما بهره‌گیری و انتقال تجربه سخت و مهم است.

توجه ما معلمان به همین موارد ساده و چه بسا عمیق نهفته در آموزش‌ها و مطالب این مجلات، در پیشرفت کاری خودمان و جامعه بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

آیندازی

آین ماه
دوره بیست و پنجم
شماره ۲ | ۱۴۰۰

۴۶



ساخت کار دستی
در مجله‌ی رشد کودک





رمز اشتیاق



اعظم لاریجانی

درست زمانی که فکر می‌کنید برنامه‌ی درسی کاملی را با فعالیت‌های جذاب ایجاد کرده‌اید، متوجه می‌شوید برخی از دانش‌آموزان، از لحاظ ذهنی یا فیزیکی، در کلاس درس شما حضور ندارند. هرجایی هستند جز آنجا که باید باشند. چه بسیارند معلمانی که روش‌های جالبی برای متمرکزنگه‌داشتن دانش‌آموزان خود دارند؛ روش‌هایی که به جذب و حفظ اطلاعات کمک می‌کنند. یکی از این روش‌ها، اسرارآمیز کردن درس است. رمز و رازی که شما در درس می‌گنجانید، بیشترین لذت را در یادگیری ایجاد می‌کند، حس تعجب را برمی‌انگیزد و دانش‌آموز را متمرکز، مشتاق و منتظر دانستن خواهد کرد. اگر دانش‌آموز کنجکاو شود که در چند روز بعد چه خواهد آموخت، واقعاً منتظر دانستن خواهد بود. مثلاً چند روز قبل از تدریس درس جدید، سرنخ‌هایی از درس بعدی بدهید؛ طوری که در ذهن او سؤال ایجاد شود و روزشماری کند تا روز درس جدید فرا رسد و او جواب سؤال‌هایش را بیابد. به این ترتیب، ناخودآگاه اجبار در یادگیری درسی، جای خود را به مشتاق بودن می‌دهد. چنین است که علاوه بر یک مفهوم درسی، به او لذت رسیدن به مطلوب را خواهید آموخت. گاهی با بازی، گاهی با متعجب نشان دادن و نمایش اشتیاق خود از پدیده‌ای، گاهی با ربط اطلاعات درسی با زندگی کودکان، گاهی با پرسیدن سؤالات خوب و... بر اشتیاقشان بیفزایید.

آیندپژ

آین ماه
دوره بیست و نهم
شماره ۲ | ۱۴۰۰

۴۸

A hand is shown tearing through a US flag. The tear is jagged and black, revealing a dark background behind it. The words 'حدا آید' are written in white, stylized Persian calligraphy across the black tear. The background of the flag consists of red and white vertical stripes on the left and a blue field with white stars on the right.

حدا آید

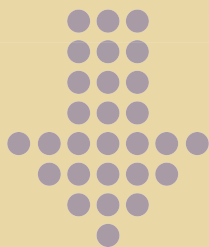
من با اطمینان می گویم اسلام ابرقدرت ها را به خاک مذلت می نشاند.
امام خمینی (ره)



www.roshdmag.ir

آموزشی ابتدایی

رشد



سایت مجله
رشد آموزش ابتدایی

صفحه اختصاصی «رشد آموزش ابتدایی»
 کلاس‌های چند پایه
 کلاس و کلاس اول
 کلاس دوم
 کلاس سوم
 کلاس چهارم
 کلاس پنجم
 کلاس ششم
 کلاس هفتم
 کلاس هشتم
 کلاس نهم
 کلاس دهم
 کلاس یازدهم
 کلاس دوازدهم

ارتباط مستقیم با سر دبیر
 جستجو
 دسته‌بندی
 موضوعی
 روش تدریس
 پایه تحصیلی
 سال تحصیلی
 منطقه